

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

۹۶

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بها ۳۰ ریال

سال دوم - دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۵۹

در صفحات دیگر این شماره:

- ۲۳۷۵۰ تومان حقوق ناقابل! يك استنادار "مکتبی"!! صفحه ۱۷
- رزمندگان: تصفيه اپورتونيسم به سيوه سائريستی! صفحه ۱۹
- لايحه ارضی رژيم: طنين طبل تو خالی برای فريب دهقانان! صفحه ۲۱
- "تحریم اقتصادی" چه تأثیری بر واردات ایران داشت صفحه ۲۴
- جاسوسان انگلیسی آزاد شدند. انشاءالله که به است! صفحه ۲۹

۱۷ اسفند روز بین المللی زنان کارگر و

زحمتکش گرامی باد!

صفحه ۲۷

اطلاعیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در مورد توطئه دستگیری رفیق محسن فاضل

۳ هفته قبل، رژیم جمهوری اسلامی یکی دیگر از مبارزین سابقه را که در سنگر مبارزه علیه امپریالیسم - صهیونیسم و رژیم شاه مبارزه کرده است، دستگیر نمود. رژیم جمهوری اسلامی مدت زیادیست که کوشش مینماید، چنین وانمود کند که سازمان ما یک "سازمان آمریکائی" و افرادی نظیر رفیق محسن فاضل در رابطه با امپریالیسم آمریکائی فعالیت می نمایند.

بقیه در صفحه ۱۴



شرایط سیاسی کنونی و تاکتیک کمونیستها

خلعت کنونی شرایط سیاسی جامعه ایران، هم اکنون در ایست که دورشته تفا دیه موازات یک دیگر، حلقه های مختلف حوادث سیاسی ایران را بیکدیگر متصل کرده و سیمای کنونی اوضاع سیاسی جامعه را ترسیم می نماید. یکم تفا دمیان با لایوایش، میمان نوده های تحت ستم، با رژیم سیاسی حاکم، و دوم، تفا دمیان جناح های مختلف حکومت فدا انقلابی موجود. برای کمونیست های انقلابی جای هیچ تردیدی نیست، که در میان این دورشته تفا تا آنچه نقش جایگاه تعیین کننده را دارد و نقطه آغاز اصلی اتخاذ هرگونه تاکتیک و سیاست صحیح را برای پرولتاریا تشکیل میدهد، تضاد اولی و جهت حرکت آن است. هر کارگر آگاهی با پدید آمدن نگاه خویش را قبل از هر چیز و قبل از آنکه به دعوی میان جناح های

بقیه در صفحه ۲

ضرورت طرح

آلترناتیو کمونیستی و نگرش انحرافی فدائیان خلق (اقلیت)

صفحه ۱۱

درود بر کارگران

قهرمان اعتصابی شرکت واحد

صفحه ۸

یاد رفیق کبیر، استالین را

گرامی میداریم!

صفحه ۲۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۲ **سرمقاله...**

رژیم، بدوزد، آنجیزی که رویزیونست هسا، ایورتونوست ها و رفرمستهای خرده بورژوازی تمام قوادری آتند، بایده اوضاع عینتی جنبش توده ای وسعت و جهت حرکت آن سنا نازد و کلید اصلی درک این اوضاع را از همین جیا آغا زکند، چرا که نه تنها، این تضاد، نقش اصلی را در تعیین زوندتکامل اوضاع سیاسی جامعه در هر مرحله و دورانی ایفا میکند، بلکه بنوبه خود نقش مهمی در شکل گیری و نقش اصلی را در دا من گرفتن و گسترش تضاد دوم، یعنی تضاد در بالا ایفا میکند، ایورتونوست ها، رویزیو - نیست ها و رفرمستها، از بالا شروع میکنند و پاشین حرکت میکنند، کمونست های انقلابی و بیگرا از پاشین آغا زکند و بنوبه بالا میسرند، این یکی از مهمترین تفاوت میان مناسبتی تاکتیکی ما رگسست لنینیست ها با خیل مزیور است.

رشد جنبش توده ای، در شرایط کنونی، آنچنان شتابی بخود گرفته است و چنان شور و شوقی را در میان توده ها پدید آورده است که در لحظه کنونی حتی دو آتش ترین ایورتونوست - ها نیز نمی توانند، همچون دیروز، بمسراحت از رکود جنبش، و علیه ضد انقلاب سخن بگویند. بورژوازی حاکم، اکنون، در میدان به وسعت کشور پهنا و ایران، در هر لحظه خویشتن را در برابر نسیم وزاتی که ارسوی جنبش توده ها بر می خیزد، نسیمی که نطفه توفانی آتنده را در دل خود می پرورد، رویزومی بیند، توده های تحت ستم ایران، متاثر از بحران عمیقی که ساختمان جامعه را بلرزده در آورده است، مستقیما و علیرغم حتی توهمی که به این با آن جناح حکومت ضد انقلابی در ذهن خویش دارد، نظم اقتصادی - اجتماعی و در بسیاری اوقات نظم سیاسی موجود را نشان گرفته است. و هیچ قدرتی توان محدود کردن آن در یک چهره رجوی قانونی، برای جلوگیری از واژگونی کل نظام موجود را ندارد چرا که توده ها، در هر واکنش انقلابی و مبارزاتی خویش، متاثر از کنش ضد انقلابی رژیم مستقیما بر این نظم ضربه میزنند و چهره رجوی قانونت موجود را مورد تعرض خود قرار میدهند، کارگران در کارخانه ها، خلقها در مناطق ملی، دهقانان، هر چند به میزان بسیار کمتر در روستا - ها، توده های بی چیز و فقیر شهری در شهرها، روشنفکران، دانشجویان و دانش آموزان انقلابی هر یک بنحوی در حرکت روزانه خود، روحیه تعرض و مبارزه را در فضای بحرانی ایران می پراکنند و هر حرکت رژیم در جهت بازگرداندن نظم ضمد انقلابی موجود، هر تعرض مستقیم و به آذایهای دمکراتیک، مستقیما جنبش را برمی انگیزد و به واکنش و می دارد. همین حوادث هفته های اخیر کرمان، شهری که از لحاظ سطح متوسط مبارزه، در

کل ایران، جایگاه آنچنان برجسته ای هم ندارد بروشنی این واقعیت را آشکار می سازد که چگونه یک واقعه سیاسی مثلا ترور یک فرد مخالف حزب حاکم، توده ای چندده هزار نفری را نه خبا با نپا می کشاند و مستقیما بر علیه جناح غالب هیئت حاکمه که نقش اصلی را در سازماندهی باندهای سیاه ترور ایفا میکند، می شورا ند، بطوریکه حتی لیبرالها را نیز به وحشت و تنگاپو برای جلو - گیری از این سسل "مخرب" وامیدارد، اما جنبش حتی آنها را نیز علیرغم تمام توهما تی کسه در ذهن توده ها نسبت به خود برانگیخته اند، بنا - کای می گذارد.

کارگران در شرایط جنگی و علیرغم توصیه - ها و رهنمودهای امام "و تهدیدهای رژیم، دست به اعتصاب میزنند و بر علیه فقر و فلاکت موجود به حرکت در می آیند. بطوریکه همه جناحهای هیئت حاکمه در موضع گیری علیه آنها پافشاری و اصرار دارند (به همین اعتصاب اخیر شرکت واحد نگاه کنید) و این در حالی است که رویزیو - نیست ها و ایورتونوست ها، سپاه کارگران را به تحمل نظم ضد انقلابی موجود فرامی خوانند و آنان را دعوت به "افزایش تولید" می نماید. ویژگی اساسی شرایط عینی مبارزه توده - ها در وضعیت کنونی، اعتلای انقلابی آن است. بدون ارزیابی ذهن گرایانه از اذمانه این اعتلای و نیز شرایط ذهنی توده ها، با ایداعمان داشت، که جنبش توده ها، در سطح و در عمق رشد و گسترش پیدا کرده و تمام حوادث و جریانات سیاسی در جامعه امروز ایران بر این امر دلالت دارد. این اعتلای بدون شک در مسیر یک شورش همگانی بر علیه نظم موجود، به پیش خواهد رفت و به یک خیزش عمومی تبدیل خواهد شد. اینکه جنبش در این سیرا اعتلای خویش، از چه راه ها و گذرگاهها می عبور نماید، با چه اذمانه و شدتی به حرکت آتی خود ادامه دهد، به چه نتایج آتی دست یابد و چه فراز و نشیبها می آرا ز سر بگذراند، امری است که از قبل قابل پیش بینی نیست. اینکه سرانجام این سیرا اعتلای چگونه و در چه شکلی به انقراض همگانی تبدیل شود، اینکه آیا سرانجام این سیرا اعتلای و شورش همگانی به یک انقلاب پیروز مندمتکامل خواهد یافت یا نه، با شرایط ذهنی توده ها و بسیاری عوامل - عناصر دیگر که از قبل ناشناخته است رابطه تعیین کننده دارد. اما تمام این آتنده های نا معلوم و نا مشخص نمی توانند بر این واقعیت خدشه نا پذیر برده اند که این اعتلای یک مسیر انقلابی را طی میکند و جهت و سیرتکامل را می - پیماید.

دومین ویژگی اساسی شرایط و اوضاع سیاسی کنونی، که زمینه تکوین و تکامل خود را در رویز - گی اساسی فوق الذکر می یابد، تضاددهمهای اوچگرو ر شدیابنده میان دوجناح اصلی هیئت

حاکمه است که هر یک از آنها، سپاه طبقاتی و سیاسی معینی را در پشت خویش بسیج کرده است. واقعیت این است، که این تضادها، به موازات رشد و گسترش جنبش خلق و تعمیق شکاف میان بالا و پاشین، و متاثر از آن، بنوبه از جریان اشغال سفارت به اینطرف بیوسته و علیرغم افت و خیزهای فراوان روبه گسترش و عمق بوده و یک لحظه توقف نداشته است. با به عینتی این تضاد، از همان ابتدا و علیرغم تمام مروضهای رسمی و عوامفریبانه آن، چیزی جز دو سیاست و روش معین از جانب جناح های مختلف بورژوازی ایران - (و بخشا خرده بورژوازی مرفه) در مقابل به با بحران عمیق موجود در همه عرصه ها، نمی باشد. دوروش و سیاستی که تلاش بورژوازی را در کلیت خویش برای ارائه یک آلترنا تیو بورژوازی و خنثی کردن آلترنا تیو انقلابی و پروولتاریائی در وضع بحران کنونی، بروشنی نمایان میسازد این دو سیاست و دوروش (علیرغم تمام هیت یکسان هر دو)، هر روز، که میگذرد و بحران فزونی میابد ایضا دوزوایای روشن تری بخود میگیرد و سیمای روشن تری به صف آرائی نیروهای سیاسی طبقه حاکم می بخشد. پیدایش تدریجی گرایش مینسکی در درون حزب جمهوری اسلامی، در جهت نزدیکی به بلوک شرق و ضدیت با بلوک غرب و متقا بلا گرایش پیدا و نهادن جنبه لیبرالها به بلوک غرب جلوه ای از تضادهای این دوجناح را در قدرت سیاسی به نمایش می گذارد. سیرتکامل این تضادها که اکنون بصورت دوجبه مشخص جلوه گیری میکند، اکنون به جایی رسیده است که بدون انساق می توان گفت به بن بست نهائی خود درجه رجوی تناسب و آرایش فعلی نیروها در هیئت حاکمه، نزدیک میشود. اکنون به یقین می توان گفت هر یک از جناح ها، با تمام قدرت و علیرغم تمام توصیه های "اخلاقی" و "پدرانه" "رهبرانقلاب"، در جهت حذف رقیب از مجموعه قدرت تلاش میکنند. آنچه که تاکنون و با هم اکنون مانع اساسی چنین کاری بوده است اولاً و مهمترین رزهمه وحشت هر دو جناح از اوچگیری جنبش توده ای و در خطر قرار گرفتن کل حاکمیت از طرف این جنبش بر اثر هرگونه اقدام تعبیین کننده در جهت حذف جناح دیگر میباشد و ثانیاً، توازن و تضادی است که در مناسبات سیاسی نیروهای موجود در هیئت حاکمه و بنوبه، میان دوجناح و نقشی که خمینی در این رابطه ایفا می کند بوجود آمده است. اکنون نه جناح حزب جمهوری، که موضع غالب را در قدرت سیاسی دارد می تواند به حذف کامل لیبرالها، بدلیل پایه استواری که در توهما ت شده ها یافته اند، دست زند (صرفنظر از اینکه در خود جناح حزب نیسز گرایشات متفاوت طبقاتی و سیاسی، امکان یک حرکت یکپارچه و هماهنگ را در این رابطه به

بقیه در صفحه ۳۰

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

جنبش کارگری



اینست ماهیت رژیم جمهوری اسلامی:

**لغوسود و پیره کارگران
و بخشودگی حق بیمه
سرمایه داران!**

آز شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟ (۳)

الف - رشته انومبیل سازی

۳- کارخانه بنزخاور

کارخانه بنزخاور با این کارخانه بیش از ۳۰۰۰ کارگر و کارمندان دارد و کارگاه میونهای بنز تولید میکند. مدیر عامل فدکارگزاران عوامل حزب جمهوری اسلامی است که برای تحت فشار قرار دادن هر چه بیشتر کارگران به وضع مقررات خشک "انضباطی" و در واقع ایجاد اختناق در کارخانه مبادرت نموده است. بطوریکه تمامی حرکات کارگران و بخصوص کارگران مبارز زیر نظر انتظامات کارخانه و سرپرستها و فورمنها قرار دارد. اما با این وجود فشارگریهای کارگران

مبارز و کمونیست همچنان ادامه میابد. شورای کارخانه یک شکل زرد (ضدکارگر) و طرفدار لیبرالهاست. شورا علنا بدفاع از جناح لیبرال رژیم پرداخته و از این موضوع بر علیه حزب به تبلیغات میبرد. از این رو "شورا" توانسته است با عوام فریبیهای بسیار غلبت کارگران ناآگاه را مدافع خود سازد و از این طریق انجمن اسلامی کارخانه را که بسیار رمزپوش است، بکنار رزند.

قبل از جنگ کارگران برای رسیدن به خواستههای صنفی خود و بخصوص اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بنفع کارگران، "شورا" را تحت بقیه در صفحه ۴

تعرض انقلابی کارگران کفش ملی برای آزاد ساختن همکارشان

روز ۵۹/۱۱/۲۰ با ساداران سرمایه در مقابل کارگران مبارز کفش ملی اقدام به تیراندازی هوایی نمودند. قضیه از آنجا آغاز گردید که از چند هفته قبل کارگران خواهان دریافت حقوق تولیدات هیئت مدیره جدید کارخانه شده بودند اما هیئت مدیره با دادن وعده و وعید مدتی کارگران را سردواند. یکی از کارگران که بعد از گذشتن موعده تعیین شده نسبت به این مسئله نزد "شورا" اعتراض کرده بود توسط مزدوران رژیم سرمایه داری دستگیر گردید. کارگران شرکت "گابور" زمانیکه از این جریان مطلع شدند، تصمیم گرفتند را با به جلوی کمیته رفته و همکار زندانی خود را آزاد سازند.

با ساداران سرمایه وقتی صف متحد و مصمم کارگران را در مقابل خود دیدند بوحشت افتاده و شروع به تیراندازی هوایی نمودند. اما کارگران که در گذشته به همراه ما بر تنه های رژیم جلادشاه را با آنهمه قدرت سرکوب از زمین برده و با دست خالی با دگانها را تسخیر کرده بودند، آنها که خود اسلحه ها را بدست ساداران داده بودند، نه تنها تیراندازی در عرضمان خللی

وارد نداشت بلکه با بنمایش گذاشتن شهاب مست و شهابت طبقه خود پیش رفته و کارگر زندانی را از جنگ مزدوران آزاد ساختند.

این حرکت انقلابی کارگران علاوه بر آنکه بیش از پیش آنها را به نیروی خود آفاق گردانید چند مسئله دیگر را نیز برای کارگران روشن نمود. نخست آنکه ما هیت فدکارگری شوروی کارخانه که کوچکترین اقدامی برای آزادی کارگران زندانی انجام نداد آشکار شد. دوم آن که ما هیت سرکوبگران ساداران برای کارگران کارملا آشکار گردید و آنها بی بردند که علت وجود این حافظین سرمایه داری چیزی نیست جز مبارزات کارگران بخصوص اینکه ساداران در قبال این خدمات خود به سرمایه داران، علاوه بر ۸ ساعت حقوق، ۱۶ ساعت نیز "افاهکاری" دریافت میکنند!؟ و اما سرچشمه ترین جنبه این حرکت انقلابی کارگران همانا خملت تعرضی آن بود که نوید بخش او جگری و تعمیق مبارزات طبقه کارگراست.

ساداران سرمایه از کارخانه ها اخراج باید گردند! کارگران متحد همه چیز، کارگران متفرق هیچ چیز!

بخشودگی مطالبات حق بیمه

شش ماهه دوم سال ۵۷

برای کارفرمایان

کم درآمد

تهران - خبرگزاری پاریس: بمناسبة دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از سوی دکتر منافی وزیر بهداشت ابلاغ شد که کلیه مطالبات حق بیمه شش ماهه دوم سال ۱۳۵۷ بر اساس موضوع لایحه بخشودگی کارفرمایان کم درآمد مصوبه شورای انقلاب، قسمتی از حق بیمه کارگاههای کوچک صنعت، بخشیده شود.

کارگران، زحمتکشان و هممیهنان مبارزان

بیش از دو سال است که ما شا هدخیا نتها و عوام فریبیهای هر روز رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی هستیم. دوسالی که رژیم جز خدمت به سرمایه داران و سرکوب مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای ایران، کار دیگری نکرده است. دوسالی که جز وعده و وعید جز فریب و دروغ و جز نیرنگ و دوروشی، از رژیم چیزی دیگری ندیده ایم:

- وعده آب و برق و اتوبوس مجانی میدهد، ولی جز کمک به سرمایه داران برای گرانتر کردن ما بحاجت مردم کاری نمیکند.

- حساب ۱۰۰ برای "خانه سازی" باز کرده و وعده مسکن به زحمتکشان میدهد، ولی آلونکهای زحمتکشان "خاک سفید" را یکشنبه خاک یکسان میکند.

- وعده آزادی های دمکراتیک را میدهد، ولی انقلابیون و کمونیستها را در زندانهای آریابهری به حبس و شکنجه کشیده و آنها را اعدام میکند.

- دم از دفاع از منافع "متضعفین" میزند، ولی حتی جلوی پرداخت قسمتی از حقوق کارگران (معدویزه) را که در اثر مبارزات بسیارشان در زمان رژیم شاه بدست آورده بودند، میگردد.

....

آنگاه در شرایطی که:

- برای جنگ ارتجاعی کنونی شدت فشار بر

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



کارگران و زحمتکشان دانشمندان افزایش می‌دهند، مالباها و قیمت ما بحتاج زندگی توده‌ها روز بروز بالاتر می‌رود،

— به‌یمن نه‌چنگ و "کک" به‌چنگزدگان از حقوق کارگران کم‌کرده‌و حتی ناها را از آنها را لغو می‌کنند

— بیماران "بیمه‌شده" را در بدترین شرایط برای درمان قرار می‌دهند

— نزدیک ۲ میلیون آوارهای مسکنی گرسنگی و در عبادند،

— بیکاری زندگی میلیونها نفر را تهدید می‌کند

.....

آری در این شرایط است که طبق سند فوق دولت طی یک بخشنامه حق بیمه ۶ ماهه "کارفرما" را از "کارگر" جدا می‌کند! این است، ما هیت سرمایه‌داران نه رژیم جمهوری اسلامی!

کارگران، زحمتکشان و هم‌میهنان مبارز! رژیم جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه می‌تواند حافظ منافع شما باشد. این رژیم، حافظ منافع سرمایه‌داران، ناچاران، زمینداران و سایر اقشار مرفه جامعه است، و به همین دلیل هم‌زبانی با زبانی و تحکیم سیستم سرمایه‌داری و بسته‌بندی میراث لیسیم می‌باشد.

امروز کم‌تر خواننده است! طبقه کارگر پیمراه سایر توده‌های انقلابی دیگر چنین آزاری به اینخواهند داد آنها ستم و تعدد نابرابری جمهوری دمکراتیک خلق مبارزات خود را! مدخواهند داد!

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده‌سایا دیسکا رتوده‌ها! بقرار با جمهوری دمکراتیک خلق! سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بشبه از صفحه ۳ از شروع ...

فتا رفت، رده‌ده بودند، که با گسترش جنگ، کارگران! بین کارخانه‌ها هنگ با سایر کارگران تحت تاثیر تبلیغات شوونیستی رژیم قرار گرفته و از بیکاری خواسته‌های خود خود اری نمودند. اما همانگونه که گذشت زمان کارگران و زحمتکشان ایران در برخورد با واقعیت ارتجاعی بودن جنگ و شمرات سوء آن برای توده‌ها از طرفی، و افتاگری کمونیستهای بیگرا از طرف دیگر به ما هیت سرمایه‌داران نه‌چنگ، بی‌بزدند، کارگران بنزخا ورنیزد و با ره‌خواستهای خود را مطرح کردند و "شورا" را زیر فشار قرار دادند. از آنجا که توده‌ها می‌کارگران بشکل یکپارچه و متحدخواهان اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل هستند، "شورا" و مدیریت کارخانه‌ها مجبور به پذیرش این خواست شده‌اند.

یک نکته مهم

کارگری به رفیقش میگوید: در شرایط فعلی ما ناچاریم بین بد (بنی پدر و لیبیرالها) و بدتر (حزبها)، بد را انتخاب کنیم. رفیقش در جواب میگوید: ما "بد" داریم، "بدتر" هم داریم، "خوب" داریم و "خوبتر" هم داریم. چرا بین اینها "خوبترین" را انتخاب نکنیم؟!

"شورا" و مدیریت در آغاز جنگ تصمیم می‌گیرند که به‌ازاء هر شش ماه بگروا از حقوق کارگران را برای جیبه به حساب بکنی صدر بریزند. این عمل با مخالفت و اعتراض عده‌ای از کارگران مواجه می‌شود. ما "شورا" با استغاده از جیبه شوونیستی آن زمان، در یک مجمع عمومی با "صد انقلاب" خواندن مخالفین، پرداخت بگروا از حقوق را اجبار می‌کند. در ضمن به پیروی از سیاست کلی دولت مبنی بر سواستفاده هر چه بیشتر از روحیه "میهن پرستانه" کارگران و افزایش شدت کار و استثمار، مدیران دولتی کارخانه‌ها نیز توندید را دور بر کرده و از ۱۵۰ عدد کامیون در روز به ۳۰ عدد میرسانند که روشن است چه فشار شدیدی به کارگران وارد نمود. به عبارت دیگر اگر گران روز افزون مواد مسورد نیاز کارگران را در نظر بگیریم، جنگ موجب شد که خیلی ساد و با یک چرخش قلم حقوق کارگر عملاً نصف شود. بپه‌ده نیست که سردمداران رژیم از "خیرات" و "برکات" جنگ دم می‌زنند! آیا خیر و برکتی "نیش از این برای سرمایه‌داران میتوان تصور کرد؟!

یکی دو ماه بعد از جنگ که توهمات کارگران نسبت به جنگ فرو میریزد، مسائل مورد بحث کارگران نیز از مسئله جنگ به مشکلات اقتصادی اجتماع عیان (گرانی سرمایه و آورو کمبود ما بحتاج اولیه زندگی از طرفی و ولخرجی‌های رژیم نظیر پرداخت ۲۰۰ میلیون تومان برای خرید اسلحه و پرداخت میلیونها تومان به روحا نشون (۰۰۰) تغییر می‌یابد. ما آنچه که در چگونگی پیشبرد منازات کارگران اهمیت بسیار دارد، می‌بازان آگاهی طبقاتی آنها و شناختی است که نسبت به جناحهای مختلف رژیم دارند. از اینرو وظیفه کارگران انقلابی و بخصوص کمونیستهاست که با افشای همه‌جانبه و گسترده رژیم و بخصوص جناح لیبرالها (بنی صدر) که توهمات بسیاری برای کارگران بوجود آورده‌اند، در ارتقا آگاهی کارگران بکوشند. همچنین نمایندگان ایمن جناحها در کارخانه یعنی "شورا" می‌فدکارگری انجمن اسلامی را افشا کرده و خواهان انحلال آنها شوند. کارگران انقلابی و کمونیست میبایست خواست تشکیل شورای واقعی کارگران را بدر و ن آنها برده و تبلیغ نمایند.

کارکنان جنگزده صنعت
نقش طی اجتماعات
خود خواهان آزادی
نمایندگان نشان شدند

اصفهان :
کارکنان جنگزده صنعت نقش در پی نشتیهای هفتگی خود روز ۱۳/۱۱/۵۹ میتینگ برگزار کردند. ابتدایکی از نمایندگان درباره اخراج ۴۰۲ نفر از کارگران زیر پوشش (رجوع کنید به بیگرا ۹۴) صحبت کرد و پیشنهاد جمع آوری کمک برای آنها نمود. سپس یکی دیگر از نمایندگان در اینباره گفت که چگونه طبق سندی که بدست آمده، کارگران مبارزان به‌شایسته پراکنی درباره اخراج کارگران زیر پوشش مهم کرده‌اند، در حالیکه امروز میبینیم که مسئله‌ای به‌سود و دولت اقدام بدینکار کرده است! بعد از سخنان این نماینده نوبت میرسد به ما در یکی از نمایندگان زندانی که برای دیدن فرزندش به تهران رفته بود. این مادر مبارز در سخنانش اظهار داشت: "بسرمن راهه میبشنا سندا و میتوانست در خانه بنشیند و سر هر ماه حقوق خود را بگیرد اما از آنجا که به کارگران اعتقاد داشت راه مبارزه را انتخاب کرد." سپس ضمن اشاره به سر دو اندنهای مقامات وزارت نفت در تهران گفت: "من به آنها گفتم که شما فکر می‌کنید کسی هستید؟! این سرمن و همکارانش بودند که شما را به اینجا رسانند حال چطور شده که شما "انقلابی" شدید و بچه‌های ما "صد انقلاب"؟! این مادر مبارز در جواب مقامات رژیم که گفته بودند "نماینده‌ها ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر کارگر نا آگاه را تحریک کرده بودند"، پاسخ دادند: "کسی داده و گفته بود: کارگران که گوسفند نیستند که کسی آنها را تحریک کند! گرسنگی آنها را بیه حرکت در آورده، از نظر شما هر که گرسنه است و حقش را طلب میکند نا آگاه است، پس شما که نا آگاه نیستید حتما شروت تمدید!"

بعد از ما در نماینده زندانی، یکی از نمایندگان سازشکار و رفعت طلب با عنوان کردن اینکه "این زن میخواهد ما را تحریک کند! اسمی کرد تا از قوت گرفتن روحیه انقلابی در میان کارگران جلوگیری نماید." و برای آزاد ساختن نمایندگان زندانی راههای سازشکارانه و بی نتیجه‌ای چون "مذاکره" و مراجعه به دفتر امام و رئیس جمهور را پیشنهاد کرد. این فرد که سعی داشت کارگران را وادار کند از سردمداران رژیمی که بعطت تضاد اشتی - نا پذیرش با کارگران و زحمتکشان، نمایندگان

بقیه در صفحه ۷

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

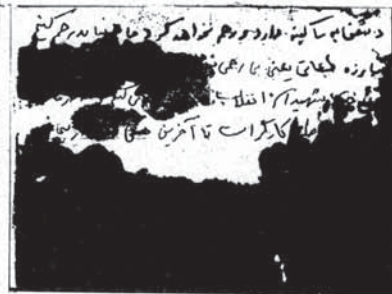
خلق ها و مسئله ملی



خون سرخ پیشمرگه، نشانه میثاق او با زحمتکشان

کمونیستها شیفته زندگی هستدولی نه با هر قیمتی. کمونیستها زندگی را دوست میدارند که بماند و در راه آن سرخ طبقه کارگر بیکار کننددولی در این مبارزه طبقاتی از مرگ نمی - هراسند. آنان تا آخرین قطره خون در راه رهاشی کارگران و زحمتکشان با پرچم سرخ انقلاب و سوسیالیسم در دست به پیش می روند و وفاداری خود را نسبت به عهد و میثاقی که با کارگران و زحمتکشان بسته اند با خون ایضا میکنند در ماه گذشته در یک درگیری با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی یکی از رفقای پیشمرگه - بیکارگر زخمی شد و در حالیکه گلوله ای به ران و گلوله دیگری به سرش اصابت کرده بود، در هوای سرد در میان برفهای کوهستانهای سرافراز کردستان به مقاومت دلیرانه خود ادامه داد زمانیکه فقط یک گلوله برای رفیق مانده بود، رفیق قهرمان ما شروع به نوشتن وصیت نامه خود نمود. در همین حال، در اثرو رسیدن پیشمرگان دیگر، از خطر مرگ حتمی نجات یافت.

در زیر قسمتی از وصیت نامه رفیق که در کاغذی آغشته به خون این رفیق بیکارگر نوشته شده است میاوریم:



"دشمن به ما کینه دارد و در رحم نخواهد کرد. ما هم نیا بدرحم کنیم. مبارزه طبقاتی یعنی بیرحمی به دشمن طبقه ای. من به خون شهیدان انقلاب سوگند میا میکنم که به آن زمان که آن طبقه کارگر است تا آخرین نفس وفادار بمانم. من افتخار میکنم که مرگم در راه آن زمان زحمتکشان است. ما در میدان مبارزه ایستاده ای جای خالی مرا برای همیشه بگیری سلام مرا به تمام دوستان و آشنا با من برسانید، کامیاران، فرزندان ما."

۵۹/۱۱/۱
چقدر با شکر است، مرگ را در برابر خود

مهاباد: ادامه مقاومت

تنها اداره آب و برق به دلیل اهمیت آن برای نیروهای دولتی مشغول بکارندولی پاسداران کارمندان و کارگران آنجا را نیز بشدت زیر فشار قرار داده اند و هر روز به آنها تیراندازی را مورد اذیت و آزار قرار میدهند. سرکوبگران موقع تعطیل ادارها و با زکشت کارمندان به خانه ها - نشان بسوی آنها تیراندازی کردند که خوشبختانه به کسی آسیبی نرسید.

امروز ۱۶/۱۱/۵۹ - مزدوران مستقر در "دا شامجد" اطراف - چهار راه مولوی را زیر توپ و خمپاره گرفتند که در نتیجه دست کم ۱۲ خانه ویران شده، سه نفر از مردم بیدفاع شهیدوارتن دیگر زخمی شدند. در این اثنای یک گلوله خمپاره به جیب ۶ سیلندر پاسداران که از آن محل عبور میکرد، اصابت کرده و سه تن از پاسداران به هلاکت رسیدند. این خمپاره را آن تا ساعت چهار بعد از ظهر ادامه یافت. رفت و آمد مردم در این روز قطع شد.

(خبرنامه ۱۲۲ کومه له)

شهر همچنان حالت جنگی دارد، بازار تعطیل است، اما هالی محلات فقیرنشین با امکانات نا - چیز خود مشغول ساختن پناهگاه برای درامان ماندن از خطر خمپاره باران و توپ باران - ارتش و پاسداران جنایتکار هستند.

ذخیره مواد غذایی مردم رو به اتمام است. تعدادی از مردم شهر را ترک کرده اند و به دهات و شهرهای اطراف پناه برده اند. هر چند گاهی یکبار صدای دلخراش گلوله های توپ و خمپاره و رگبار مسلسل های ارتش و پاسداران سکوت شهر را درهم میشکنند.

مردم با امکانات کم خود زخمیها را مسدود میکنند و با وجود این همه فشارها روحیه بسیار خوبی دارند.

پیشمرگان کومه له در تاریخ ۵۹/۱۱/۵ شهر را ترک کرده اند. دیروز (۵۹/۱۱/۱۵) پاسداران بطرف دینور عمارت بردارند و مسجد عباس آغا آتش میکشاند و در نتیجه یکی از آنها را زخمی و دستگیر میکنند. همه ادارات تعطیل هستند و

سازمان چریکهای فدائی (اکثریت): خیانت به خلق کرد خدمت به ضد خلق

روزیونیستهای خائن سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) نیز فعلا لانه وارد میدان شده و به اتمام تسلیم طلبی و ایجا دتنزلزل در بیمن پیشمرگان و توده های زحمتکش کرد مشغول بوده و با لجن پراکنی های مذبحانه بر علیه کمونیستها و نیروهای انقلابی کردستان جهت پراکنده ساختن صفوف متحد خلق کرد فعلا لانه تلاش می نماید. از جمله اخیرا مردم قهرمانان سندج شاد در پشت نویسیهای بدون امضا متعددی در میان دین و دیوهای شهری مضمون "ما م عفو داده خود را تسلیم کنید" بوده اند که بشهادت آنها چنین شمارهای توسط اکثریتی - های خائن نوشته شده است. حال در رابطه با خیانت سازمان چریکهای اکثریت و تبلیغ و

بقیه در صفحه ۶

به دنبال تلاش در ایجا دجنگ روانی بر علیه خلق کرد و اتمام روحیه تسلیم طلبی از طریق تبلیغات دروغین حول توبه و تسلیم - سلاح پیشمرگان و دادن امان نامه به آنها توسط رژیم اکنون درماندگی و استیصال رژیم در ایجا دتنزلزل در بین خلق قهرمان کرد، به - داده اند اولتیماتومهای مکرر تبدیل شده و رژیم جمهوری اسلامی روز و شب ضرب الاجلها را جدیدی برای پیشمرگان در جهت تسلیم شدن تعیین میکنند.

ما در بیکار شما راه ۹۴ در تعطیل ما هیت توبه و امان نامه و تسلیم شدن کاذب پیشمرگان و اهداف رژیم از بیکارگیری این حیلها سخن گفتیم اکنون افشای مجدد اهداف رژیم و تا کیدیر آنچه که در بیکار ۹۴ گفته شده از آن جهت ضروری می - نماید که در این جنگ روانی بر علیه خلق کرد

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



دیدن و بیاد آرمان رهائی بخش طبقه کارگر بخاطر نوسال لیسیم و کمونیسم، سوگند وفاداری یاد کردن. چقدر زیباست که با خون سرخ خود میساق وفاداری به آرمان زحمتکشان را امضا بکنی و تا آخرین قطره خون همواره طبقه‌ای ادا می‌دهی آری! اینست راه و رسم کمونیست بودن و کمونیست وارد در برابر مرگ ایستادن و به مرگ سرخ در راه زحمتکشان نابالیدن!

بقیه از صفحه سازمان ...

اذا عه تسلیم شدن در برابر رژیم دربین خلق کرد می توان گفت که آبا تبلیغات رژیم حول محور تسلیم شدن به اصطلاح پیشمرگان و توبه و تحویل اسلحه آنها و دریافت امان نامه و اقامت وجودی دارد؟ بدون شک از نظر کمونیستها و پیشمرگان انقلابی جنبش مقاومت پاسخ چنین سوالی منفی خواهد بود. اما با توجه به تکامل خیانت‌های دستجاتی از جمله ریزبونیستهای سازمان چریکهای اکثریت، چنین تبلیغاتی می تواند بربک زمینه مادی که سیاستهای ضد انقلابی سازمان چریکهای اکثریت درقبال جنبش طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده فرا هم میکنند قرار گیرد بررسی چگونگی مادیات بافتن تبلیغات رژیم توسط سازمان چریکهای فداشی اکثریت بدون برخورد به گذشته این سازمان در جنبش مقاومت خلق کرد میسر نیست.

سازمان چریکهای فداشی خلق از جمله نیروهای بی بود که آغا ز جنبش مقاومت خلق کرد بطور فعال در مبارزات برحق و عادلانه خلق کرد شرکت نمود از بعد از انتشار نشریه "کسار" شماره ۵۹، او اشعار در این سازمان، بخش اکثریت آن با درغلظیدن به منقلب ریزبونیسم و در یوزگی در مقابل ارتجاع حاکم خیانت عربان خویش نسبت به طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده ایران بویژه در ترکمن صحرا و کردستان به نمایش گذاشت و از همان ابتدای گرویدن به صف ضد انقلاب ضربه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد را در دستور کار خود قرار داد. بدیهی است که این سازمان در تداوم و تکامل ارتداد خیانت آمیز خود، نمی توانست در برخورد به روند روبه رشد جنبش مقاومت خلق کرد بی تفاوت بماند و از این نظر در خدمت به جناحیتکاران جمهوری اسلامی و سرکوبگران خلق کرد و در خیانت به خلق ستمدیده و زحمتکش کرد و اردمیدان شده و عملاً به مقابل با جنبش مقاومت خلق کرد اقدام می - نماید. بر اساس همین سیاست است که خائنین سازمان چریکهای فداشی (اکثریت) بلافاصله بعد از بیامان انقلابی خمینی در اول بهمن با انتشار تراکتی به مشاطه گری چهره کریم بورژوازی حاکم پرده خسته و از تک تک مخالفان

مذکور حمایت نام نمودند. پرواضح است که حمایت سازمان چریکهای فداشی اکثریت از بیام خمینی نمی توان در چهارچوب صرفاً نوعی تا شد باقی بماند چه منافع طبقاتی بورژوازی ارتجاعی حاکم از یکطرف و در یوزگی خائنین ریزبونیست از ارتجاع حاکم جهت کسب امتیاز از آن از طرف دیگر، مستلزم اثبات عملی این تا شد بویژه در امر "توبه"، "تسلیم سلاح" و "بازگشت به آغوش اسلام" از طرف اکثریتی های ورشکسته میباید. حال با توجه به تعاریف فوق آبا نمی - توان گفت که هیاهوی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در مورد تسلیم شدن پیشمرگان (در رابطه با جریانات ضد انقلابی نظیر اکثریتی های خائنین چندان هم دور از واقعیت نیست؟ آبا این "افراد مسلح غیر قانونی" که خود را به اصطلاح تسلیم رژیم جمهوری اسلامی کرده و "امان نامه" دریافت میکنند، جز پیشمرگان نیروهای نظیر اکثریتی های خائنین کسان دیگری می توانند باشند؟ خائنین ریزبونیست با استفاده از فرصتی که بیام خمینی برایشان فراهم آورده در پی ضربه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد بپرتابده با برکردن شهرهای کردستان از شعارهایسی نظیر "اما م عفو داده تسلیم شوید" در بین خلق کرد

اذا عه تسلیم طلبی کرده و به اجازت تزلزل در روحیه پیشمرگان جنبش مقاومت آغا ز نموده اند. نوکران بورژوازی اسلحه های بی راکه بیاس خون هزاران شهید در ایران و بیاس شهادت صد ها کارگر و دهقان و زحمتکش کرد زخمی شدن و آوارگی وسی خانمان شدن هزاران تن از آنها غص کرده اند، تحویل جلادان خلقهای ایران می دهند. آنچه که اکنون رژیم جمهوری اسلامی در مورد تسلیم شدن پیشمرگان و تحویل اسلحه و دریافت امان نامه ادعا میکنند در حقیقت معلول سیاستهای ضد انقلابی دستجاتی نظیر ریزبونیستهای سازمان چریکهای اکثریت است که با وادار کردن پیشمرگه های خود به تسلیم در برابر مذکور حمایت نام نمودند. پرواضح است که حمایت سازمان چریکهای فداشی اکثریت از بیام خمینی نمی توان در چهارچوب صرفاً نوعی تا شد باقی بماند چه منافع طبقاتی بورژوازی ارتجاعی حاکم از یکطرف و در یوزگی خائنین ریزبونیست از ارتجاع حاکم جهت کسب امتیاز از آن از طرف دیگر، مستلزم اثبات عملی این تا شد بویژه در امر "توبه"، "تسلیم سلاح" و "بازگشت به آغوش اسلام" از طرف اکثریتی های ورشکسته میباید. حال با توجه به تعاریف فوق آبا نمی - توان گفت که هیاهوی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در مورد تسلیم شدن پیشمرگان (در رابطه با جریانات ضد انقلابی نظیر اکثریتی های خائنین چندان هم دور از واقعیت نیست؟ آبا این "افراد مسلح غیر قانونی" که خود را به اصطلاح تسلیم رژیم جمهوری اسلامی کرده و "امان نامه" دریافت میکنند، جز پیشمرگان نیروهای نظیر اکثریتی های خائنین کسان دیگری می توانند باشند؟ خائنین ریزبونیست با استفاده از فرصتی که بیام خمینی برایشان فراهم آورده در پی ضربه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد بپرتابده با برکردن شهرهای کردستان از شعارهایسی نظیر "اما م عفو داده تسلیم شوید" در بین خلق کرد

اذا عه تسلیم طلبی کرده و به اجازت تزلزل در روحیه پیشمرگان جنبش مقاومت آغا ز نموده اند. نوکران بورژوازی اسلحه های بی راکه بیاس خون هزاران شهید در ایران و بیاس شهادت صد ها کارگر و دهقان و زحمتکش کرد زخمی شدن و آوارگی وسی خانمان شدن هزاران تن از آنها غص کرده اند، تحویل جلادان خلقهای ایران می دهند. آنچه که اکنون رژیم جمهوری اسلامی در مورد تسلیم شدن پیشمرگان و تحویل اسلحه و دریافت امان نامه ادعا میکنند در حقیقت معلول سیاستهای ضد انقلابی دستجاتی نظیر ریزبونیستهای سازمان چریکهای اکثریت است که با وادار کردن پیشمرگه های خود به تسلیم در برابر



ضربات شدید پیشمرگان کومهله
بر نیروهای دشمن در سنج

۵۹/۱۱/۱۱ - ساعت ۵ صبح یک ستون بیاباده، ارتشی و پاسدار روجاش روستای "که رجو" را محاصره نمودند و ساعت ۷/۵ صبح وارد آنجا شدند. همچنین در ساعت ۹ صبح ۲۰ خودرو از نیروهای دشمن بکمک ستون بیاباده وارد این روستا شدند. دشمن تا نزدیکی های ظهر در که رجو ماند و به ادیت و آزار روستا شبان پرداخت. سر -

بقیه در صفحه ۲۶



بقیه از صفحه ۴ کارکنان...

آنها را زندانی کرده است، آزادی آنها را گذاشتی کنند، عملاً به سرمایه داران ورزیم. حاشا! میثاق خدمت میکرد. کارکنان همگی که خواهان تلاش برای آزادی نمایندگان نشان بودند، برای رسیدن به این هدف و همچنین پیشبرد مبارزاتشان میبایست از این گونه راه‌حلهای سازشکارانه دوری جستند و تنها با اتکا به اتحاد خود و قدرت طبقه کارگر مبارزات خود را به شیوه‌ای انقلابی پیش ببرند. آنها باید به جلب حمایت شوراها و کارکنان شاغل پالایشگاه و سایر کارکنان بپردازند.

روز پنجشنبه ۵۹/۱۱/۱۶ بدعت شورای کارکنان جنگزده صنعت نفت جهت آزادی نمایندگان زندانی و پیگیری خواسته‌های کارکنان، در محل با شگانه‌نفت این شهر اجتماع با حضور بیش از ۷۰۰ نفر تشکیل شد. ابتدا یکی از نمایندگان شیراز که به همراه نمایندگان کارکنان سایر شهرها برای مذاکره بمنظور آزادی نمایندگان، به تهران رفته بود، صحبت کرده و به بی‌توجهی و سنگ اندازی مسئولین اشاره نمود. سپس یکی از اعضای انجمن اسلامی پالایشگاه شیراز برای عوامفریبی و به انحراف کشیدن مبارزات کارکنان صحبت کرد که با اعتراض شدید کارکنان مواجه شد. دارودسته انجمن اسلامی که وظیفه خدمت به رژیم سرمایه‌داری از طریق منحرف کردن مبارزات کارکنان و شناسایی کارکنان مبارز را بعهده دارد، طی اعلامیه‌ای نمایندگان دستگیرشده کارکنان را "امریکائی" معرفی کرده بود. اما از آنجا شکیه این عمل موجب برانگیخته شدن خشم و تنفر کارکنان و انجمن اسلامی را بیش از پیش در نزد آنها افشا کرده بود، لذا این مزدوران سرمایه‌داری به مجبوری عقب نشینی شده و موزورانه طی اعلامیه دیگری سعی کردند خود را مدافع خواسته‌های کارکنان و آزادی نمایندگان نشان دهند. اما اینبار نیز توسط یکی از کارکنان مبارز افشا شدند. او خطاب به نماینده انجمن اسلامی گفت: شما اگر راست میگوئید و از خواسته‌های ما پشتیبانی میکنید چرا با صراحت اعلامیه قبلی خود را رد نمیکنید؟! در اینجا یکی از کارکنان برای افشاشدن هرچه بیشتر انجمن اسلامی خواست که نماینده انجمن اسلامی اعلامیه‌ای را که در آن نمایندگان زندانی کارکنان جنگزده شورای سراسری صنعت نفت را "امریکائی" خوانده بودند، برای جمعیت قرائت کند. اما نماینده انجمن اسلامی که میدید در

نوطه سرمایه داران علیه کارگران، در گیلان

در روز ۵۹/۱۱/۱۸ مدیران دولتی کارخانجات گیلان، در استان داری جلسه تشکیل داده و به نوطه چینی بر علیه کارگران میپردازند. در این جلسه که ظاهراً تحت عنوان بررسی مسئله کمبود لوازم بدکی تشکیل شده بود، مدیران مزدور و سرکوبگر کارکنان اعلام میکنند که: "به هیچ وجه نباید سود ویژه، حق مسکن، وام مسکن و طبقه بندی دستمزدها اضافه شود و باید تنها همان مقدار را که دولت گفته بدیم." آنها همچنین بر لزوم سرکوب مبارزات کارکنان برای سود ویژه، تاکید مینمایند. این نمایندگان سرمایه داران در واقع میگویند: "ما باید امسال یا یکدیگر اتحاد داشته باشیم و هم‌اندیشی را برپا کنیم تا کارکنان نتوانند سود ویژه را از حلقوم ما ن

بیرون بکشند! آری! آنها چه خوب و حدشان را در مقابل مبارزات کارکنان به نمایش میگذارند! آنها که از مبارزات او جگر برنده کارکنان به وحشت افتاده اند میگویند: "باید از تشکیل شوراها و انقلابی در کارخانجات جلوگیری کنیم. آنها می گویند که: کمیته احیای اتحاد شوراهای انقلابی کارکنان گیلان "فدا انقلاب" است و باید آنرا از همپا نشاند و کارکنان را شدیداً سرکوب نمود. البته روشن است که منظورشان از "فدا انقلاب" کارگر-ان مبارزی هستند که در مفتخوریها و بهره‌کشی-های آنها اختلال میکنند سرمایه داران سیستم و قحط و بیکاری را به جایش می‌رسانند که



این صورت بیشتر افشا خواهد شد، از اینکار خود داری کرده و در حالیکه شدیداً مورد تعرض کارکنان قرار گرفته بود، فرار را برقرار ترجیح داد! بعد از این جریان همسر یکی از نمایندگان زندانی پشت میکروفون رفته و به افشای مسئولین صنعت نفت و مسئولین زندان پرداخت و گفت: "بما اجازه ملاقات با همسر فرزندانمان را ندادند و پاداران با ما بسیار بد رفتاری میکردند." آنها به مادر یکی از نمایندگان که گفته بود: "بگذارید بچه‌ها بیامان را ببینیم که آیا زنده اند یا آنها را کشته اند زیرا برای شناسایی آدمکشی مثل آب خوردن است"، شدیداً آه‌نست کرده و تهدیدش نمودند. آنها همچنین به سرمایه داران خواستهای ۹ ماده‌ای کارکنان را "بیرون آمده از زیر دست صدام" خواندند. زهی وقاحت! این همسر مبارز در ادامه سخنانش گفت: "در شرایطی که ما خواهان آزادی نمایندگان

بودیم آنها بیما پیشنهاد کرده و حق الکسوت کردند!" او در پایان سخنانش خواهان ادامه مبارزه بیگانه و متحدانه کارکنان شد و کارکنان چندبار شعار "نمایند زنده‌ای آزاد با بدگردد" را تکرار کردند. در پایان اجتماع، با وجود مخالفت چند نفر سازشکار و کارکنان خواهان ادامه مبارزه برای آزادی نمایندگان زندانی، بشیوه‌ای انقلابی شدند. اما اقدامات سازشکاران و بخصوص نوطه-های غذا رگری‌دارودسته‌های انجمن اسلامی، کارکنان را به ضرورت هرچه بیشتر افزایش هوشیاریشان و استحکام بخشیدن به اتحادشان، فرا میخواند. نمایندگان زندانی شورای سراسری کارکنان جنگزده صنعت نفت آزاد با بدگرددند! نوطه‌های رژیم بر علیه کارکنان جنگزده افشا با بدگرددند!

فان، مسکن، آزادی

نروود بر کارگران قهرمان اعتصابی شرکت واحد



کارگران مبارز!

اعتصاب و تحمّن برحق شما به منظور گرفتن دوماه عیدی که توسط دولت جمهوری اسلامی لغو گشته است، مورد حمایت تمامی کارگران و زحمتکشان است و تمامی مردم آگاه تهران نیز از اعتصاب برحق شما حمایت میکنند رژیم جمهوری اسلامی که میکوشد فشارهای ناشی از جنگ ارتجاعی ایران و عراق را بدوش زحمتکشان

تعمیل کند و گریبان خود را خلاص نماید، با دانش و عیدی شما را نیز قطع نموده است تا بحیران ناشی از ذرات سرما به داری خود را اندکی تخفیف دهد و هزینه جنگ را تا مین نماید. مملکت این اولین و آخرین اقدام دولت در تحمیل فشارهای ناشی از جنگ بردوش کارگران و زحمتکشان نخواهد بود. این اقدام در پی سایر اقدامات ضد کارگری و ضد مردمی دولت ما ننذا افزایش ساعت کارگران و قطع ناها رکا رخانه ها و تعطیل کارخانه ها و اخراج کارگران در مناطق جنگی، کاهش دستمزدها، افزایش مالیاتها، افزایش قیمت کالاها و ضروری ما نندمواد خوراکی، بنزین و... و بالاخره آخرین اقدام که هوش سودویژه کارگران صورت گرفته است.

کارگران مبارز اعتصابی!

شما میبایست نسبت به عوا مغربیمی و دروغ-گوئی دولت هوشیار بوده و آنها را خنثی کنید رژیم میکوشد که به بهانه شرایط جنگی، و به بهانه نمایش گذاشتن اجساد قربانیان خود، شما را از بدست آوردن حقتان منصرف نموده و مردم را به موضعگیری علیه شما بکشد. شما باید ضمن ادا ماهه مبارزه خود بکوشید که کارگران و کارمندان سایر قسمتهای شرکت واحد را نیز به همبستگی و اتحاد دبا خود دعوت نموده و مبارزه متحدانه خود را برای کسب دوماه عیدی سایر خواستگاری بر حقتان ادا مدهید. مستحکمبا داتحاد و همبستگی کارگران شرکت واحد!

پیروزی دما رزات برحق کارگران شرکت واحد و دیگر کارگران ایران!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۱۲/۵

طبق آخرین اطلاع، تحمّن و اعتصاب کارگران مبارز شرکت واحد عصر روز ۱۲/۵ به پایان میرسد رژیم که از این حرکت انقلابی کارگران به وحشت افتاده بود، به انواع روشهای اعمال فشار بر- علیه کارگران متوسل گردید. از جمله از یکسو تبلیغات فراوانی براه انداخته و با بیشرمی بسیار کارگران را "فدا انقلاب" و "عامل آمریکا" خواند. همچنین با هوچگرهای عوا مغربیهانه که شیوه متداول دارد و دست حزب جمهوری است، مسئله جنگ و محنه های ساختگی از عکس العمل خانواده های غربی تباران جنگ و... جنگ روانی گسترده ای را بر علیه کارگران برپا نمود. لذا از سوی دیگر با تهدید و ایجاد دفرقه در صفوف کارگران توانست موقتا جلوی مبارزات کارگران را بگیرد. ولی مبارزات کارگران ادا مدها شده و تانابودی کامل سرمایه داری ادا مدها خواهد یافت.

دولت با بهانه های عوا مغربیهانه ای همچون "مادر شرایط جنگی بمر میبریم" و "دولت بودجه ندارد" و... میکوشد تا اقدامات ضد کارگری خود را توجیه نموده و از مبارزات کارگران جلوگیری نماید! اما مبارزات کارگران و آوارگان جنگ و سایر زحمتکشان برای بدست آوردن خواسته های برحق خود، پشت محکمی است برده ان رژیم جمهوری اسلامی.

کارگران شرکت واحد همچون سایر کارگران میبایست: چرا با به هزینه این جنگ ارتجاعی را اینان پرداخت کنند، چطور دولت بودجه دارد ۲۰۰ میلیون تومان توسط آقای رفسنجانی از خارج کنند و اسلحه بخرد، به روحانیون شیعه و سنی برای تبلیغات عوا مغربیهانه بیش از ۱۰۰ میلیون تومان بودجه اختصاص بدهد و بنیاد شهید برای میهمانی در هتل هیلتون ۷۰۰ هزار تومان خرج نماید، و میلیونها تومان صرف خرید سلاح و غیره نماید، ما برای پرداخت دوماه

"لغو سود ویژه بشیوه جمهوری اسلامی، غارت کارگران بمتنفع سرمایه داران" "تنگ و نفرت بردشمنان طبقه کارگر" کمیته احیاء اتحاد شوراهای انقلابی کارگران کیلان



میکویند: سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر آمریکا شی است و با بدکارگران هواداران سازمان را شناسائی و اخراج نمود. این آقایان که شکمپا نشان از فرط مکیدن خون کارگران بالا آمده و عمری را در نوکری امپریالیسم و همدستی با آن در بهره کشی کارگران، سپری کرده اند، چه خوب دشمنان طبقه اتی خود را میشناسند. دشمنی آنها با کمونیستهای راستین (نظیر سازمان ما) که شما بیندگان واقعی طبقه کارگرند، نشان دهنده دشمنی عمیق و کینه طبقه اتی نشان نسبت به طبقه کارگران است!

کارگران مبارز و آگاه! افشای همه جانبه توطئه های رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و عوا ملش، آماده کردن کارگران برای تشکیل شوراهای انقلابی کارگران، سازماندهی کارگران برای گرفتن سود ویژه و سایر حقوقشان، شناساندن سازمانهای انقلابی و کمونیست از جمله سازمان ما به کارگران و افشای خائنین شده ای، اکثریتی و... وظیفه تنگ شماست! در اینجا مواظب انقلابی و طبقه اتی مان از هجج کوشش و فداکاری نبایند دریغ کنیم!

تنگ و نفرت بر توطئه گران ضد کارگر! هرچه رسوا تر باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی پیش بسوی تشکیل شوراهای انقلابی کارگری برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق! (به نقل از اعلامیه کمیته کیلان سازمان)

لغو سود ویژه هجوم سرمایه داران به دستمزد کارگران!

۵۹/۱۱/۱۸ - طبق آمار واقع موجود ۸۰۰ هزار کارگر ایرانی هر ساله بطور متوسط ۳ ماه و نیم حقوق به عنوان سود ویژه و یک ماه به عنوان عیدی و پاداش یعنی جمعا ۴ ماه و نیم دریافت میکنند اما طبق دستور شورای انقلاب هر کارگر باید سال ۲ ماه پاداش بگیرد و این حساب می بینیم که از ۴ ماه و نیم سود ویژه و عیدی کارگران ۲ ماه و نیم آن کسر میشود بنا بر این دوماه و نیم حقوق یک کارگر (که بطور متوسط ۲۰۰۰ تومان است) ۷۵۰۰ تومان شود و این مبلغی است که از سود ویژه آخر سال هر کارگر توسط دولت کسر خواهد شد که جمع آن برای ۸۰۰ هزار کارگر ۶ میلیارد تومان میشود.

رژیم جمهوری اسلامی بدین ترتیب ۶ میلیارد تومان از دستمزد کارگران را غارت کرده و به جیب سرمایه داران میریزد.

اخبار مبارزات توده‌ها



تظاهرات کمونیست‌ها در بروجرد

در سومین هفته‌ی هم‌رفقای هوادار در بروجرد با برگزاری تظاهرات موضعی و پخش اعلامیه و نشریه به آگاهگری و افشاگری در میان توده‌های زحمتکش پرداخته شد. همچنین در سالگرد قیام بهمن یک تظاهرات موضعی مشترک با رفقای هوادار "رزمندگان" برپا ساختند. در زیرگزارش مختصر این فعالیت‌ها را می‌آوریم:

۱۵ بهمن - رفقای هوادار اقدام به برگزاری تظاهرات افشاگرانه علیه رژیم نمودند که بخاطر همزمانی آن با حمله فالانژها به هواداران مجاهدین، دانش‌آموزان و دیگر رفقای هوادار به حمایت از مجاهدین در برابر ارتجاع پرداختند و تظاهرات طبق برنامه‌ها در نیافت. رفقا با طرح شعارهای سازمان و شرکت در بحث‌های توده‌ای توانستند بذرات آگاهی در میان توده‌ها بپاشند. این فعالیت افشاگرانه علاوه بر حملات ارتجاع، با ویران آنها رویزبو - نیست‌های اکثریت و توده‌ای نیز به سمپاشی بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست مشغول بودند که با عکس‌العمل‌های قاطعانه مردم رویزبو منبذند.

۱۸ بهمن - تظاهرات در خیابان شهید آغا زنده و رفقای شعارهای "اتحاد اتحاد زحمتکشان اتحاد"، "از حیطی و گران، این جنگ ارتجاعی مردم به تنگ آمدند" و... توانستند پشتیبانی توده‌ها را جلب کرده و تظاهرات شرکت پیش از هزار نفر را در پی داشته باشند. تظاهرات در پی بردن روحیه مبارزاتی مردم نقش مثبتی داشت. نزدیک به بیایان راهپیمایی ارتجاع به عده‌ای از شرکت‌کنندگان حمله برد ولی اشک‌های یک فالانژ را با دکنک گرفتند. یک کارگزار نوا ضمن پشتیبانی از این تظاهرات می‌گفت: "اگر این پیکار یک گروهک بقول دولت است چرا اینقدر از وحشت دارند؟"

۲۱ بهمن - نزدیک ظهر تظاهرات از خیابان سدی شروع شد و فریادهای انقلابی رفقا

ارتجاعی جنگیدن، مردم‌زارا گل‌سپدر و... ادا به پیدا کرد. و در طول مسیر، اعلامیه‌ها و تراکت‌های سازمان بخش می‌شد که با استقبال مردم مواجه گشت. مزدوران حزب الهی با قهقهه و جوق و جوب و جماعت به تظاهرات کنندگان حمله کرده و چند نفر را دستگیر می‌سازند. رویزبو - نیست‌های خاشاک "اکثریت" و توده‌ای به ساری با سداران و حزب الهی‌ها شناخته و یکبار دیگر چهره کشف خود را به شما نشان دادند.

به نقل از اعلامیه کمیته سربازان اندکی

مقاومت سربازان در مقابل سرکوب خلق کرد

پادگان می‌آورند که در اثر امتناع آنها از رفتن، دوباره خالی می‌گردند. مقاومت سربازان تا روز ۱۱/۲۲/۵۹ ادامه می‌یابد. در این روز فرماندهان مزدور که می‌بینند بی‌تهدید و نصیحت و موعظه‌های روحانیون مرتجع نمی‌توانند کاری از پیش ببرند، با سورش و خشا نه‌ای ۵ تن از سربازان معتضبی را دستگیر کرده و به نقطه نامعلومی می‌برند و بقیه را با زور سوار ماشین کرده و روانه کردستان می‌سازند. بدین ترتیب مقاومت سربازان پس از ۵ روز درهم شکسته می‌شود. این حرکت سربازان اگر چه بی‌انگیزه است اما آنها در خود آرزوی شرکت در کشتار خلق کرده‌اند و اینکه آنها تا حدودی به حقانیت حشمت مقاومت خلق کرد پی برده‌اند. ولی مبارزات سربازان انقلابی زمانی مؤثر و موفق خواهد بود که با آگاهی از ماهیت ارتجاعی رژیم و در پیوند و همبستگی با مبارزات زحمتکشان و سایر رزمی انقلابی و تحت‌هدایت یک شکل مخفی و انقلابی در میان سربازان و کادرهای انقلابی ارتش ادا می‌یابد.

در روز ۱۷/۱۱/۵۹ هنگامیکه سربازان پادگان می‌آوردند پادگان می‌روند، با دست‌ساز و فرمانده خود می‌پییرگیل آنها به شنج رویزبو می‌شوند. هنگامی که سربازان (یک گروهان) به این دستور اعتراض کرده و از رفتن به کردستان خودداری نمودند و می‌گویند "ما چهار ماه در جبهه بودیم و دیگر از جک خسته شده‌ایم". فرمانده پادگان که از عکس‌العمل سربازان عصبانی شده بود شروع به فحاشی کرده و وعده‌ای را بزرگ‌ترتک می‌گیرد. همین امر به مقاومت سربازان می‌افزاید. فرمانده مزدور برای تحمیل سربازان به حجت الاسلام رحمتی و مرندی متوسل می‌شود ولی از موعظه‌های آنها در فواید "دفاع از میهن" کاری بر نمی‌آید. سرانجام آیت‌الله موسوی تبریزی به پادگان آمده و برای سربازان سخنرانی می‌کند. در حین صحبت وی یک نفر از سربازان با خشم فریاد می‌زند "ما نه به توره به رئیس جمهور تو توره به! ما متوا عشتا دندا رسم" و سپس سینه‌ها را سپر کرده و می‌گویند "سرا یکشند دیگر خاثر به جنگ نیستیم". در همین زمان ما شینهای را برای بردن این سربازان به جبهه

بزرگداشت سالگرد ۲۲ بهمن در تبریز و وحشت ارتجاع

معتض اورا افشا کرده و در جهت سازماندهی مبارزات ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی کارگران و زحمتکشان کوشا بوده و خواهد بود. ... راهپیمایی علیه رژیم سرخی ناراستیها و اشکالات در زمینه سازماندهی با شعار "رسیده و جاوید ما دیاد شهیدان خلق" آغا زنده و همزمان با آن بالا رفتن برج‌سرخ با نام پیکار روستاره درشت در پی لای آن، یکنوا در بگرنشان داد که علیه رژیم کوشش ارتجاع در بطن حلقان، کمونیست - ها هموار بهما دخون سرخ کارگران، زحمتکشان، کمونیست‌ها و تمام انقلابیون که در طول تاریخ با شاره خون پاک خودشان انقلاب را آبیاری کرده‌اند، در دریدن این سیاه‌ی و خفقان لحظه - ای عقلت نمی‌کند. راهپیمایی با شعار "سپا لیتدان، آژانسیدان، ملت خا با گل‌سپدر -

در پی اعلام مراسم راهپیمایی برای کرامی - داشت سالگرد قیام ۲۲ بهمن از طرف سازمان ما در تبریز، همانطور که انتظارش صرفاً ارتجاع حاکم با دست پاچگی هر چه نما متر، سروهای خود را بسنج کرد تا از بردن آگاهی به میان توده‌های زحمتکش و رساندن پیام انقلاب به آنان جلوگیری نماید. رژیم عجلانه راهپیمایی "سیجی‌ها" را به راه انداخت و آنها را در محاورت مکان اعلام شده برای شروع راهپیمایی مستقر کرد و در ضمن شعارها و سخنرانی‌های خود سعی کرد احساسات توده‌ها را بر علیه سازمان ما برانگیزد. رژیم حاکم بخوبی میدانده که اگر رویزبو - نیست‌ها و خاشاک همچون فدائیان "اکثریت" به کار به نسیی ارتجاع مشغول هستند، سازمان ما هواره به اشکاء نیروی لائزال توده‌ها چهره

به استقبال جنبش اوجگیرنده توده‌ها بش تانیم

با این سنگر آزادی، گشوده با بدگردد"، "کردستان پیرو زاست، ارتجاع نابود است"، "مرگ سر بختیار، نوگرایی اختیار"، "مرگ سر آمریکا" و... جلسه رزخوانی رژیم جمهوری اسلامی را به بلندگوی پر شوری جهت افشای ماهیت رژیم و اهداف پلید آن تبدیل نمودند. هواداران حزب خائن توده نیز چون همیشه در کنار ارتجاع قرار داشتند. این خائنین در میان شعار "توده‌های خائن رسوا با بدگردد" و افشای دانه‌خوبان انقلابی مجبوره‌ها قرار شدند.

دانشجویان انقلابی مقیم خارج با تسلاوم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی، حضور فعال در صحنه مبارزات دانشجویی و با افشای رژیم جمهوری اسلامی، بساط "با هنر" و همپا لگی‌ها بشیر را برهم زدند و نشان دادند که جوانان انقلابی ایرانی هر کجا که باشند آنجا را به میدان مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و رژیم ارتجاعی حاکم بر زمین مابدل خواهند ساخت.

با هنر پس از با زنگشت به ایران در یک محاسبه تلویزیونی با کینه‌توزی از آن حادثه با دگر دو با بلاهتی طبقاتی کوشید مبارزات توده‌ها و نیروهای انقلابی و کمونیستی علیه رژیم را "نا چیز" و نمودگند و ترس خود را از رزخجنبتش با "بی اعتنائی" ظاهری پوینا ندولی جنبش انقلابی توده‌ها مجال عوام فریبی را برای مدتی دراز به آنان نخواهد داد.

کمونیستهای هوادار سازمان در خارج، سالگرد قیام بهمن را گرامی داشتند

بمناسبت دومین سالگرد قیام شکوهمند بهمن ۱۳۵۷، تعدادی از دانشجویان ایرانی (هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) برنا مه‌های ویژه‌ای در کشورهای مختلف ترتیب دادند. در این برنا مه‌ها رفا با سخنرانی در مورد اوضاع سیاسی اجتماعی ایران قبل و بعد از قیام و اجرای برنا مه‌های هنری انقلابی نظیر تئاتر، سرودهای انقلابی، موسیقی محلی ایرانی و خارجی و نیز نمایش اسلاید از مبارزات خلقهای ایران و جنبش انقلابی خلق کردیم - تجلیل از قیام مبارک توده‌ها در ۲۲ بهمن ۵۷ پرداختند. در شهرهای مختلف آلمان غربی از جمله کلن و برلین غربی این مراسم با کثرت فراوان برگزار شد. در شهر برلین غربی در مراسمی که با شرکت ۳۰۰ نفر روز یکشنبه ۲۵ بهمن برگزار شد پس از سخنرانی به زبان آلمانی و فارسی در مورد اوضاع ایران و اجرای چند سرود توسط رفا، ایرانی، ترک و آلمانی از دلایر بهای خلقهای انقلابی ایران تجلیل بعمل آمد. در این مراسم بهای همبستگی عقبه در صفحه ۲۶

با هشاری و برخورد آگاهانه دانشجویان انقلابی در هم شکسته میشود.

در آستانه سالگرد قیام بهمن، جناح ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی هیئت‌هایی برای انجام مقاصد ضد خلقی رژیم به کشورهای گوناگون امپریالیستی، سوسیالیستی و سرمایه‌داری اعزام داشت. در رأس یکی از این هیئت‌ها دکتر "با هنر" وزیر مرتجع آموزش و پرورش قرار داشت که به آلمان و تریش سفر کرده است. در هر شهری که با هنر قدم میگذارد با فریاد اعتراض دانشجویان انقلابی مواجه میگردد. در اغلب شهرها رفا، هواداران سازمان همپا لگی‌ها و آلمان نیروهای کمونیست، انقلابی و مترقی در کمیته‌های هماهنگی برای "استقبال" شایسته!! با هنر متنگل شده بودند. با هنر و ترکا سعی برای داشتند که در جلسات بینانی و دور از چشم دانشجویان انقلابی به عوام فریبی بپردازند و کوشش میکردند که از ورود دانشجویان انقلابی به محل برگزاری جلسات خودداری نمایند ولی در بیشتر شهرها این جلسات تبدیل به وسیله‌ای برای افشای ماهیت و جنایات رژیم جمهوری اسلامی شد.

در سورگ، اعتراض دانشجویان انقلابی با حمله فالانژها مواجه شده و در اثر زرد و خورده بین آنان و توده‌های مبارز دانشجویی، جلسه تعطیل گردید. در فرانکفورت جیره‌خواران جمهوری اسلامی در پشت درهای بسته گرد آمدند و وقتی که دانشجویان انقلابی به افشای رژیم و طرح سوالات بیزاد ختنند مورد حمله و با نشان قرار گرفته و رفاقی از ناحیه صورت زخمی شد.

در شهر برلین غربی، "با هنر" از ترس توده‌های انقلابی اطلاع آفتابی شد. دانشجویان انقلابی مرکب از اتحادیه دانشجویان ایرانی در برلین غربی (هواداران سازمان) و رفاقی هوادار نیروهای دیگر برنا مه قبلی به محل تشکیل جلسه هیئت مزبور رفتند. رفا در آغاز جلسه پیشنهادی دیکتاتورانه از آنکه از طرف کرداندگان رد شد. آنها با بهانه‌های مختلف عدم حضور با هنر را توجیه میکردند. آنان قصد داشتند که به تبلیغ در مورد "جها داس زندگسی" بپردازند ولی با شعار "جها داس زندگی عا میل ارتجاع است" رو بر آورده و توفیق نیافتند! و همینطور در مورد نمایش فیلم با شکست مواجه شده و رفا بر روی بحث در مورد اوضاع ایران با فشاری متکدرند. عوامل رژیم ناچار به حربه دیگری دست زده و وعده‌ای او باش عرب را به سالن آوردند. اما رفاقی انقلابی با هشاری آنها را که به جاق و جومانی مسلح بودند خلق کرده و با شعار "جوب و جما و جقا و دیکرا شتر ندارد" آنها را روی دست بلند کرده و به حاضرین نشان دادند و در نتیجه مزدوران رژیم که نقشه‌ها نشان نقش بر آب شده بود رسوا تر از ایشمالین را ترک کرده و دست بدمان پلیس فاشیست شد و ولی این توطئه نیز با شکست مواجه شد. رفا بکبارچه و متحدینا شعرا را که "دانشگاه

زحمتکشان منطقه به آنها بیوستند. رفا در مسیر نظارات با پیش اعلامیه و فروش "پیکار" به آگاهگری میبردند که با استقبال فراوان زحمتکشان رو بر می‌شد بطوریکه توده‌های کنار خیابان شعارها را تکرار میکردند و در زحمتکشی به همکارانش میگفت: "پیکاری‌ها در میدان قیام را همیشه داشتند کشف کردم. شعارهای خوبی میدادند از قبیل قحطی، گرانسی و... زحمتکشان ایران بر می‌کشند فریاد... علیه لیبرالها، علیه حزب جمهوری... دنبا نشان بودم اگر فالانژها حمله کنند جلوشان را بگیرم ولی نیامدند. من هر وقت این سازمان را همیشه داشتند شرکت منکم"

تظاهرات بزرگداشت ۲۲ بهمن

این نظارات با شرکت رفاقی هوادار زمینگان انجام شد. از آنجا شبکه ارتجاع از محل برگزاری آن مطلع شده بود، این نظارات موضعی از محل دیگری شروع شد و در نتیجه جماعت بدستان حزب جمهوری که از راهیما بی سر - میگشتند در سرکوب کمونیست‌ها "نا کام" ماندند. این نظارات‌های افشاکرانه و پر شور در شرایطی انجام شد که "فرمانداری بوجود" با تهدید و ارباطی اطلاعیه‌ای انجام هرگونه راهیما بی را "ممنوع" اعلام کرد و شرکت کنندگان را از "مقررات زمان جنگ" ترسانده بود! سپاه پاسداران سرمایه‌نیز با آوردن نیروهای کمکی از خرم‌آباد و همدان خود را برای سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست آماده ترک کرده بود فعلا لیستهای انقلابی کمونیست‌ها در این چند روز با بردن پیام انقلاب و سوسیالیسم به میان توده‌ها رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش افشا کرد.

دانشجویان انقلابی مقیم خارج بساط "با هنر" را بهم زدند

رژیم جمهوری اسلامی با اعزام هیئت‌هایی بخارج از کشور تلاش مینماید که علاوه بر گسترش روابط با کشورهای امپریالیستی و سرمایه‌داری و دادن "اطمینان"‌های لازم برای تضمین منافع آنان، با تبلیغ سیاستهای ارتجاعی و عوام فریبی در بین دانشجویان ایران مقیم خارج نژای خود هوادارانی دست و پا کنند و از آنجایی که محیط خارج از کشور رژیم اجازه سرکوب و ترور علی دانشجویان انقلابی نمیدهد و از اینرو با خرج مبالغ هنگفتی از طریق اعزام هیئت‌های "اسلامی" و... اقدام به توطئه علیه جنبش انقلابی و دانشجویان مینماید. توطئه‌هایی که

ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی و نگرش انحرافی فدائیان (اقلیت)

امروزه درحالیکه شرایط عینی و ذهنی جنبش خلق طرح آلترناتیو نیویرومنند کمونیستی را از ما می طلبد، گراشات اکونو - میستی، انحلال طلبانه، بیوپولیستی و ایضا سکتاریستی موجود در بخشهای از جنبش کمونیستی، مانع از ارائه یک برنامه کمونیستی و کوشش برای طرح آلترناتیو کمونیستی می - گردد. رفقای فدائی (اقلیت) زاننده رفقای هستند که در برخورد به مراسم ۲۴ دی ۲۲ بهمن با برخوردهای اکونومیستی، انحلال طلبانه و بعضاً سکتاریستی خود، مضمون نگرش بیوپولیستی و فقدان نبینش پرولتری در درک از ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی را به نمایش گذاشته اند، از اینرو ما می گوئیم تا با نقدها و انحرافات رفقا در برخورد به مسئله آلترناتیو کمونیستی، باز هم بیش از پیش بر ضرورت آن پای فشرده و از ما بر کمونیستها دعوت می کنیم - در راه تحقیق این امر مهم بکوشند.

۱- ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی در شرایط کنونی ناشی از چیست؟

گسترش جنبش انقلابی خلق که با روند فرو - پاشی توهم توده ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی همراه است، از یک رهبری آگاه و پیگیر برخوردار نیست، و اگر از وجود چنین رهبری محروم بماند، بیم آن میرود که همچون گذشته، لیبرالهای خیانت پیشه و سازشکاران برای مواج آن سوار شده بکوشند با مهار زدن بر آن، جنبش توده های را به منظور برآوردن اهداف ضد انقلابی خود به انحراف بکشانند. تجربه مبارزات توده ها در سالهای ۵۶ و ۵۷ به عینه برای هر کمونیستی نشان داد که چگونه در صورت فقدان یک قطب نیرومند انقلابی و کمونیستی، توده ها اگر چه فداکارانه ترین و جان نثارانه ترین مبارزات را هم انجام دهند، اما راه به جایی نخواهند برد و "نا رهبران" سازشکار و ضد انقلابی بر آن سوار خواهند گشت. در شرایط کنونی نیز ما با وضعیت کامیابش مشابه گذشته روبرو هستیم، این امر ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی را به پیگیر پرولتاریا می رساند چندان می کند، چه تنها راه سمت و سوق دادن جنبش خلق به سوی دمکراتیسم پرولتاریا، ایجاد قطب نیرومند کمونیستی است. این امر نه تنها در مورد توده های عادی مردم که به دنبال "قطب" میگردند، صادق است بلکه در رابطه با دمکرات - های نا پیگیری نظیر ما همدین نیز این مسئله مطرح است. امروزه با ردیگری این حکم انکار -

نا پذیر ما کمیستی - لیننیستی که خورده - بورژوازی هیواره بین دو قطب پرولتاریا و بورژوازی درنوسان است و در صورت فقدان اعمال هژمونی پرولتاریا، بسوی بورژوازی خواهد رفت. برادران ما همدین مشاهده میکنند امروزه می بینیم درحالیکه ما همدین از حمایت علنی از کمونیستها، جنبش خلق کرد... خود - داری می نمایند، بی ما با از احزاب لیبرالی و برنایه های آنان پشتیبانی می نمایند، با قاطعیت ما حبه نموده، در مراسم لیبرالهای نظیر بنی مدرن مینمایند، و با لاشر - مماشات حوشی و گرایش بسوی لیبرالها را شدیداً تعمیق نموده اند، چه کسی می تواند منکر شود که تا زمانیکه کمونیستها بیک آلترناتیو نیویرومنند بدل نگردند، نخواهند توانست ما همدین را به سوی خود بکشند؟ تنها ایجاد قطب نیویرومنند دمکراتیسم پرولتری است که میتواند ندان پیگیری این دمکرات - خورده بورژواها را افشا و خنثی نموده و از گردیدن آنها بسوی لیبرالها جلو - گیری نماید.

از اینرو ضرورت برجسته نمودن آلترناتیو کمونیستی، چه در رابطه با رهانیدن توده ها از توهمات لیبرالی و دنیا لهری آنان از لیبرالها و چه در رابطه با جذب دمکراتهای نا پیگیر بسوی پرولتاریا دو چندان مطرح میگردد. لیکن انحرافات بیوپولیستی موجود در جنبش کمونیستی تا کنون مانع از آن گشته است که کمونیستها برنامه هدفمندی را برای ارائه آلترناتیو کمونیستی بکار ببرند. و این بیوپولیسم به بهانه مقابله با سکتاریسم و ضرورت تکیه بر آلترناتیو دمکراتیک - انقلابی بطور عم میگوید، جنبش کمونیستی را در جنبش انقلابی حل نموده و بدین ترتیب در عمل صف مستقل پرولتاریا را مورد نفی قرار دهد. این نگرش نمی تواند و نمی - خواهد هدیفهمد، که تنها رهبری جنبش انقلابی خلق توسط کمونیستهاست که جنبش را به پیروزی می - رساند و کمونیستها اگر بجای طرح آلترناتیو کمونیستی، به منظور قرار دادن آن در پیشا پیش جنبش انقلابی، با مسکوت گذاشتن آن به دنیا لهری - روی از جنبش انقلابی، تحت پوشش مبارزه "همه با هم" تیروهای انقلابی بپردازند، جز شکست محتوم و قطعی نتیجه ای برای جنبش به ارمغان نخواهند آورد.

۲- آلترناتیو کمونیستی در این شرایط چگونه طرح میگردد.

امروزه که ما در شرایط انقلابی بسر میبریم ضرورت گسترش بیش از پیش فعالیت های تبلیغی، گسترش مبارزات علنی، برپایشی اکسپونهای مستقل، شرکت فعال در مبارزات سیاسی اقتصادی توده ها و بلاخره پرولتاریا کسترش مبارزه ایدئولوژیک با دیگر نیروهای جنبش کمونیستی به منظور دستیابی به وحدت و ایجاد حزب و در عین حال تا مین اتحاد عملیاتی تا کتیکی بین کمونیستها، مبارزه ایدئولوژیک با احزاب خورده بورژوازی به منظور جذب آنان بسوی دمکراتیسم پرولتری، تا مین اتحاد عملی مقطعی با نیروهای دمکرات و در یک کلام تا کید برادماند انقلاب و استقرار حاکمیت پرولتاریا و زحمتگشان استفاده از تمامی اشکال و تاکتیک های گوناگون مبارزاتی که در خدمت طرح آلترناتیو پیگیر کمونیستی است، از ملزومات حیاتی تا مین قطب نیویرومنند کمونیستی به شمار میرود. در این میان، حضور مستقل کمونیستها در عرصه سیاسی چا معاً از اهمیت ویژه ای برخوردار است. کمونیستها با بدنا آنجا که میتوانند با استفاده از امکانات علنی، به توده ها برای العین نشان دهند که این ما هستیم که دموکراتیسم پیگیر را کتا مین کنند و اقمی منافع آنان است، مطرح کرده و به اجرا درمی آوریم. کمونیست - ها با بد نشان دهند که به ما بندنگان سیاسی پرولتاریا قادرند پیشا پیش مبارزات دمکراتیک قرار داشته و توده ها را بگرد دمکراتیسم پرولتری جذب نمایند. مبارزات وسیع دمکراتیک (و ایضا سوسیالیستی) که کمونیستها در حامه انجام داده اند، نقش وسیعی در گسترش نفوذ آنان داشته است. مبارزاتی همچون برپایشی اول ماه مه در سال ۵۸، هدایت مبارزات کارگران سیکار، شرکت فعال در مبارزات کارگری کارخانه ها (که همگی دارای خلعتی سوسیالیستی بوده) و هدایت ورهبری مبارزات دمکراتیکی، همچون مبارزات خلقهای کرد، ترکمن، بلوچ و... مبارزه برای حفظ دستاوردهای قیام هدایت مبارزه دانشجویان در مقابل به توطئه تعطیلی دانشگاه و مدها حرکت گوناگون دیگر و بلاخره مبارزه برای بازگشایی دانشگاه که در ۲۳ دی صورت گرفت، همه و همه آن مبارزاتی بودند که به توده ها نشان داد کمونیستها (سوسیال دمکراتها) در عین حال که سوسیالیست بوده و در جهت تحقق صف مستقل پرولتاریا میکوشند، در مبارزه دموکراتیک دمی غافل نبوده و همواره در مبارزه دمکراتیک آنها نقش فعالی داشته اند.

همچنان که مبارزه برای بازگشایی دانشگاه نشان داد، توده ها برای العین درمی - یابفتند، که نه لیبرالهای عوام فریب خاش و نه دمکرات های نا پیگیری نظیر ما همدین، هیچیک

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته ترسازیم

جرات قدری را فراموشی و انجا حرکتی تعرضی سر علیه رژیم به منظور اعتراض به بسته بودن دانشگاه‌ها و اردوهای کمونیست‌ها هستند که بیکیارانه بدون کوچکترین نولزل و مماشات - حوشی بدین کار دست زدند. بهمین دلیل بود که تظاهرات ۲۳ روزی، نقش بس مشوری در طرح و کنشش آلترنا تیک کمونیستی در بین توده‌ها داشت.

۳- درک رفقای فدائی آلترنا تیک کمونیستی و فعالیت دمکراتیک

اکنون با توضیح مختصری که در باره ضرورت طرح آلترنا تیک کمونیستی و چگونگی تحقق آن دادیم، ببینیم رفقای فدائی در برخوردی به مسئله آلترنا تیک کمونیستی و فعالیت‌های دمکراتیک چگونه می‌نگرند. آنها در رابطه با راهیما طی ۲۳ دی مینویسند: "مهمترین مسئله‌ای که در سرا سر حرکت به چشم می‌خورد، عدم وجود درکی صحیح در مورد فعالیت و حرکت دمکراتیک می‌باشد. فعالیت دمکراتیک یعنی بسیج و سازماندهی توده‌های هر چه وسیعتر از خلق (و نه تنها طبقه کارگر و نما یندگان سیاسی آنها) حول یک شعار واحد با خواست مشترک مثلاً هرگاه ما خواستار زکشا تی دانشگاه‌ها با محتوای انقلابی هستیم مسلماً آن گروه از استادان و دانشجویان و کارکنان دانشگاه نیز که منافع خود را با این خواست منطبق می‌بینند برگردان شعار جمع میشوند. برای آنکه کسی خواستار زکشا تی دانشگاه با محتوای انقلابی باشد حتماً لازم نیست کمونیست و یا هوادار یک گروه سیاسی خاصی باشد، در نتیجه روشن است که هرگاه فعالیت دمکراتیک را به گروه‌های سیاسی محدود نمی‌شماریم عملاً بسیاری از توده‌ها را از دست می‌دهیم و به سکا ریم کشیده خواهیم شد. با این شکل از برخورد تنها می‌توانیم از بسیاری به حالت انفعال درمی‌آیند. در اینجا است که بسیار است چپ‌روانه (محدود کردن فعالیت دمکراتیک به گروه‌های کمونیستی توسط طرح اسما شعارهای کمونیستی) نیلور خود را در راستروی می‌باید." و بالاخره بعد از توضیح اینکه گویا "چپ‌روا" در عمل با وحشت از ابعاد وسیع حرکت به لفظ آن رای دادند! (صدافت کمونیستی گذارفته است، رفقا! مگر کل کمیته برگزاری تصمیم به تغییر محل تظاهرات گرفت که راه کارگرد عمل تن را در مقابل این حرکت چنین ارائه میدهند: "شکل صحیح عمل این بود که برنا مه ریزی، بسیج و سازماندهی کلیه نیروها را کمیته منتخب و سا موردنا شناسا زمانهای سیاسی مختلف به عهد و میگردت و با اعلام مضمون کاروا هدف خود از همه نیروهای انقلابی دعوت میگرد که در آن شرکت نیا بند و گروه‌ها و سازمانهای مختلف از مراسم سیاسی بعمل می‌آوردند. تنها بدین وسیله و به اسکن ممکن بود جدا کنش‌سوی ممکن را حول شعار زکشا تی انقلابی دانشگاه متشکل

موده فقط به این صورت بود که نیروهای دمکرات، بینا بینی و متزلزل نیز بدون وا همه در جهت فعالیت دمکراتیک حرکت میکردند" (کارنامه ۹۴ - کلیه کیداتارما ست)

ببینیم چگونه رفقای فدائی جوهر تفکر، انحلال طلبانه و اکتونمیستی خود را در درک از فعالیت کمونیست‌ها در عرصه دمکراتیک به نمایش می‌گذارند. از نظر رفقا، گویا هر حرکتی که کمونیست‌ها برای اندازه‌اندازند، حرکتی سوسیالیستی بود و حرکتی دمکراتیک نامیده میشود که نه تنها کمونیست‌ها بلکه توده‌های هر چه وسیعتر خلق آنرا صورت دهند از اینرو طرح مراسمی دمکراتیک همچون بازگشا تی دانشگاه را از سوی کمونیست‌ها به معنی سکتا ریم و محدود نمودن فعالیت دمکراتیک به کمونیست‌ها میدانند و در عوض برای انجام هر چه وسیعتر فعالیت دمکراتیک، حضور مستقل و با هویت کمونیست‌ها را در این مراسم به زیر سؤال برده و رای به انحلال آنان میدهند و از آنها می‌خواهد که از راهیما تی که با دعوت تبلیغ و شعارهای "کمیته منتخب" که ایضا از خود همین نیروها تشکیل میشود، پشتیبانی نمانند!

آنچه که رفقای فدائی پیشنها میدکنند، اکتونمیسم ریشه‌داری است که مدت‌ها قبل دامنگیر برخی از نیروهای کمونیستی بود.

جوهر اکتونمیستی سیاست رفقا در آنجا است که اولاً تمایلات دموکراتیک توده‌ها را از سازمان‌های سیاسی انقلابی و بخصوص سازمانهای کمونیستی جدا نموده برای آن هویت جداگانه‌ای در نظر می‌گیرند، ثانیاً بجای کوشش در جهت جذب و بسیج توده‌ها حول دموکراتیکسم پرولتاریائی و بدست گرفتن رهبری مبارزات دمکراتیک توده‌ها، خود را منحل و بی هویت نموده و رهبری صحنه مبارزات را بصورت انحلال طلبانه‌ای رها میکنند. آنها بجای هدایت تمام فعالیت دمکراتیک توده‌ها بصورت قبول رهبری کمونیست - ها، در مقابل حرکت خود بخودی و سازمان نیافته توده‌ها سیرانداخته و تسلیم آن میشوند. رفقای فدائی بدلیل برخورد اکتونمیستی شان متوجه این امر نیستند که اساساً شایستگی رهبری مبارزه دمکراتیک توسط کمونیست‌ها در جریان همین مبارزات است که برای توده‌ها روشن میشود. آیا چنین نیست که رفقای فدائی خود را درست و درجائی که باید این شایستگی با عدا ی رسا به توده‌ها اعلام شود، در پشت یک چیز موهوم بنام "کمیته منتخب" و امثال آن مخفی می‌نمایند؟ آیا بایسن - ترتیب شما بدترین نوع اکتونمیسم و نفی رهبری را به نمایش گذاشته‌اید؟

افزافه بر این باید گفت این از حضور علنی و با هویت و با غیر علنی این با آن نیروی سیاسی کمونیستی نیست که فعالیت دمکراتیک مخدوش شده و یا مشخص میگردد. آنچه مضمون فعالیت دموکراتیک را روشن می‌نماید، بلاتفرم سیاسی آنست. این بلاتفرم سیاسی هرا اتحاد عمل و حرکت سیاسی

دموکراتیک است که مبادا برای مضمون دمکراتیک باشد. و اگر کمونیست‌ها این امر را نادیده بگیرند و در فعالیت‌های دمکراتیک که از سوی آنها صورت میگیرد، مضمون سوسیالیستی را جانشین دمکراتیک نمایند، آنگاه دچار چپ‌روی شده و توده‌های فعال را از شرکت در آن با زخا هند داشت. اما رفقای فدائی این مسئله را درک نکرده و از شرکت اس با آن نیسروی دمکراتیک با کمونیست‌ها است که می‌خواهند بی‌به ما هیت حرکت برده و مضمون آنرا تعیین نمایند! بدین ترتیب اگر فعالیت دمکراتیک نظیر با زکشا تی دانشگاه توسط کمونیست‌ها برانداخته شود، سنظر رفقا مضمون دمکراتیک آن مخدوش شده و توده‌های دمکرات را از شرکت در آن (چرا؟) باز خوا هدا شد. اما برخلاف تصور رفقا، کمونیست‌ها در عین آنکه سوسیالیست هستند، دمکرات‌های پیگیر نیز هستند و می‌توانند و باید حرکت‌های دمکراتیک را سازمان دهند. ممکن است در آغاز کار سازمان دادن این با آن حرکت خاصی دمکراتیک، تنها کمونیست‌ها باشند که در آن شرکت داشته‌باشند (مانند بسیا ری از حرکت‌ها و اکتیون‌های دمکراتیک موجود) اما هیچ کس نمی‌تواند مدعی گردد، بدلیل آنکه فلان نیروی دمکرات در این با آن اتحاد عمل و حرکت دمکراتیک شرکت نکرده است و عملاً محدودی به کمونیست‌ها است، مضمون آن دمکراتیک نبوده و سوسیالیستی است. توانا زه مگر شرکت کمونیست‌ها بمعنی عدم شرکت نیروهای دمکراتی است که البته با بلاتفرم دمکراتیک مورد نظر کمونیست‌ها توافق داشته‌باشند؟ همچنانکه کمیته بلاتفرم سیاسی این با آن حرکت و اتحاد عمل است که مضمون دمکراتیک یا سوسیالیستی آنرا روشن می‌نماید. و اگر بلاتفرم سیاسی آن دمکراتیک باشد، ولونتها نیروهای کمونیست (چپا هویت علنی و غیر علنی) آنرا برانداخته‌باشند و در آن خوردا شته‌باشند، مضمون آن حرکت دمکراتیک خواهد بود. در این رابطه برخلاف تصور رفقا، ما معتقدیم که حرکت ۲۳ دی یک حرکت دمکراتیک بوده و اعلام برگزاری آن از سوی کمونیست‌ها کوچکترین تغییری در مضمون دمکراتیک آن وارد نمی‌آورد. اگر بلاتفرم و با قطعنا مه مراسم مضمونی سوسیالیستی می‌داشت آنگاه چپ‌روی و سکتا ریم معنی و مفهوم پیدا می‌کرد.

هما نظور که در پیش کمیته رفقا برای جذب هر چه وسیعتر توده‌ها در این مراسم، متعقدند که می‌بایست بدون اعلام برگزاری این مراسم از سوی کمونیست‌ها، وسیعتر توده‌های دمکرات، متزلزل و بینا بینی را بسوی آن جذب کرد اینجا است که نفی عمل ضرورت آلترنا تیک کمونیستی و حل شدن پرولتاریا در صفوف خلق برجسته میشود برخلاف تصور رفقا ما معتقدیم که اتفاقاً برعکس می‌باشست کمونیست‌ها با اعلام علنی برگزاری چنین مراسمی از سوی خود

نشان دهند که در پیشا پیش جنبش دمکراتیک قرار دارند و بدین ترتیب دمکراتیک تیسیم پیگیر پرولتاریا - بی را عمیقاً و وسیعاً تبلیغ نمایند. تنها بدین ترتیب است که آلترنا تیبو کمونیستی (بمنا به دمکراتیک تیسیم پیگیر پرولتاریا) در نزد توده‌ها مطرح شده و توده‌های دمکراتیک به گرد آن جمع خواهند شد. اتفاقاً کمونیست‌ها با انجام گسترده چنین فعالیت‌های دمکراتیک و قرار گرفتن در رأس آن و بالاخره از کانال طرح آلترنا تیبو کمونیستی است که می‌توانند بسا تشکیل قطب کمونیستی، توده‌های دمکراتیک را بدون وا همه به فعالیت‌های دمکراتیک به زیر رهبری کمونیست‌ها جلب نمایند. اگر امروزه نیروهای دمکراتیک از شرکت علنی در فعالیت‌های دمکراتیک که از سوی کمونیست‌ها رسماً برگزار می‌شود، خودداری می‌نمایند، بدلیل عدم ضرورت و قوی و مستقل آنهاست. بدلیل آن است که قطب نیرومند کمونیستی وجود ندارد و در کنار این بدون هراس، به دنبال دمکراتیک پیگیران روان شوند. عدم اعلام علنی مراسم نه تنها به جذب توده‌های بیشتری منجر نمی‌شود، بلکه در خدمت انحلال هویت نیروهای کمونیست در مراسم قرار داشت، برآستی اگر هنرمند اگونومیستی و عقب مانده رفقای فدائی را بکار ببندیم، توده‌ها در کنار و چگونه با یک آلترنا تیبو کمونیستی روبرو خواهند گشت که حاضر شوند به دنبال دمکراتیک تیسیم پیگیران حرکت نمایند؟ کجا توده‌ها خوا همدفهمید که کمونیست‌ها نه تنها نسبت به دمکراتیک بی تفاوت نیستند، بلکه پیشا پیش آن قرار داشته و بیش از همه بدان علاقه مندند اتفاقاً برخلاف استنتاجات رفقا، توده‌های دمکراتیک وسیعی برای شرکت در مراسم ۲۳ دی گرد آمده بودند تا ببینند کمونیست‌ها چگونه برای تحقق این خواست دمکراتیکشان مبارزه میکنند، بسیاری از آنها در آرزوی متوجه مبارزه کمونیست‌ها برای بازگشت گشائی دانشگاه بود. این بدان معنی نبود که توده‌های آگاه حرکت کمونیست‌ها را حرکتی مربوط به خود کمونیست‌ها، از بابی می‌نمودند با لمکس توده‌های دمکراتیک برای العین می‌دیدند که کمونیست‌ها با شور و حرارت و شها متسی عظیم، پیگیرانه در راه تحقق خواست دمکراتیک مورد علاقه آنها و در پیشا پیش آنها حرکت می‌نمودند و بسیاری از این توده‌ها خود در مراسم شرکت نمودند حتی شکل دمکراتیک نظیر کانون مستقل استادان نیز خرابه شرکت در این مراسم گشت، آری، در اینروز آلترنا تیبو کمونیستی که ظن اینها دمکراتیک تیسیم پیگیر پرولتاریا برای توده‌ها بود، بشدت مطرح گردید اینها در سفاقی است که متاسفانه رفقای فدائی از حرکت روز ۲۳ دی نیا موختند. رفقای فدائی، اعلام علنی برگزاری این مراسم و در حقیقت برآز علنی این واقعیت که کمونیست‌ها پیشا زان دمکراتیک هستند و توده -

های دمکراتیک برای تحقق خواست‌ها نشان می‌دهند با بیست با آنها همگام شوند و زیر پرچم آن نشان گرد آید بندرا "چپ روانه" می‌دانند! و برای جذب توده‌های بیشتر از این خواست پرولتاریا که مهر خود را بر جنبش دموکراتیک بکوبد نشان دهد پیشا پیش توده‌ها حرکت می‌کند، صرف نظر کرده و به انحلال صف پرولتاریا در صف "انقلاب" راضی میگرددند! چنین گرایش انحلال طلبانه و درک پوپولیستی و عقب مانده آلترنا تیبو کمونیستی که دنباله روی از جنبش خلق وحل شدن در آنها را به منظور آنکه می‌تواند توده‌ها را از یک تفهمنده کمونیست‌ها این حرکت را براه انداخته اند و در پیشا پیش مبارزات دمکراتیک قرار گرفته اند هرگز نخواهد توانست رهبری پرولتاریا را بسیر جنبش خلق اعمال نماید. و برخلاف "نیت خیرش" هرگز نخواهد توانست توده‌های بینا بینسی، دمکراتیک و متزلزل را بسوی خود جذب کرده و ارتقا دهد. بالعکس با عدم درک ضرورت طرح آلترنا تیبو کمونیستی، با عدم تبلیغ علنی و نشان دادن عملی این واقعیت که کمونیست‌ها پیشا پیش مبارزات دمکراتیک قرار دارند، توده‌ها را بسوی دموکراتیک تیسیم پیگیران حزب خرده بورژوازی و حتی بسوی لیبرالیم بورژوازی سوق خواهد داد و آنها را از زوجیک آلترنا تیبو نیرومند و با هویت کمونیستی در مبارزات دمکراتیک محروم خواهد ساخت.

نه رفقای فدائی اگر طبق "ره نمود" شما عمل می‌گشت، توده‌ها آنچه که نصیبشان میگشت یک مبارزه دمکراتیک تحت رهبری "کمیتسه" منتخب مثلاً "کمیتسه انقلابی دانشجویان" که فاقد هویت سیاسی مشخص است میشد، آنچه در ذهن توده‌ها نقش می‌بست نه این واقعیت بود که کمونیست‌ها مبارزه آنها را رهبری نموده بلکه این افسانه بود که "کمیتسه انقلابی دانشجویان" آنها را رهبری نموده است (و با فرض اینکه "ره نمود" شما را در تمام عرصه‌های دیگر نیز بکار ببندیم، توده‌ها همواره با کمیتسه‌های انقلابی آئی روبرو خواهند گشت که از هویت آن بی خبرند! آیا اینگونه می‌خواهیم آلترنا تیبو کمونیستی را تبلیغ کنیم؟ آیا اینگونه می‌خواهیم ضرورت رهبری پرولتاریا را به مثابه پیشا زان دمکراتیک تیسیم پیگیران به تفهمنده می‌بدون نشان دادن عملی این رهبری، بدون نشان دادن علنی این واقعیت که کمونیست‌ها پیشا پیش مبارزات دمکراتیک قرار دارند، سخن گفتن از ضرورت اعمال رهبری پرولتاریا و تحقق بخشیدن به آن، سخن پردازی بوج و بیپوده بوده و هرگز عملی نخواهد گشت.

اما رفقای فدائی، تنها در درک اگونومیستی انحلال طلبانه و پوپولیستی از فعالیت دمکراتیک و چگونگی سرخورد کمونیست‌ها بدان نسبت که بی اعتنائی خویش را به ضرورت طرح آلترنا تیبو کمونیستی به نمایش می‌گذارید، بلکه رفتار برخورد به مراسم ۲۳ دی هم نیز نشان دادند که از موضعی سکتاریستی نیز به آلترنا تیبو کمونیستی

بها نداده و آنرا درک نمی‌کنند چه یکی از درسی‌های مهم ۲۳ دی برای کمونیست‌ها، این بود که به موازات تلاش برای تحقق بخشیدن به امر و حرکت می‌توانند و با بدست به احوال عملی تاکتیکی مشخص بزنند که در اینجا نقطه نیرومند کمونیستی و گسترش طرح آلترنا تیبو کمونیستی موثر افتد. همچنانکه وقایع ۲۳ دی نشان داد، در این شرایط این احوال عملی، نقش بسیار بسزائی در طرح آلترنا تیبو کمونیستی دارد، اما رفقای فدائی بی علاقه به درسی‌های ۲۳ دی، شاید از آنجا که نام "فدائی" را در اینروز بر سر زبان‌ها نبیند، تصمیم گرفتند که نام "فدائی" را در مراسم ۱۷ بهمن زنده سازند. آنها نام فدائی را از ایجاد قطب نیرومند کمونیستی مهمترین دستاورد است. بی شک رفقای فدائی می‌توانستند و موفق بودند که با برگزاری مستقل مراسم ۱۹ بهمن، نشان دهند که خاشاک "اکثریت" و ارتش خط مشی شهدای سیا هکل نبوده، بلکه این رفقای فدائی "اکثریت" هستند که چنین میراثی را با خود حمل میکنند اما چه چیز باعث آن گشت که رفقا بنحوی سکتاریستی و در عین حال تنگ - نظراً به بزرگداشت ۲۲ بهمن راه همراه با ۱۹ بهمن اجرا نمایند و از احوال عملی با ما بیرونرو - های کمونیست، برای از آتش آلترنا تیبو نیرومند کمونیستی خودداری نمایند یا این نشان نمی‌دهد که انحراف پوپولیستی رفقا در عدم درک ضرورت طرح آلترنا تیبو کمونیستی، که در مراسم ۲۳ دی خود را به شکل انحلال طلبی و اگونومیسم به نمایش گذاشت، اینبار در شکل سکتاریستی و ترجیح دادن منافع گروهی بر منافع جنبش کمونیستی خود را به نمایش گذاشته است؟

اما این نسی از مسئله است سکتاریسم و ترجیح دادن منافع گروهی بر منافع پرولتاریا و کمبها دادن به ایجاد آلترنا تیبو نیرومند کمونیستی تنها گوشه‌ای از انحرافات ماهیتا را ستروانه رفقا است. نیمه دیگر مسئله (که چه بسا مهمترین باشد) بنظر ما نگرانی رفقا از اتحاد عمل با نیروهای پیگیر کمونیست است. چه بی - شک گرایشات ایدئولوژیک در برخورد به ریزبوی - نیمم و سوسیال امیریا لیسم ذات خود را در این احوال عملی بجا خواهد گذاشت هراس از نزدیکی به جریانات پیگیر جنبش کمونیستی و رفقا نشان میدهند بنظر ما گرایشات استروانه رفقا در برخورد به ریزبویسم و سوسیال امیریا لیسم رفقا را از اتحاد عمل با ما برای بزرگداشت ۲۲ بهمن بازداشت. علیرغم آنکه ما زمان ماطی نامهای درونی به رفقا صمیم - بقیه، از صفحه ۱۸

بقیه از صفحه ۱ اطلاعیه ...

از آنجا که سازمان ما در سنگردفاع از کارگران و زحمتکشان ایران، مصلحانه و قاطعانه ایستاده و بطرز آشنی نا پذیری با تمام امپریالیستهای امپریالیست آمریکا و شوروی و مرتجعین داخلی، عم از حزبی ها و لیبرالها مبارزه می نماید و در این راه تا کنون نقش برجسته ای در دریدن ماسک عوامفریبی از چهره کربه جمهوری اسلامی داشته است، مرتجعین از هیچ نعمت و دروغ و قبحا نه ای برای لوث نمودن چهره انقلابی سازمان خودداری ننموده اند. اینها رآننها در صدای سن هستند که با وانمود کردن رفیق فاضل بعنوان یکی از کاردهای اصلی سازمان که "در رابطه با آمریکا فعالیت می نموده است"، تبلیغات عوامفریبانه ای را بر علیه سازمان ما برآه اندازند.

کارگران، زحمتکشان، توده های مبارز ایران!

قطعا همه شما تبلیغات منحرف کننده ساواک در مورد کمونیستها و انقلابیون را در سالیهای پیش بخاطر یاد دارید. شما بخاطر یاد که چگونه ساواک برای لوث نمودن چهره کمونیستها و انقلابیون جان برکفی که فدائیکارانها را رژیم تبه کار شاه می جنگیدند، آنها را "وابسته به اجنبی"، "خرابکار" و غیره معرفی می نمود و در این راه تمام دستگای تبلیغاتی خویش را برای منحرف نمودن ذهن توده ها، بکار میگرفت. شما چتما خاطر همه حبه های مکرر ما موراً منبستی ساواک، ناشی جلا در کنار به اصطلاح مدارک مکشوفه جرم که چیزی جز سلاح و نشریات انقلابی مخفی سرنوینی رژیم شاه نبود، بیاد دادید و با هم به بخاطر یاد که چگونه ساواک تلاش می نمود چنین وانمود سازد که این "خرابکارها" و "اجنبی پرستان" نمی گذارند ایران بسمت "تمدن بزرگ آریا مهری" برود.

هم اکنون هر رژیم تبه کار جمهوری اسلامی و سردمداران مرتجع آن دقیقاً در تبلیغات و قبحا نه خود با جای پای ساواک و رژیم شاه گذاشته اند. این ضد انقلابیون عوام فریب غافل از آنند که هم اکنون کارگران، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ما سطح آگاهی شان بسیار بالاتر از آنست که این تلاشهای مذبوحانه بتوانند برای مدتی شماری برای آنها بسیار آورده و آنها را از سرنوشت محتوم خویش، که نابودی است، نجات دهد، در واقع آنها هم - اکنون بخوبی بیاد گرفته اند که ساواک برای حفظ یک سیستم فاسد، چندان اشتباهاتی هم از نظر ایمنی نمیکرد و است و یک حاکمیت ضد مردمی و ارتجاعی، لازم است بکار گرفتن چنین شیوه های در مقابل کارگران، زحمتکشان، انقلابیون و کمونیستها است که خواهان انقلاب هستند. آری رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند همه مرتجعین تاریخ ناچاراً بکار گرفتن چنین



الف - مشخصات حقیقی :

نام محسن شهرت قاضی نام پدر احمد
شماره شناسنامه ۳۷۴ صادره از مشهد متولد ۱۳۲۸
شغل دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر
میزان تحصیلات -
محل سکونت خیابان پهلوی خیابان دانشگاه ملی روبروی منزل
معمود خیامی

محل کار -

ب - مشخصات ظاهری

قد بلند - رنگ چشم زاغ - رنگ مو قهوه ای - علامت مشخصه -
اسامی مستعار با شناسنامه های جعلی که داشته : - ابوذر - ادرشیر

پ - وضعیت فعلی

از اعضای گروه خرابکار «مجاهدین خلق ایران» میباشد
که از تاریخ ۱۳۵۱ متواری و احتمالاً مسلح به
سلاح کمری X نارنجک - سیانور X میباشد.

مدرکی از آلبوم ساواک که حاکی از کوشش شدید رژیم شاه برای دستگیری رفیق

محسن فاضل می باشد. این مدرک در زمان قیام بهمن ۵۷ به دست نیروهای انقلابی افتاد

لیسم و صهیونیسم و ارتجاعیها رزه کرده است و از اوایل سالهای ۵۰ تا قیام بهمن ماه، بعنوان یک انقلابی حرفه ای و مخفی ابتداء در سازمان مجاهدین و سپس در بخش منشعب از آن فعالیت نموده و بعنوان یک فرد انقلابی حرفه ای سالها در تحت تعقیب رژیم شاه قرار داشته است. مبارزه و چه در ایران که در چندین عملیات نظامی علیه امپریالیسم آمریکا شرکت جست بود و چه در خارج از کشور که در پیگاه های الفتح و سازمانهای فلسطینی فعالیت می نمود. او همیشه با تفکر و تقریباً تمام سازمانهای فلسطینی او را بعنوان یکی از انقلابیون ایرانی که مدتی هم در جنگ لبنان در کنار فلسطینیها بر علیه فاشیستها جنگیده است می شناسند. در شرکت در عملیات اعدام انقلابی ژنرال برابری آمریکا در سال ۵۰ و در آستانه ورود نیکسون به ایران و مبارزات فدائیه امپریالیستی و بخوبی دروغهای و قبحا نه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را بر ملا می کند. رفیق در خلال سالهای ۵۴ تا ۵۶ و پس از گذراندن دوره آموزش نظامی در پیگاه های فلسطین در رابطه با جنبش مقاومت فلسطینی و در کمیته علمی وابسته به الفتح با نام مستعار "سامی" فعالیت نموده و در این فاصله بخاطر توانایی های تکنیکی و علمی اش کمک قابل توجهی به انقلابیون فلسطینی نموده است. از جمله دست آوردهای رفیق در آن سالها در زمینه پرتاب نارنجک، ساختن نارنجک پرتاب کنی بنام "قدس" بوده که تجربه موفقیت آمیزی در بر داشته و چندین نمونه آن بنا به درخواست فرماندهی نظامی الفتح و شخص ابوجهاد دیوسیله رفیق سامی تهیه شد و به سرزمینهای اشغالی در سال گذشته و در آنجا علیه صهیونیستها بکار گرفته شده است به این ترتیب رفیق محسن فاضل به اعتبار تجربه انقلابی و علمی اش طی چندین

بقیه در صفحه ۲۴

شیوه های تبلیغاتی است. کارگران، زحمتکشان، و تمام خلقهای قهرمان ما سرانجام در جریان همین مقابله جوشی های رژیم با آنها و کمونیستها - ها و در جریان بر ملا شدن امثال چنین تبلیغات آریا مهری است که چهره کربه و نفرت انگیز رژیم جمهوری اسلامی و سردمداران مرتجع آن را خواهند ساخت، آنها متوجه خواهند شد و بخش آگاه کارگران و زحمتکشان و توده های مبارز، هم اکنون نیز متوجه شده اند که با این سازمان پر از فتنه ریبکار در راه آزادی طبقه کارگر با ۱۵ سال مبارزه درخشان علیه امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته، آمریکا شای بوده است تا سردمداران مرتجع و خائن رژیم جمهوری اسلامی که در آستانه قیام پرشکوه و تاریخی بهمن بیای خیانته رفته و در مذاکره بهشتی و با زرگان با هویزر آمریکا شای برای جلوگیری از نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و ارتش فدا خلقی، با امپریالیسم آمریکا سازش نمودند؟ کارگران و زحمتکشان ما سرانجام قضاوت خواهند نمود که چه کسانی خائن به آنان و چه کسانی به مال کشته خون ۷۰ هزار شهید خلق ما بوده؟ چه کسانی از ابتدا و از همان سالهای که امثال این خائنین مثل موش در سوراخها پشان خزیده بودند و در آرایش گورستان رژیم شاه به مکیدن خون کارگران ما مشغول بودند در سنگر، کارگران و زحمتکشان بطور آشنی نا پذیری با امپریالیسم آمریکا و سیستم وابسته به امپریالیسم مبارزه نموده اند و با زهمی نماینده آری کارگران و زحمتکشان ما قضاوت خواهند نمود و آنگاه کیفر سختی به سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و تمام خائنین به خلق خواهد داد.

با توضیحات بالا هم اکنون لازم است به همه شمای از گذشته رفیق محسن فاضل و مبارزات او اشاره کنیم. محسن فاضل یکی از اعضا قدیمی بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران بوده است که سالها در سنگر مبارزه علیه امپریالیسم



کشتار کاک و عوامفریبی‌های رژیم جمهوری اسلامی

جنايتكاران رژيم جمهورى اسلامى بار ديگر، واپسار در كاخ، دست خود را به خون زحمتكاران آلوده ساختند. عمق اين جنايت كه هـ كشته و چند زخمى بر جاى گذاشت، بقدرى بود كه خود رژيم مجبور به انعكاس گوشه‌اى از ماجرا گرديد. اين جنايت كه مستقيماً توسط پاسداران سرمايه‌دار و روسته‌وا بسته به حزب جمهورى انجام گرفت، وسيله‌اى گشت تا جناح ديگر رژيم يعنى ليبرالها را به سو استفاده از خون زحمتكاران براى قدرت بايى خويش وادارد. اما آنچه كه در اين واقعه آشكار ميشود، وحدت جناحهاى رژيم جمهورى اسلامى در سر كوب توده‌ها و ضديتشان بر عليه نيروهاى انقلابى و كمونيستى است. آنها كه خشم و نفرت برانگيخته شده توده‌ها را عليه كل رژيم ميبيينند، براى نجات خویش از اين مهلكه مذبوحانه ميكوشند تا برسركوبگرى وحشانه‌شان سربوش گذارده و كمونيستى را "مشول" بروزاين جنايت قلمداد نمايند! غافل از آنكه رشد مبارزه طبقاتى و افزايش آگاهى توده‌ها بيشتر از آنست كه در دام اين عوامفریبى رژيم بپافتند. حال براى روشن شدن مسئله بينيم واقعيت امر از چه قرار رسيده است:

مسئله كم آسـى شهرگنا با دشكلى قديمى براى مردم اين شهر است و در زمان رژيم شاه نيز اقدامات بسيارى براى حل آن انجام گرفته بود كه از طرفى بعلت ماهيت ضد خلقى رژيم همچگونه اقدامات بيهشاي بعمل نيامد و از طرف ديگر زد و بندهاى مسئولين آن زمان، مانع از اجراى هر طرحى ميگرديد. (مثلاً بودجه - اى كه همين او! خر عمر رژيم شاه براى زدن چاه و كانال كشى در اختيار مقامات محلى قرار گرفته بود توسط وكيل مجلس، استاندار و فرمانداران زمان خورده شد) با روى كار آمدن رژيم جمهورى اسلامى، آخوند مرتجمى بنام "مدنى" كه استاد همكارى با ساواك موجود بود بيه عنوان رئيس كميته همه كارگنا با ميشود. او كه در آء دريافت بول مدارك سايرسا و كپها و عوامل رژيم پيشين را از بين ميبرد، مورد نفرت

هر چه بيشتر مردم قرا گرفت. از جمله زمانى كه اين جيره خوا رژيم سابق و "انقلابى" رژيم كنونى براى گسترش عرصه تاخت و تا خود بيه شهر كاخك رفته بود با مخالفت وسيع مردم اين شهر مواجه گرديد بطوريكه او را از شهر بيرون كردند. مدتى نيز در هما نجا و در حضور مردم تهديد كرده بود كه با رديگرى با ساواك و گلوله با زخواهد گشت! و بعد از آن هم با رها و با رها در مجامع مختلف مردم مبارز كاخك را كه زير بار زورگويى- هايش نرفته بودند، تهديد به سر كوب كرده بود. تا اينكه سرانجام در جزيا ن پيگيرى مردم گنا با د براى رفع مشكل ديرينه كم آسـى شان، مدنى مزدور به اتفاق فرماندار، معاون استاندار وساير مقامات مرتجع منطقه، تصميم ميگيرند تا با پيش كشيدن طرح حفراجه در نزديكى كاخك كه موجب لطمه خوردن به كشا و رزان اين ناحيه ميشود، با يك تيردو نشان بزنند! هم با سخگوى فشا ز مردم گنا با دبراى حل مسئله آب شوندهم با آتش افروزي در زمان مردم دشوهر، اعتراضات زحمتكاران كاخك را به خيال خود توسط زحمتكاران گنا با د سر كوب نمايند. (يعنى همان كارى كه رژيم نظايرش را در بنده، خوزستان و... انجام داد) در صورتيكه اين طرح و نظاير آن قبلاً نيز عنوان گشته و نا درستي آن براى تمامى مردم منطقه روشن شده بود و راه حل اساسى مشكل كم آسـى اين منطقه تنها در گرو انجام بپرتا مه اى همه - جانبه و ختماى بودجه اى كافى با نظارت شورائى از زحمتكاران منطقه ميسر ميشود.

به هرحال روز ۱۴/۱۱/۵۹ پاسداران عليه رژيم اطلاع از مخالفت عمومى بر عليه اين "طرح" جا ده گنا با د - كاخك را ميبنند. آنها در حالى كه دستور سر كوب اعتراضات مردم (كه انجام آن كاخك ملامقابل پيش بينى بود) و حتى كشتار آن را داشتند از تربيت حيدريه نيروى كمكى نيز دريافت ميكنند. بدین ترتيب عمليات بى سارى حفراجه در ۷ كيلومترى كاخك آغاز ميشود. از سوى ديگر مردم كه طى اجتماعات متعدد مخالفت خود را با اين طرح عنوان كرده بودند،

از سوى توجهى مسئولين به خشم آمده بودند. آنها بخصوص پس از آنكه معاون استاندار در برنا مه تلويزيونى مردم كاخك را "فدا انقلابى" ميخواند بيش از پيش به ماهيت ضد مردمى اقدامات رژيم و مسئوليتش پي برده و خشمگين شده بودند. مردم با رها اعلام كرده بودند كه به همچو جا جا ز انجام اينكار را نخواهند داد. بنا بر اين وقوع درگيرى از قبل كاخك ملام روشن بود. بنا بر اين ادعاهاى سپاه پاسداران وساير مسئولين مبنى بر - "اتفاقي" بودن حادثه كاخك ملامبى اساس و دروغ - بردارى محض ميشود. سرانجام زمانى كه هزاران نفر از توده هاى خشمگين براى جلوگيرى از عمل حفراجه به محل نزديك ميشوند و در حاليكه بنا به گفته شاهان عيى و اعتراف پاره اى از مقامات مردم در فاصله ۷۰۰ الی ۸۰۰ متری محل حفراى بودند با آتش مزدوران رژيم مواجه گرديده و تنى چند در خون خود ميغلطند.

بعد از اين حادثه و در فداى آن، راديو مشهده اعلام ميكنند كه "عده اى فدا انقلاب (!؟) به پاسداران حمله كردند و آنها را مجروح و مضروب ساختند و در نتيجه فدا انقلاب گشته ميشوند" و بدین ترتيب با رديگر ماهيت ضد مردمى و دروغ - بردارگانهاى تبليغى رژيم آشكار ميشود. سپاه پاسداران نيز طى اطلاعهاى گروهكهاى "چپ" را مسئول اين حادثه ميخواند و مردم را "تحريك شده" بوسيله آنها قلمداد ميكنند. در اين اطلاعها عده اى تبليغى توصيف شده است: "جمعيت تحريك شده و از دوطرف بقصد محاصره برادران كه دور هم جمع شده بودند) حركت ميكنند. برادران پس از اينكه مقدارى تيراندايى هوا شى ميكنند و ميبيينند كه در مردم اثر نمى كند (زيرا مرتب آنها را تحريك ميگردند و ميگفتند نرسيد مشقى و هوا شى است) عقب مى آيند و بوسيله ماشين بسمت گنا با د حركت ميكنند. "بدین ترتيب مزدوران اسلحه بدست با كمال وقاحت مسئله تيراندايى با پاسداران بسوى مردم را لاپوشى كرده و از آن ميگذرند. انگار نه انگار كه آن پنج نفر و چند زخمى بوسيله گلوله هاى ۳- پاسداران و در جلوى چشم هزاران نفر از بايى در آمدند! و حتى خود مقامات از جمله نماينده گنا با د در مجلس نيز باين مسئله را بصراحت عنوان كرده - اند، زهى بيشرمى!

از سوى ديگر ليبرالها از طريق نماينده رئيس جمهور در استان سعى ميكنند از بين جنايت حزبىها بپنج افزايش نفوذ خود در منطقه استفاده كنند. اما آنها نيز با رقباى خود مورد "شكست" كاسه كوزه ها "برسركمونيستى همصدا ميگردند. ملازاده "نماينده گنا با دنيز با ازائه "تحليلى" كه هم در روزنامه هاى ليبرالى وهم در روزنامه هاى حزبى چاپ شد، "چپها" و "بخصوص" "پيكار بها" را مسبب و عامل "تحريك" مردم

بقيه د صفحه ۲۶

كاربراي كارگران، زمين براى دهقانان

جنایت ارتش مزدور عراق در خرمشهر!

رژیم‌های ارتجاعی ایران و عراق همراه با ارتش‌های سرکوبگرشان جنگ را ادامه داده و در این راه از هیچگونه تاج و زبانه و مال و ناموس توده‌های زحمتکش و کشورگونا نمی‌کنند. طبق اخبار رسیده ارتشیان مزدور عراق در خرمشهر به یک دختر پرستار روحشانه تاج و زکده و وی را در نزدیکیهای آبادان رها می‌زنند و دختر پرستار را معنی پس از رسیدن به بیمارستان جان می‌سپرد. ارتش‌های ارتجاعی عملکردهای یکسانی نیندازند. ارتش و پاداران مزدور جمهوری اسلامی در کردستان قهرمان بنام "سیاه‌اسلام" مرتکب جنایات بی‌شماری میگردند که بخشی از آن نیز تاج و زبانه دختران دلاور کرد میباشند و ارتش مزدور عراق نیز علاوه بر کشتار زحمتکشان و غارت اموال آنان، به نوا میس زحمتکشان تاج و زمی کند.

اینهمه از "خیرات" جنگ ارتجاعی که از ارتش‌های مزدور و دودکشور به زحمتکشان ارزانی می‌دارند!

گوشه‌ای دیگر از جنایات مرتجعین "مکتبی" رژیم!

جنایات رژیم در حق آوارگان جنگ‌ارتجاعی روز بروز بیشتر میگردد. از سرکوب مبارزات آنان و دستگیری عناصر آگاه و مبارزان گرفته تا تاج و زبانه نوا میس آوارگان. اکنون حدود ۵۰ خانواده از آوارگان جنگ در گناباد در محل تربیت معلم واقع در صدستگاه بسرمی‌برند و سرپرستی آنان را آخوند مزدوری بنام "سید ابراهیمی" به عهده دارد. در تاریخ یکشنبه ۲۸ دیماه این فرد مرتجع دخترپا زده سالهای آوارگان در قتل راه بهانه‌ها شدن کار به خانه خود برده و به زور به وی تاج و زمی کند. خیر این جنایت سریع در میسان مردم شهر پخش میشود. همپا لگی های آخوند برای بوشاندن قضیه به تکابومی افتند و آخوند مزدور دیگری در بالای منبر در مسجد جامع شهردر توجیه مسئله میگوید که ما اورا صاف کرده ایم و این مسئله که ملا شرعی است! ولی مزدوران رژیم وقتی می فهمند که این کلاه "شرعی" برای مردم که از همه چیز با خیرندگشا دست بلافاصله آن را شایعه علیه روحانیت "مبارز" اعلام کرده و مردم را تهدید میکنند که در صورت ساکت نشدن تلاق خواهند خورد.

اما مردم شهر بطور وسیع دست به افتابگری زده و این جنایت را روی آکناس ها میسوسند.

اخبار جنگ

توده‌های آگاه این جنایت را که قطره‌ای از دریای جنایات نیشمارگانهای رژیم در گوشه و کنار ایران است افشا کرده و بی‌خوابند که تا بودی فساد و فحشا رژیم، جز از طریق ناسودی رژیم سرما به داری امکان پذیر نخواهد بود.

گزارشی از تجمع آوارگان در فولاد شهر

جمعی از آوارگان فولادشهر در تاریخ ۱۱/۱۱ در مسجد کردآمده بودند. آوارگان به وضع بند بهداشت خود و ندادن کوبین خوار و پاره آنها اعتراض داشتند. شورای همپاری! فولادشهر در این جلسه حاضر شده بود و مانند دفعات قبل سعی کرد قضیه را ماسمالی کند.

یکی از آوارگان می‌گفت: "میلیونها تومان از طرف مردم کمک مالی شده است ولی آنها را چه کرده‌اید؟ ما که خودمان خواهان این جنگ نبوده‌ایم، این شما بودید که با ظلمنافع خودتان دست به این کار زده‌اید و حالا با بد جوانکوی ما نیز با شید." عنصر مرتجعی بنام "صمدانی" در پاسخ میگوید: "من مسئول شورای همپاری هستم، به ما مورشا باید کمیتها مام رسیدگی کند". آوارگان عصبانی از این جواب نریالا می‌گفتند: "پس چرا اطلاق به اینجا آمده‌ای" یکی از زنان می‌گفت: "بندخت! مگر اسکورت نباید و تو را از اینجا برود و گرنه اینجا ما زنها با دستمان تکه تکه می‌کنیم".

پاسخ رژیم به خواسته‌های آوارگان سرکوب است و پاسخی آوارگان به رژیم سرکوبگر مبارزه هر چه بیشتر!

نظارات آوارگان ماهشهر بمناسبت بزرگداشت قیام بهمن ماه

به مناسبت بزرگداشت قیام بهمن ماه و افشای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، هواداران سازمان در ماه شهر اعلام هیما می‌کنند. عوامل رژیم پس از با خیر شدن، شدت رفت و آمدهای بسن شهروادوگاه آوارگان را زیر کنترل میگرداند و در روز ۲۱ بهمن ماه با محاصره بازار ماهشهر محل شروع راهپیمایی بود، شروع به دستگیری ساردهندگان و نظاهر - کسندگان می‌کند. اما زحمتکشان آواره و مردم

ما شهر که تبلور خواسته‌هاشان را در شعارهای سازمان میدیدند با حمایت خود از انقلابیون کمونیست و مقاومت در مقابل ارتجاع، مانع دستگیری نظامی هر کسندگان شدند. وحشت رژیم از این تظاهرات بقدری زیاد بود که از صبح ۲۱ بهمن به منظور جلوگیری از آگاه شدن توده‌های ارتش از ایده‌های انقلابی، ورود ارتشیان را به شهر ممنوع اعلام کرد. آگاه‌ها نبودند که ارتجاع است!

"باز هم فشار بر آوارگان"

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علاوه بر دامن زدن به جنگ ارتجاعی برای تحقق اهداف ضد خلقی و آواره نمودن هزاران تن از هموطنان زحمتکش ما، به عناوین مختلف آوارگان را تحت فشار میگذارد.

اخیرا ما موران مبارزه با گرانفروشی رژیم در ماه شهر به بساط دستفروشی که عمدتا از آوارگان جنگ زده هستند و برای گذران زندگی ناچارا به دستفروشی پرداخته‌اند، بیورش برده و تهدید میکنند که گرانفروشی نکنند.

رژیمی که خود با جنگ ارتجاعی باعث آوارگی، کرسنگی و بیگاری کارگران و زحمتکشان شده، برای سرپوش گذاشتن بر ما هیت گنبدیده نظام سرما به داری وابسته که علت اصلی گرانگی و تورم است و برای تظهر سرما به داری و تجار بزرگ، همچون رژیم شاه‌ها شن، چاق و مبارزه با گرانفروشی را بر سر زحمتکشان خرده‌پا و آوارگان دستفروش وارد می‌آورد. اما آتش این سیاست‌های ضد خلقی عاقبت دامن خود رژیم را خواهد گرفت.

خبری از خوابگاه دانشگاه صنعتی اصفهان

در روز جمعه ۵۹/۱۱/۱۷ بسرجهای از پنجره یکی از ساختمانهای محل سکونت آوارگان به پائین می‌افتد. در آن حوالی حتی یک ماشین پیدا نمیشود که وی را به بیمارستان برسانند. بالاخره با ماشین یکی از بستگان آوارگان که به آنجا آمده بسرجه را به بیمارستان می‌رسانند که هنوز بسپوش است. مزدم آواره می‌گفتند چرا اینجا که حدود ۲۴۰ نفر ساکن هستند که یک آمبولانس با ماشین دیگری برای نجات جان مردم وجود ندارد. چرا فکر ما آوارگان نیستید. عده‌ای از زنان زحمتکش می‌گفتند: "چگونه است و بی شخصی حرفی می‌زنند فوراً چندتا ماشین با سارا اینجا می‌آید که اورا بگیرند و ولی"

مبارزه علیه جنگ رابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

منتشر شد:

۲۲ بهمن

نشریه کارکنان مبارزان تلویزیون

شماره اول، چمن ۶۹



- تخصصی: ۵۰۰**
- تولید و پخش در ایران:**
۱۰۰۰
- تولید و پخش در خارج:**
۱۰۰۰
- نشریه سوزی کویته بیشتر:**
۱۰۰۰
- در خدمت تهیه بیشتر نودها:**
۷۰۰
- آهنگان مبارزه کارکنان:**
۱۰۰۰
- تولید و پخش تلویزیون:**
۱۰۰۰
- انبار اموال:**
۱۵۰
- انتفصاع:**
۳۳۰
- ... ۹

۲۲ بهمن نشریه "کارکنان مبارزان تلویزیون" با انتشار اولین شماره خود تولید خویش را اعلام داشت. با آرزوی موفقیت برای کمیونیستهای انقلابی دست اندرکارین نشریه به آنان درود میفرستیم.

میکنند. آری سردمداران مرتجع رژیم "سودیژه" کارگران را قطع میکنند، بهانه‌های مختلف از دست‌زدنا چیزتوده‌های زحمتکش کم میکنند... تا خود حقوقهای کلان ۲۳۷۵۰ تومانی دریافت نمایند و بیشترمانه‌ها دعا هم میکنند که زندگیشان ساده‌تر از توده‌های "مستضعف" است!!

چهره فریبکارانه سردمداران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را بر ملا کنیم!

جنگ تبدیل میکنند. جنگ‌دگان با شعارهای "دولت سرما به‌دار حرف سرش نمیشه، جنگ زده بی مسکن صبر سرش نمیشه"، "مما دره، مما دره، بحق مسلم ماست" و "پا سدار، پا سدار، چماق سرما به - دار علیه زحمتکشان" با آنها روبرو میشوند. پا سداران سرما به علیرغم زخمی کردن و دستگیر نمودن عده‌ای موفق نمیشوند جلوی مصادره ساختمان را توسط آوارگان مسمم بگیرند و آوارگان روز بعد از درگیری در ساختمان ساکن میشوند. عده‌ای دیگر از آوارگان ساختمان خرابه‌ای روبروی شهر بان (هتل فارس) را روز یکشنبه ۵۹/۱۱/۱۲ مصادره میکنند و یورش پاسبانها و افسران شهر بان و توهین به جنگ‌دگان و تهدید آنها نمی‌توانند آنها را از ساختمان بیرون بکنند. عده‌ای از معلمان جنگ زده نیز ساختمان را در خیابان سعیدی مصادره میکنند و توطئه‌های پا سداران در مقابل اتحاد آگاهی آنها خنثی میشوند...

نقل از: آوارگان جنگ هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - شیراز

وقتی برای مردم جنگ زده تفراتی می افتد، هیچ وسیله نقلیه‌ای پیدا نمیشود... به نقل از "ندای آواره" شماره ۷

دولت سرما به‌دار حرف سرش نمیشه جنگ زده بی مسکن صبر سرش نمیشه

گروهی از جنگ‌دگان بی مسکن و ساکن مسافر خانه‌های شهر در روز چهارشنبه ۵۹/۱۱/۱۵ اقدام به مصادره ساختمان روبروی دانشگاه پزشکی که متعلق به سرما به‌داران فراری مانند شریعتی، مهاجرانی، بهمانکاران صنایع الکترونیک است، می‌کنند پا سداران سرما به‌دار طبق معمول به حمایت از اربابان سرما به‌دار خود به ضرب و شتم و دستگیری جنگ‌دگان مبادرت میکنند. پا سداران با یورش وحشیانه و تیر - اندازیهای مکرر شان جلوی ساختمان را به صحنه

۲۳۷۵۰ تومان حقوق ناقابل! يك استاندار "مکتبی"!!

اما خود چه میکنند؟! محمد غرضی استاندار مرتجع خوزستان، عامل شکنجه، اعدام و زندانی شدن بسیاری از انقلابیون در خوزستان که ادعا میکند زندگی شان ۲۳۷۵۰ تومان حقوق میگیرد. درجا شیکه اضافه حقوق کارکنان نیازمند دولت را قطع میکنند این استاندار "مکتبی" فقط ۲۲۵۰ تومان "فوق العاده" شغل ۳۰۸۰۰ تومان (بیش از حقوق یک کارگر زحمتکش) بعنوان "بدی آب و هوا" دریافت

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی ۲ سال است که فریبکارانه سنگ "مستضعفین" را به سینه می‌زنند و ادعا میکنند که همچون زحمتکشان مسا زندگی میکنند و "بانان پنیری می‌سازند! آنان جنگ ارتجاعی ایران و عراق را بهانه قرار داده و مرتباً از حقوق ناچیز کارگران و زحمتکشان می‌زنند، فوق العاده شغل و دیگر مزایای آنان را حذف میکنند و آنان می‌خواهند که به گرسنگی عادت کنند و به "کم" یعنی در واقع هیچ "قانع" باشند.

وزارت کشور
استاندارد خوزستان

لیست حقوق و مزایای کارمندان استانداری خوزستان در یکماهه

شماره	نام	مدرک تحصیلی	پایه	مزد پایه		مزایا		مجموع	توضیحات
				کسب	کسب	ماده ۴	ماده ۲		
۱۳۷	۲۳۷۵۰	۲۲۵۰	۳۰۸۰۰	۷۲۰۰۰	...	
۱۳۸	۲۳۷۵۰	۲۲۵۰	۳۰۸۰۰	۷۲۰۰۰	...	
...	

رفیق مسعود احمدزاده ستاره‌ای درخشان در آسمان جنبش کمونیستی ایران



با زده‌ها اسفند ۱۳۵۰، رفیق مسعود احمدزاده از بنیادنگاران سازمان چریک‌های فدائی خلق همراه با رفقای هم‌رزمان سدا لله و عباس مفتاحی مجدداً احمدزاده و سعید آرزین بدست مسز دوران امپریالیسم آمریکا بشهادت رسید و بدین ترتیب طومار زندگی پرافتخاریکی از بنیادنگاران جنبش نوین کمونیستی ایران در نور دیده شده. از سال ۴۲ به بعد، محافل و گروه‌های کوچک متعددی بر اساس درویشی‌نویسیم‌خوشگفیی شکل گرفتند و جنبش نوین کمونیستی را بنیان نهادند یکی از این گروه‌ها، گروه رفیق احمدزاده بود که بعداً سازمان چریک‌های فدائی خلق را بنیان گذاشت. این مرزبندی که متأسفانه از مرزبندی جهانی با رویزیونیسم مدرن برهبری حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی شکل‌مگرفت دو-صف را در مقابل یکدیگر قرار میداد، مفی از کمونیست‌های انقلابی جهان که در پشت سر رفیق ما شور علیه رویزیونیسم متعفن خوشگفیی میرزمیدند و صف دیگر مزدوران و هوادا سرما به-داری نوین شوروی که تحت پوشش ما رکسیسم بزرگترین خیانت‌ها را به ما رکسیسم مرتکب میشدند.

رفیق احمدزاده با برگزیدن عضویت صف ما رکسیست‌های جهان مبارزه را آغاز کرد. او در جزوه، مبارزه مسلحانه، هم استراتژی و هم تاکتیک برونش این مرزبندی جهانی را بیان میکند و همین برشردن ارتدادخائنین روسی و مزدورانشان در ایران یعنی توده‌ای‌های خائنین میگوید که ما رکسیسم-لنینیسم تنها در ضدیت با رویزیونیسم خوشگفیی و قرار دادن در صف کمونیست‌های جهانی، معنا پیدا میکند. اما سعید علی‌رغم کمونیست بودن رفیق احمدزاده در ایستادگی، در سیاست، دارای "انحراف اپورتونیستی" چپ میباشد، و علی‌رغم تاکید بر ضرورت رهبری پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک نوین ایران، نه تنها در جهت ایجاد بازار بین رهبری یعنی حزب طبقه کارگر ایران حرکت نمیکند، بلکه با برگزیدن شی غیر پرولتری چریکی، عملادرجهت ایجاد آن مانع نیز ایجاد میکند.

درواقع همان‌طور که لنین میگوید نغسود آن‌ا رشیم از ماضی حضور رویزیونیسم در جامعه گندیدگی و ابتدال حزب توده و رویزیونیسم از یکطرف، جوانی و کودکی جنبش کمونیستی از طرف دیگر، تبلیغات کاستریستی در سطح جهان موجب میشود که جنبش جوان کمونیستی ایران، در همان ابتدای حرکت خود دچار انحراف

بقیه از صفحه ۱۳ ضرورت...

نا درست خواندن حرکت آن‌ان، از رفقا خواست که مراسم ۱۷ بهمن را تنها به مناسبت ۱۹ بهمن برپا نما بدو همراه با سایر نیروهای کمونیست مراسم ۲۲ بهمن را در روز دیگری برگزار کنند، یا حداقل اگر نمی‌توانند تغییر در برپا نه خود بدهد، از راهیما شی ۲۲ بهمن که توسط نیرو-های کمونیست صورت می‌گرفت، پشتیبانی نماید لیکن رفقا مسئله را مسکوت گذاشته و عملاً هر دو پیشنها درآ رد نمودند، شاید هر اس از برگزاری مراسم مشترک در ۲۲ بهمن با سازمان‌های پیگیر کمونیستی بی ارتباط با اسرار رفقا مبنی بر عدم اعلام رسمی برگزاری مراسم ۲۳ دی از سوی نیروهای کمونیستی با شوبجز عدم درک ضرورت آلترنا تیو کمونیستی، هر اس از اتحاد عمل رسمی و علنی با نیروهای پیگیر کمونیستی، دلایل دیگری با شکه رفقا را بر آن میدارند که اعلام علنی اتحاد عمل فدائیان، سازمان پیکار ۰۰ را نپسندیده و در حرکت ۱۷ بهمن که دیگر هیچگونه محملی برای عدم اعلام علنی هویت برگزاری کنندگان مراسم وجود ندارد، خود به تنها شی دست به این حرکت زده و دچار اشتباه روز ۲۳ دی نگردند!

بهر حال آنچه بیشتر در اینجا مورد بررسی ما بود، ضرورت طرح آلترنا تیو کمونیستی و درهای گرانبها شی بود که مراسم ۲۳ دی به کمونیست‌ها موخت و رفقای فدائی (اقلیت) نتوانسته اند و یا نخواسته اند آن درها را فراگیرند، برخورد به گرایش را ستروانه رفقا در بر-خورد به رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم را که تبلور بارزش در اتحاد عمل با سایر نیروهای کمونیست نیز منعکس می‌گردد به فرصتی دیگر وامی نهم

ایران همراه بود، اکنون به کاریکا توری بدل کرده و با تکرار شعارهایی که مبارزه طبقاتی در دهساله کمونی می‌بهر باطل بر آن زده است، خود را ادامه دهندگان راه رفیق مسعود جلوه گرمیازند بعلاوه رفقای فدائی (اقلیت) نیز به پیوجو ادامه دهندگان راه رفیق مسعود نیستند، راه مسعود در مرزبندی انقلابی با رویزیونیسم خوشگفیی معنا پیدا میکند حال آنکه این رفقا با انحرافات رویزیونیستی خود درقبال رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم نشان میدهند که ادامه دهنده دیدگاه ضد رویزیونیستی مسعود نیستند. خا طره سرخ رفیق مسعود را با یستی با کوشش در جهت پیوند با طبقه کارگر، تدوین تئوری انقلاب و طرد رویزیونیسم گرامی داشت، چرا که این بهترین درامیدانت برای کمونیست‌های دلاوری چون مسعود است.

چریکی می‌گردد و اسالها دلاورترین و قهرمانترین فرزندان خلق را برای میکشاند که عملیاسود طبقه کارگر ایران نیست. اما علی‌رغم این انحراف نه چندان کوچک رفیق احمدزاده، هرگز نمیتوان دستاوردهای گرانقدر رفیق را در مرزبندی با شوروی رویزیونیست و رویزیونیسم خوشگفیی نفی کرد در واقع در ایران نیز با فتن راه صحیح مبارزه و تدوین تئوری انقلاب با مصیبت‌های فراوانی میبایست توأم میبود و اشتباهات جانبازها و دلاوریهای بسیاری را بخود می‌دید. در واقع رفیق مسعود آغازگر راهی است که ادامه و تکامل آن میبایستی توسط رفیق مومنی و سپس رفقای که قاطعانه با سوسیال امپریالیسم روسی مرزبندی دارد، طی شود. بدین ترتیب از یکسوادا مه دهندگان راه مسعود، هرگز خائنین اکثریتی، که اکنون مرتد شده و به مبلغین رویزیونیسم خوشگفیی و سوسیال امپریالیسم روس بدل گشته اند، نیستند. رویزیونیست‌های خائن اکثریت جرئت کرده و نام رفیق را در برین شهادی خود آورده اند، این مرتدان اگر جرئت دارند، ستونی از نشریه خود را اختصاص به نظریات رفیق در مورد رویزیونیسم خوشگفیی بدهند، نه آن‌ها نمیتوانند زیرا آن‌ها به راه انقلاب و به راه مسعود خیانت کرده اند. آن‌ها هرگز نمیتوانند با انتساب دلاوری چون مسعود با رخیا نشهای خویش را سبک سازند.

از سوی دیگر نمیتوان ادامه راه رفیق را گروه اشرف دهقانی کنونی دانست، آن‌ها حاسه رفیق مسعود را که با تراژدی جنبش کمونیستی

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

رزمندگان: تصفیه اپورتونیسیم به شیوه سانتریستی!

سرما به داری ایران به تروتسکیسم درمی غلطید در بر خورده با میریالیسم چا را انحرافکا شو- تنکستی بود که میریالیسم را بمنجا به پدیده ای سیاسی از بیایی می نمود. در اینجا ما در نقد نظرات رزمندگان در با رساخت جا مع توضیح دادیم و در اینجا او را خود مسحت نمی گردیم. بهر حال بر بستر چنین درک انحرافی از میریالیسم و پرورده استقرار بر ما به در ایران، رفقا انقلابی و فدا انقلابی بودن هر نیرو را در رابطه با موضع گیری اش در قبال سرما به تعیین نموده و بر بستر این درک تروتسکیستی، خرده بورژوازی مرفه سنتی را ارتجای از بیایی می نمودند. در عین حال بدلیل درکی از میریالیسم را نه می دادند، نیروی فدا انقلابی را عدم میریالیست معرفی میکردند. مبنای درک این تفکر بصورت فرموله شده چنین بیان میگفت: خرده بورژوازی مرفه سنتی از آنجا که در قدرت سیاسی قرار داشته و حافظ سرما به داری و بالطبع سیستم سرما به داری وابسته است، ضد خلق است، ولی از آنجا که در گریه های سیاسی نیز با میریالیسم دار د فدا میریالیست است!

تئوری رویزیونیستی - تروتسکیستی فد خلق - فدا میریالیست بر مبنای چنین درک سیاسی از میریالیسم قرار داد و در رابطه با گانیک میریالیسم را سرما به داری وابسته درک نمی

از دودیدگاه وارشن حقیقی مشی گذشت... "رزمندگان" بوده اند در اینجا بویژه روی سخن ما با رفقای رزمندگان است. چه در گذشته اپورتونیسیت منشعب، امروزه با صراحت آشکار خیانت خود را به ما رکسیسم-لنینیسم اعلام نموده است. وما وظیفه ای جز کوشش برای طرد این دارودسته که از همپا لکی های خجول اکثریت بشمار میروند، قائل نیستیم. اما کوشش ما در بر - خورده رفقای رزمندگان در این است که ما نترسیم و مماشات جوئی کنونی را که در عدم نفی انقلابی اکثریت قریب به اتفاق مواضع پیشین منعکس میگردد نشان داده و به سهم خود به آنها کمک نمائیم تا انحرافات سانتریستی خود را بنفع مواضع ما رکسیستی در هم شکنند.

تصفیه و اخراج چند عنصر اپورتونیسیت و بدنبال آن اعلام انشعاب اپورتونیسیتها از رزمندگان بی شک موفقیتی است برای جنبش کمونیستی در جهت پالایش صفوف خود از اپورتونیسیم و متحد نمودن جنبش کمونیستی. هم اکنون در بسیاری از نیروهای جنبش کمونیستی این پروسه تصفیه و پالایش صورت گرفته و هم اکنون نیز جریان دارد. این امر بی شک نشانه تکامل جنبش کمونیستی است. اما هرنگاه که با لایش صفوف خود را از اپورتونیسیتها بر طبق معیارها و پرنسپ های لنینی استوار نسازیم، هرگاه تنها به اخراج چند عنصر اپورتونیسیت اکتفا کنیم، و به تحلیل ما رکسیستی از انحرافات خود نپردازیم انحرافاتی که باعث رشد و گسترش اپورتونیسیم در صفوف ما گشته است، و ظهور اپورتونیسیتها را ناشی از توطئه "اتفاق" دست بالا بر خسی "سهل انگاریها" بدانیم...، آنگاه در حقیقت با بدبگوئیم اپورتونیسیم را از اندیشه خود تصفیه نکرده ایم، بلکه چند عنصر اپورتونیسیت را بصورت مکانیکی تصفیه نموده ایم. آنگاه چه کسی می تواند منکر شود که شواهد اپورتونیسیم موجود در اندیشه ما با ردیگر در تند پیچ دیگر از سانتریسم و التقاط شروع نگردد و به اپورتونیسیم وارد دامنش نشود با توجه به ضرورت پالایش صفوف جنبش کمونیستی از هرگونه اندیشه و مشی اپورتونیسیتی به بررسی کوتاه انشعاب در رزمندگان و وضعیت کنونی آنان می پردازیم.

* * *

برای هر ما رکسیست - لنینیستی که پدیده های نوین را نه بمنجا به اتفاقات "خلق الساعه" بلکه بمنجا به تکامل منطقی سیر تاریخی آن پدیده میگردانند، انشعاب در رزمندگان، وی را پیشین بود ماند؟

برای هر ما رکسیست - لنینیستی که پدیده های نوین را نه بمنجا به اتفاقات "خلق الساعه" بلکه بمنجا به تکامل منطقی سیر تاریخی آن پدیده مینگردانند، انشعاب در رزمندگان، وی را بر آن می دارد که بهر سرد رزمندگان و یا منشعبین کد امیک تکامل منطقی سیر تاریخی مواضع پیشین بوده اند؟ کد امیک التقاطها و سانتر- بسم ابتدا می رزمندگان را در هم شکسته و نتیجه محتوم انحرافات گذشته را مونیستی (یگانه) نموده اند. در بر خورده با این مسئله از جانب ما زمان رزمندگان و همچنین دارودسته منشعب اظهار نظر نشده است. یکی دیگری را به زیر پا گذاشتن مواضع انقلابی پیشین متهم نموده و خود را احیا کننده مواضع انقلابی پیشین می دانند و دیگری خود را تکامل دهنده مشی و پیشین می دانند که در نقطه جنگ این تکامل کیفی همچون جهتی در موضع رزمندگان صورت پذیرفت. ما از آنجا که از مناسبات درونی منشعبین زمانیکه در درون سازمان رزمندگان نبودند بی اطلاع هستیم، در مورد مناسبات درون سازمانی رزمندگان و اپورتونیسیتها ی منشعب اظهار نظر دقیقی نمی توانیم کنیم و همچنین قصد ورود به این مقوله را نداریم. آنچه در اینجا مورد نظر است توضیح این مسئله است که کد امیک

برای هر ما رکسیست - لنینیستی که پدیده های نوین را نه بمنجا به اتفاقات "خلق الساعه"، بلکه بمنجا به تکامل منطقی سیر تاریخی آن پدیده میگردانند، انشعاب در رزمندگان، وی را بر آن میدارد که بهر سرد رزمندگان و یا منشعبین کد امیک تکامل منطقی سیر تاریخی مواضع پیشین بود ماند؟

بررسی اصلی ترین خطوط فکری سیاست غالب بر شریه رزمندگان، چراغ راهنما می باشد. برای درک این مسئله که کد امیک از این دو جریان تکامل دهنده مشی گذشته پیشین بوده و آنگاه می توان در پرتو دست یابی به جواب این سؤال، انحرافات کنونی رزمندگان را بررسی نمود.

۱. امپریالیسم و ساخت جامعه: رفقای رزمندگان در بر خورده پدید آمدن میریالیسم چا را انحرافات کاژوشکیستی - رویزیونیستی بودند. رفقا درکی را که از میریالیسم را نه می دادند، درکی بود که میریالیسم را عمدتاً بمنجا به پدیده سیاسی "عامل خارجی" در ساخت سرما به داری وابسته بشمار می آورد. این نظرگاه که در جزوه تفاه و مرحله انقلاب حاکم بود، بعدها به سیاست غالب بر شریه بدل گشت. و بر اساس این دیدگاه و رشد سرما به داری در ایران "خود پوی" بوده و میریالیسم بمنجا به "عامل خارجی" تنها در تریخ این روند موثر بوده است! این درک که با خود بودیدن

گندوبدان بمنجا به پدیده ای سیاسی و خارجی مینگرد. بدین ترتیب خرده بورژوازی در درون جامعه در نوع رابطه با سرما به داری (وابسته) "ضد خلق" و در رابطه با عامل خارجی و مناسبات خارجی "فدا میریالیست" قلمداد میگردد. چنین است که بر اساس این تئوری تروتسکیستی - رویزیونیستی ابتدا کمیتهم - ل و سپس در شریه رزمندگان از خرده بورژوازی فدا انقلابی که دارای خطله های فدا میریالیستی است تا میرده می شود و حرکت سفارت یک حرکت ضعیف فدا میریالیستی قلمداد میگردد (رزمندگان ۲۵- بورژوازی یکسال و نیم بعد از قیام) و سپس منشا تفاه های خرده بورژوازی حاکم بمنجا به "ضاد نسبی خرده بورژوازی حاکم با میریالیسم و سرما به داری" قلمداد می شود. و اصولاً یکن تفکر "ضد خلق - فدا میریالیست" از شریه شماره ۱۳ رزمندگان خط مشی اصلی حاکم بر رزمندگان را تشکیل میدهد.

از طرف دیگر از بیایی انحرافی از ساخت جامعه و میریالیسم تنها با به تئوریک تضد

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

خلق - خدا میربا لیسیت خواندن خرده بورژوازی مرفه سنتی میگردد، بلکه در تقسیم بندی خرده - بورژوازی مدرن (نافی مناسبات سرما به داری) و خرده بورژوازی سنتی که حافظ مناسبات سرمایه داری است، نیز با به **تئوریک** ثنوری رویزبو - نیستی راه رشد غیر سرما به داری جیده میشود. ما در گذشته نیز این مسئله را مورد نقد قرار دادیم این ثنوری رویزبونیستی در برخورد به بخش مدرن و سنتی خرده بورژوازی در سر مقالسه "خرده بورژوازی و انقلاب" منعکس است. و بالا تره بر ستر ثنوریهای رویزبونیستی - ترونیستی که وضعیت طبقات را از زاویه نوع مناسبات و برخورد آنها نسبت به سرمایه (در مرحله انقلاب دمکراتیک) و نه از موضع گیری آنها نسبت به امیربا لیسیت و بیگانه داخلی آن سیستم سرما به - داری وابسته به امیربا لیسیت مورد بررسی قرار می داد، با لطف و ناگزیر مرحله انقلاب را دمکراتیک با مضمون سوسیالیستی ارزیابی می نمود. این ثنوری همان ثنوری رویزبو - نیستی - ترونیستی است که در جزوه تضادها و مرحله انقلاب به صراحت بیان میگردد و در نشریه رزمندگان در برخورد به راه کارگر میمنگس میشود و بالا تره همان دیدگاهی است که **سوسیالیسم** **خلفی** را در مرحله انقلاب دمکراتیک بنمایش میدهد.

۲- تحلیل از قدرت سیاسی:

بر اساس چنین درکی از امیربا لیسیت، ساخت جامعه، آرایش طبقات و مضمون مرحله انقلاب است که تحلیلی متناسب با آن از قدرت سیاسی بعمل می آید. هژمونی در قدرت بدست خرده بورژوازی مرفه سنتی معرفی میگردد و میا رزه درون هیئت حاکمه نه از مقوله تضادها و انقلاب و در چهار چوب حفظ وحدت، بلکه مبارزه طبقاتی حادی تصویر میگردد که خرده بورژوازی علیه بورژوازی و امیربا لیسیت به پیش می راند، درکی که در تداوم خود ناگزیر حیات از خرده بورژوازی حاکم را وظیفه خود قرار خواهد داد، درکی رویزبونیستی که "راه سوم" را تداعی می نماید. خرده بورژوازی حاکم از یک طرف ضد بولتاریا است و از طرف دیگر راه بورژوازی و امیربا لیسیت را نمی پذیرد و خواهان سنت دادن جامعه به راه مستقل خویش است. **مینای ثنوریک** حیات از خرده بورژوازی حاکم و "راه رشد غیر سرما به داری" که این خرده - بورژوازی باید طی نماید، در این نظرگاه بنحو برجسته ای منعکس میگردد.

از نظر ما رکیسم - لیسنیسم خرده بورژوازی در حاکمیت نمی تواند مدت زمان زیادی بسا **هویت** طبقاتی خود، **حضور** مستقل و **هژمونیستیک** داشته باشد. جفا قدرتیست به مستقلی برای هدایت سیاست و اقتصاد جامعه است. از اینرو خرده بورژوازی اگر در جامعه ای سرمایه داری حاکمیت داشته باشد، یا در پروسه ای کوتاه مدت

بوروکراتیزه شده برسان خرده بورژوازی حاکم به بورژوازی تبدیل میگردد (چرا که جزیرینا به بورژوازی راه دیگری برای اداره اقتصاد و سیاست جامعه وجود ندارد.) با اچکرد قدرت سیاسی با بورژوازی شریک باشد، به زیر پرچم رفته و برینا مهون راه اجزادرمی آورد. و در حقیقت هژمونی بورژوازی اعمال میگردد. تنها رویزبونیستهای خروشیفی و مناشران از آن هستند که خرده بورژوازی را از لحاظ سیاسی طبقاتی مستقل و با برینا مه سیاسی مستقل می - بندارند بر عزم آنها بر این اساس خرده بورژوازی می تواند در یک جامعه سرما به داری در حاکمیت هژمونی داشته و راه مستقل خویش را که هدیمان "راه رشد غیر سرما به داری" است بنمایند.

شماره ۱۳ منعکس میشود. و از آن پس مرتباً خطر کودتا و ضرورت اتحاد عمل بر علیه خدا انقلاب مغلوب گوشزد میگردد. زما نیکه روند اصلی جامعه کودتای بورژوازی و امیربا لیسیت علیه خرده - بورژوازی حاکم قلمداد میگردد، و زما نیکه خرده - بورژوازی حاکم بنسردارای خصلت ضد امیربا لیسیتی باشد روشن است که اتحاد عملی بر علیه خدا انقلاب مغلوب! و نه خدا انقلاب حاکم و در همسویی و حتی وحدت تاکتیکی با خرده بورژوازی و نه مبارزه - ای بر علیه ماشین دولتی بعنوان تاکتیستیک کمونیستها مطرح میشود.

آهسته آهسته نظرات رویزبونیستی در بر - خورده قدرت سیاسی و چشم انداز تاکتیستیک شدت میابد.

● جنگ نظرات ابورتونیستی گذشته راه تحولی کیفی و "مونیستی" تبدیل نموده و ابورتونیسم راه "سوسیال شو نیسم" محمول و سپس آشکار تبدیل ساخته است. سیاست رزمندگان ۳۴ در قبال جنگ چیزی جز ادامه سیاست رزمندگان در پیش از جنگ نیست.

با چنین تحلیلی از اوضاع جامعه، از قدرت سیاسی و از مبارزات خدا امیربا لیسیت خرده - بورژوازی حاکم و ضرورت اتحاد عمل بر علیه کودتا و امیربا لیسیت و خدا انقلاب مغلوب، جنگ ایران و عراق به ناگزیر گوش امیربا لیسیت برای برانداختن خرده بورژوازی حاکم که هژمونی هم دارد (رقبای رزمندگان حزب جمهوری اسلامی را خرده بورژوازی ارزیابی می نمودند) و دارای خصائل ضد امیربا لیسیتی است، قلمداد میگردد، حال چه کسی بر اساس چنین تحلیلی که نتیجه منطقی تحلیلهای ذکر شده است، می تواند جنگ را غیر عادلانه و ارتجاعی نداند؟! وجهی است که بتواند **بنیاد** داشتن چنین تحلیلی از اوضاع و احوال، ضرورت همسویی با خرده بورژوازی حاکم و سمورت مونیستی آن، حمایت از خرده بورژوازی حاکم و دفاع از خصائل ضد امیربا لیسیتی این را بنی کند؟

بنظر ما همان نظریه که ابورتونیستی منتصب متذکر شده اند مباح رویزبونیستی و انحرافی رزمندگان ۳۴ تا ۴۰ چیزی نیست جز "تکامل منطقی" و "مونیستی" نظرات پیشین، نظراتی که در مقاله ها و نوشته های رزمندگان ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ بصورت کاملاً با رزی خود نمایی میکند.

تنها جنگ نظرات ابورتونیستی گذشته را به تحولی کیفی و "مونیستی" تبدیل نموده و ابورتونیسم را به "سوسیال شو نیسم" تحول و سپس آشکار تبدیل ساخته است. سیاست رزمندگان ۳۴ در قبال جنگ چیزی جز ادامه سیاست رزمندگان در پیش از جنگ نیست.

۴- رویزبونیسم و سوسیالیسم امیربا لیسیت:

ما در برخورد به درکهای ترونیستی - رویزبونیستی رزمندگان نسبت به مغلوب رویزبونیسم و سوسیالیسم امیربا لیسیت مطالب قبچه در صفحه ۲۲

از اینرو تحلیلی سیاسی رزمندگان از قدرت سیاسی که از طرفی با اعتقاد به هژمونی خرده - بورژوازی در حاکمیت در عرض این دو سال توام است و از طرف دیگر برای خرده بورژوازی حاکم خصلتهای کم و بیش ضد امیربا لیسیتی قائل است متاثر از شواهد فکری رویزبونیسم خروشیفی بوده و مناشران چنین درکی "مبارزه طبقاتی" در بالا را مبارزه بین دوره (راه خرده بورژوازی و راه بورژوازی) دانسته و طبیعتاً روند اصلی جامعه را نیز چنین خواهد دید. "بمانند مبارزات رزمندگان نیز درک فوق را بروشنی بنمایش می گذارد و از رزمندگان شماره ۱۳ بیعدمیتا به خط سیر اصلی رویدادها در مقاله ها و در مقالات "بورژوازی یکسال و نیم بعد از قیام" منعکس میگردد.

۳- خط مشی تاکتیکی:

بر سر چنین سیستم فکری و چنین تحلیلی از قدرت سیاسی، همچنان که نظرات بعدی رزمندگان نشان میدهد، از آنجا که سیر اصلی وقایع، وحدت - یابی مبارزه طبقاتی بین خرده بورژوازی حاکم (که دارای هژمونی است) با بورژوازی لیبرال ارزیابی میگردد و از آنجا که بورژوازی لیبرال بعد از سفارت مواضع خود را یک سگ از دست میدهد، طبیعتاً چشم انداز آینده، **کودتای** از جانب امیربا لیسیت قلمداد میشود که بزعم رزمندگان از آنجا که بیگانه داخلی امیربا لیسیت در قدرت (بورژوازی لیبرال) تضعیف شده و خرده بورژوازی حاکمی است که روز بروز سیر تعارض با امیربا لیسیت و بورژوازی افزوده می - شود، امیربا لیسیت حتماً دست به کودتا خواهد زد. و تاکتیست کمونیستها در قبال این چشم انداز بصورت وحدت تاکتیکی با خرده بورژوازی حاکم که در عین حال دارای گرایش ضد امیربا لیسیتی است، در مقابل امیربا لیسیت و بورژوازی ایران تعیین میگردد. این مطلب در مقاله رزمندگان

لایحه ارضی رژیم: طنین طبل تو خالی برای فریب دهقانان!

انحراف کثافت‌نمده و متوقف‌نمانده، یعنی "اطلاعات" رژیم برای آن است که جلوی انقلاب توده‌ها را سد کند، درست همانگونه که رژیم شاه برای خواباندن جنبش دهقانی سالهای ۴۲-۴۳ اقدام به انجام "اطلاعات ارضی" امپریالیستی نموده در صورتیکه خواست دهقانان کوتاه کردن دست زمینداران بزرگ از تمام عرصه‌های زندگی - نشان میباید شد که تنها بوسیله تشکیل شورا‌های واقعی دهقانان و آنگاه در ارتباط با انقلاب دمکراتیک - ضدا امپریالیستی خلق و تخریبی طبقه کارگر، این امر امکان پذیر خواهد بود. بنا بر این هرگونه اقدامی (از جمله اطلاعات مذکور) که در مقابل انقلاب و برای متوقف نمودن آن صورت گیرد، اقدامی ارتجاعی بوده و اساساً به نفع دهقانان نخواهد بود.

حال با توجه به مسئله فوق که خود ما هیئت ارتجاعی لایحه ارضی رژیم را آشکارا میسازد، ما برای آنکه به ابعاد درازیم منافع توده‌ها و از جمله دهقانان بی ببریم بررسی این لایحه برداشته و خواهم دید که حتی نام "اطلاعات" نیز نمی توان بر آن نهاد!

برطبق این قانون زمینهای با بزرگ، موات و دولتی (بعمارت دیگر بیابانهای بی حاصل!) توسط هیئتهای ۷ نفری در میان دهقانان تقسیم میشوند و تنها در صورتیکه این زمینها کفاف کشاورزان را نکند، تحت شرایطی با راهی از زمینهای زمینداران بزرگ نیز تقسیم خواهد شد. که این قسمت طرح همان سند "ج" معروف است که اینک سرومادی فراوانی بر سر آن برآه انداخته اند، حال ببینیم معنای واقعی و عملی این طرح که نام "اطلاعات ارضی" گرفته است چیست؟

نخست آنکه برطبق این طرح تنها بیابانهای بی حاصل (که از نظر مساحت کم نیستند) بین کشاورزان تقسیم میشود یعنی همان کاری که آیت الله منتظری در نماز جمعه ۵۹/۵/۲۴ در قم گفت: "زمین بیابان خدا را بین آنها بی که ندادند تقسیم کنید!" دوم آنکه بغرض هم‌بفرس از این زمینهای بی حاصل و طبق سند "ج" زمینهای قابل کشتی هم بخواد هم میان دهقانان تقسیم شود، ببینیم چه گمانی مسئول تقسیم زمین هستند؟ هیئتهای ۷ نفره که ترکیبشان از این قرار است: دو نفر نماینده وزارت کشاورزی یک نفر نماینده وزارت کشور با استناداری محل بکنفرانجهاد زندگی، یک استندها دکتری با "دادگاه انقلاب" و دو نفر نماینده... ده... به عبارت دیگر بغرض آنکه نمایندگان دهقانان واقعی باشند.

حرکت در آمد. بطوریکه سرکوبگریهای پراکنده عوامل رژیم جمهوری اسلامی و حمایتهاشان از زمینداران بزرگ، نتوانست جلوی خشم بیدار شده دهقانان را خنثی کند. دهقانان خواهان تقسیم زمینها بوده و بدین منظور خود را با اقدامیکردند و حتی شوراها و تشکلات خاص خود را نیز برای دفاع از حقوقشان تشکیل داده بودند. بدین ترتیب مسئله ارضی با ردیکر بصورت مسئله ای میروم و دجلو گرد و در رژیم جدیداً در فکر "راه چاره ای" انداخت.

"راه حل" دولت با زرگان چیزی نبود جز افزایش شدت سرکوب دهقانان و اطمینان بخشیدن به فئودالها و زمینداران بزرگ مبنی بر اینکه رژیم در جدال بین کشاورزان و زمینداران حامی زمین دار است. بدینال این سیاست است که خطاهای پشت سرهم به کشاورزان انقلابی داده میشود و آنها را به "مجازتهای شدید" تهدید می کنند:

روز ۵۸/۳/۴ وزارت کشاورزی طی اطلاعیه ای اعلام میکند: "مجازتهای شدید در انتظار متجاوزان به ارضی غیر... است."
نماینده وزیر کشاورزی اطلاعیه ای اعلام میکند که: "برداشت محصول زمینهای معارضه شده زرگان و گنبدکوه زمینست." (آبندگان ۵۸/۳/۷)
استاندار فارس میگوید: "متجاوزین به ارضی کشاورزی فارس مجازات میشوند." (آبندگان ۵۸/۳/۲۴)

باخ دهقانان زمینکش به اس تهدیدها افزایش شدت مبارزه شان و گسترش آن بود. از اینرو در تابستان سال ۵۸ ما شاهد واچگیبیری جنبشهای دهقانی (نما دره انقلابی زمینهای زمینداران بزرگ، تشکیل شوراها و دهقانی و مقابله مسلحانه دهقانان در مقابل مزدوران زمینداران بزرگ و با سداران سرما به و... میباشیم.

بعدها ز سقوط دولت با زرگان، شورای انقلاب نیز سیاست دفاع آشکارا را مالکین بزرگ را همچنان ادا نموده و حتی گامی فراتر نهاده و برای دهقانانی که اقدام به معارضه زمین کنند مجازات اعدام تعیین میکند. تا اینکه سرانجام تحت تأثیر فشار جنبش دهقانی و برطبق روند عمومی سیاست رژیم همانا تظاهرات دفاع از منافع "مستضعفین" و زبتهای ضدا امپریالیستی بود، قانونی تحت عنوان "اطلاعات ارضی" به تاریخ ۵۸/۱۲/۸ به تصویب رسید. در بررسی این لایحه، آنچه که قبلاً از همه دارای اهمیت است ما به سیاست رژیم در اجرای آن میسازد. این "اطلاعات" منظور آن صورت میگیرد (تا زه اگر اجرا شود!) که جنبش انقلابی دهقانان را به

رشد جنبش دهقانی موجب مطرح شدن محدود مسئله ارضی بعنوان یکی از مسائل مبرم جامعه کشته است. در این رابطه اخبار سرومادیهای بسیاری حول "لایحه ارضی" مویبه سال گذشته رژیم و نا کید بر اجرای سند "ج" آن از جانب بخشهای ارتزیم و ریزینو بیستهای خادم آن، برآه افتاده است. از اینرو بررسی ما هت ارتجاعی این "اطلاعات ارضی" ضرورت میباید.

مسئله ارضی همواره یکی از مهمترین مسائل انقلاب دمکراتیک - ضدا امپریالیستی خلقهای ایران بوده است. این مسئله که در بیونست با زندگی توده‌های وسیع دهقانان میباشد موجب بروز جنبشهای متعدد دهقانی گشته که از آنجمله مبارزات توده‌های سالهای ۳۹ تا ۴۲ بود که امپریالیسم آمریکا و رژیم کارگزارش را وادار به انحصار فرما امپریالیستی ارضی نمود. بنا بر این "اطلاعات" بخشی از ارضی با بیرون - مرغوب میان دهقانان تقسیم شد و از طرف دیگر مناسبات سرما به داری و بسته در شهر و روستا گسترش یافت، که در مجموع نتیجه ای جز افزایش فقر و فلاکت دهقانان، جیباول آنها توسط بانکها و کهنه شدن توده‌های وسیع دهقانان از روستاها و سرازیر شدنشان به شهرها جهت پیوستن به خیل عظیم بیکاران، بهمراه نداشت به این ترتیب جنبش دهقانی نسبتاً افت کرد و محدود نمودن مسئله ارضی موقتاً به نفع بورژواکمپرادورها و فئودال کمپرادورها در دهان توده‌ها خفیف گشت.

در جریان واچگیری جنبش توده‌های سالهای ۵۶ و ۵۷، دهقانان تحرک بیمرات کمتری نسبت به سایر فاشا خلق از خود نشان دادند این امر بخاطر عواملی چون رشد مناسبات سرما به داری در کشور، نبود عنصر آگاه در میان دهقانان و پائین بودن سطح آگاهی عمومی آنها، پراکندگی و تنوع شرایط دهقانان در مناطق مختلف ایران و سایر عوامل بود. اما تحت تأثیر جنبش توده‌ای و گسترش خلق و بخصوص پس از قیام که به سارهای دستاوردهای دمکراتیک بهمراه نداشت و در کنار فعالیت نیروهای انقلابی در میان دهقانان، موجبات رشد آگاهی دهقانان و گسترش مبارزاتشان فراهم گردید. بطور کلی با بدگفت که مبارزات دهقانان عمدتاً بعد از قیام گسترش یافت در باره ای مناطق نظیر کردستان و ترکمن صحرا مبارزات دهقانان تحت تأثیر غلبه روابط فئودالی و تاخت و تا زفتودالها از یک سو و مسئله ارضی از سوی دیگر رشد جنبشگیری نمود و فئودالی دهقانان در این منطقه موفق به تشکیل شوراها و مسلح خود شده و متحدانه بر علیه تجار و زور و کوششهای فئودالها و مرتجعین منطقه بمقابله برداختند. آنها زمینهای زمینداران بزرگ را بقوه فیر انقلابی خویش معارضه کرده و مسترکساکت میگردند. در سایر مناطق نظیر شمال، فارس، بلوچستان، آذربایجان و... نیز موج معارضه زمینهای فئودالها توسط دهقانان فقیر و متوسط (و حتی در مواردی دهقانان مرفه) به

بزرگ و مکنندگان خون زحمتگان را گرفته است. موضعی که در تضافی آشتی نا پذیر با منافع دهقانان زحمتکش ایران قرار دارد.

رژیم مضمم گشته است تا جنبش انقلابی دهقانان را در کنکنا بر جنبشهای انقلابی توده ها، به انحراف گشاده و سرکوب کند. اما عتلا انقلابی حا کمر جرا معه و رشد و گسترش روز - افزون جنبش توده ها، حبله های رژیم را سی اثر کرده و تضافدهای درونیش را خا در ترمینما بد. از جمله در رابطه با مسئله دهقانان می بینیم که به رعم مخالف رژیم با اجرای بند "ج" از طسرح واگذار رژیمین، اخیرا نغمه های مخالف با این تصمیم از گوشه و کناره شنیده میشود. هر روز رژیم - ناهای جیره خوار رژیم گزارشاتی مبنی بر ترغیب دولت برای عدم اجرای بند "ج" منتشر میکنند. اما آنچه برای دهقانان زحمتکش ایران مهم است توجه به این واقعیت میباشد که: اولاً ما هیئت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی به اواجزه انجام کوچکترین اقدام انقلابی را نمی دهد. ثانیاً سروصدا های اخیر جراحی از رژیم مبنی بر اجرای بند "ج" و عوامفریبیهای خاشین رویزیونیست و مدیحه سرایان رژیم در اینباره، هدفی جز به انحراف کشیدن و سرکوب مبارزات انقلابی دهقانان نداشتند و ندارد. ثالثاً، بنا بر این بفرض اجرای بند "ج" از لایحه مذکور، تغییر در ماهیت ارتجاعی این "اطلاعات ارضی" رخ نمیدهد چرا که اجرای آن هدفی جز تلافی اثرزوی انقلابی دهقانان و سرانجام سرکوب آنها را دنبال نمیکند. به افشای لایحه "واگذاری زمین رژیم" و ماهیت بند "ج" آن بپردازیم! جنبش او جگر برنده و گسترده دهقانی را سازماندهی کنیم!

بقیه از صفحه ۲۰ رزمندگان...

زیادی در نشریات وضا شم پیکار نوشته ایم. از اینرودر اینجابه بررسی آن انحرافات نمسی - برداریم، تنها خوانندگان را به خواندن آن مقالات رجوع میدهم تا خود در بابنده که تزلزلات عمیق رزمندگان در برخورد به رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم چگونه دمدم افزوده میگشت و در جنگ اگر نزدیکی عراق به شوروی "چسب" خوانده میشود و بطور تلویحی با قرارداد شوروی در کناره خلق، سیاست های مترقی برای شوروی تصویر میگردد، این نه تنها امری غافلگیرکننده و عجیب نبود، بلکه نتیجه محتوم همان تزلزلاتی بود که در برخورد به رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم منکس میگشت و در نشریه رزمندگان ۳۳ به ما گلا تثار سیزه میگردد. سر - خوردیغایت راستروانه و حمایت آمیزا زویستام که در این شماره منعکس میگردد، نمی تواند به چنین برخوردی نسبت به شوروی منتج نشود و در اساس هر دو حکایت از تزلزلات عمیق رویزیونیستی دارد.

(ادامه دارد)

بند "ج" هم بنظر ایشان اینست که با توجه به شرایط کنونی ما بیشتر نیروها با نرافلا متمرکز در بند "الف" و بند "ب" از این طرح بکنیم. (جمهوری اسلامی ۵۹/۹/۴)

علیرغم این واقعیات رژیم که انکار خود را بر عوامفریبیها و دروغپردازیها پیش بنا نهاده است، به سلیفات خود در مورد طرح "اطلاعات ارضی" مذکور و اقدامات با صلاح انقلابی هیئت - های ۷ نعره، ادا نمیدهد. اما با دقت در گفته های مسئولین رژیم ما هیئت عملگردایسین هیئتهای "انقلابی" که خوشرفقی رویزیونیستهای خاشن توده ای و فدا انقلابیونی چون "امتی" ها را نیز سیرانگیخته است، آشکار میشود:

قبل از هر چیز برای آنکه بمیزان وحشت رژیم از مصادره انقلابی زمینها توسط دهقانان بی ببریم، سخنان حا کم شروع ستاد واگذاری زمین را نقل میکنیم که میگوید: "یک سلسله تغلفاتی که صورت گرفته بما نسبت میدهند و حتی زمینها را که ما ملکان و فئودالها از ترس کشاورزی گذاشته و فرار کرده بودند و کشاورزان خود قهر آنها را تقسیم کرده بودند، اینها را نیز به حساب ما گذاشته اند." (جمهوری اسلامی ۵۹/۱۰/۱۱) باید به این آقایان اطمینان داد که نترسید! دیگر کسی نمادند که در انتظار خام انجام عملی انقلابی از سوی شما باشد شما به همراه فئودالها و زمینداران بزرگ و سرما به داران در مصف مقابل زحمتگان قرار دارد و دهقانان امروز بیش از پیش به این واقعیت بی مبرنند.

اقدامات انقلابی آنها گواه این امر است. از سوی دیگر ما بنده جها دسا زندگی در هیئت واگذاری زمین وظیفه هیئتهای ۷ نفره و این چنین ترسیم میکند: "وظیفه این هیئت تنظیم قرارداد بین مالک و زارع میباشد." (همانجا) بدین ترتیب اولاً علیرغم تمامی تبلیغات رژیم مبنی بر "مخالفتن با فئودالها، در اینجا رسماً وجود آنها بعنوان یکطرف قرارداد داناشد میشود. ثانیاً رژیم وظیفه برقراری صلح ما بین زمینداران و دهقانان را بعهده میگردد! یعنی وظیفه آشتی دادن یک تضاد آشتی نا پذیر! روشن است که تحت حاکمیت سرما به این "صلح" بفتح چه کسانی تمام خواهد شد.

و بالاخره در گزارشی یکی از هیئتهای واگذاری زمین یکی از علل کاهش سطح تولید در سال گذشته "دلزدی و عدم اعتماد مالکین نسبت به آینده و در نتیجه عدم سرما به گذاری" ذکر شده است (کیهان ۵۹/۱۰/۱۳)

بدین ترتیب ما هیئت عملکردهای "انقلابی" رژیم در رابطه با "حل" مسئله ارضی و دیدگاه نهفته در پس کلیه عوامفریبیها، بیوضوح آشکار میشود. بررسی شما اعمال رژیم در این رابطه و نسبتها و تنها با نگریک واقعیت است و آنها را اینکه رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ما هیئت ضد خلقیش که وظیفه با ساری از سیستم سرما به - داری وابسته را بعهده گرفته است، در رابطه با مسئله ارضی نیز جانب فئودالها، زمینداران

کشاورزان را خواهد داد است در مقابل رای دولت که واضح است مدافع منافع چه کسانی است؟! بلاوه بفرض دادن زمین به دهقانان محروم با کدام امکانات مالی و تکنیکی به کنت بپردازند؟ توده های دهقانی که به شکرانه "کمکهای" رژیم در فقر و سینه روزی فرورفته اند مگر می توانند خود اقدام به کشت نما بند؟

با توجه به مطالب فوق، زمانی به عمق تضاد رژیم و مرتجعین حاکم با منافع توده ها پی میبریم که مخالفتهای "مراجع تقلید" و سایر مقامات رژیم را از فردای تصویب طرح مذکور، با بند "ج" آن، مشاهده میکنیم. اینان آنقدر مرتجعند که حتی از بیان کوچکترین حرفی که شیهه "بی احترامی به مقام مالکیت مقدس را در اذهان ایجاد کند، وحشت دارند!

آیت الله منتظری در همان نماز جمعه میگوید "در هر کجا که زمین موات هست باز زمین مصادره شده هست و لویک فرسخی و لود و فرسخی حق ندارد زمینهای کشت مردم (؟) را تقسیم کنند."

آیت الله روحانی میگوید: "اینگونه اصلاحات ارضی برخلاف اسلامی است و اگر در شورای انقلاب هم تصویب شده باشد شجره است." (با مداد ۵۸/۱۲/۱۶)

آیت الله قمی در دفاع از مالکیت و رد تقسیم زمین میگوید: "اسلامت فقه با مزارعه است و با مزارعه معنی اش اینست که یکی مالک زمین است خودش اهل زراعت نیست زمین را میدهد به دیگران که زراعت کنند و با آنها قرار داد میکنند... اینها همه اش را ما در سالها - بیان نوشته ایم همه هم نوشته ایم بکنفرودو نفر" (کیهان ۵۸/۱۲/۲۰)

همچنین آیت الله گلپایگانی در تاریخ ۵۹/۵/۴ و آیت الله محلاتی در تاریخ ۵۹/۸/۱۷ فتواهای مبنی بر مخالفت با طرح مذکور و حرام دانستن مصادره زمین، مازمی - کنند، و نمونه های بسیار دیگر که بر طبق اصل "ولایت فقیه" تنها یکی از آنها برای جلوگیری از اجرای طرح کافست! (رجوع شود به پیکار شماره ۹۲)

سرانجام آیت الله خمینی فرمان توقف اجرای طرح را داده و هیئتی مرکب از منتظری، بهشتی و مشکینی را برای بررسی بیشتر و دقیق - تر (؟) طرح ما مور رسیدگی میکند. آیت الله ربانی شیرازی نماینده ما موعوض شوروی نگهبان طی اطلاعیه ای موضوع را اینچنین عنوان میکند: "اما مات و بنیانگذار جمهوری اسلامی با توجه به موقعیت کنونی و جلوگیری از تضاد و اختلاف دستور فرمودند که بطور موقت مسئله واگذاری زمین متوقف شود." (انقلاب اسلامی ۵۹/۲/۳۰)

بهشتی مغز متفکر حزب جمهوری مسئله را اینچنین عنوان میکند: "در شرایط کنونی نظر امام اینست که برای اجرای بند الف و بند ب (یعنی تقسیم زمینهای سایر موات و بی حاصل - پیکار) تلاش کامل شود (؟) و در مورد اجرای

ویتنام و تزه‌های رویزونیستی "له‌دوان" (۲)



هما نظور که میدانیم معیار اساسی که کمونیست‌ها را از رویزونیست‌ها جدا می‌کند، مرزبندی با رویزونیسم و پورتونیسم است. امروز رویزونیسم در جنبش جهانی کارگری - کمونیستی خطر عمده را تشکیل داده و بدون مبارزه پیگیر و همه‌جانبه علیه آن مبارزه با روژوازی حرفی بجز ویی معنی است. رویزونیست‌ها عالمین بورژوازی در صفوف جنبش کارگری بوده و رسالت دارند تا از انقلاب پرولتاریا بی‌درهم‌شکستن ماشین دولتی سرمایه‌داری ممانعت بعمل آورند. بنا بر این کمونیست‌ها برای انقلاب سوسیالیستی و تصرف قدرت توسط پرولتاریا می‌جنگند نمی‌توانند علیه رویزونیست‌ها این خائنین به سوسیالیسم مبارزه نکنند. بخشی از این رویزونیست‌ها، مردان اروپائی بشمار می‌آیند. رویزونیست‌ها - های فرانسوی به سرکردگی ژرژ مازر، رویزونیست‌های ایتالیائی به سرکردگی برلینگوئور و رویزونیست‌های اسپانیائی به سرکردگی کاریلو... متحدان بورژوازی امپریالیستی بوده و پیوسته کوشیده‌اند تا با طرح راه - مسالمت آمیز و پالمانتا ریمس طبقه کارگر را در اسارت سرمایه‌گذاران درآیند. اینان پیوسته در مبارزات کارگران اغلال کرده و همیشه سعی کرده‌اند تا کارگران را با شعارها و سیاست‌های رویزونیستی و رفرمیستی از مبارزه انقلابی برای تصرف قدرت بازدارند. اینان مبارزات طبقه کارگر را نه برای رهایی کار، بلکه برای کسب امتیازات جزئی برای خود می‌خواهند. و پرواضح است تا زمانی که کارگران کشورهای سرمایه‌داری بوغ این خیانکاران مردود را به دور اندازند و انقلاب سوسیالیسم نخواهند رسید.

با پیروزی‌های پی در پی روزان انقلاب را نزدیک - تر می‌آیند.

هما نظور که میدانیم رویزونیست‌های اروپائی در تکرار به بورژوازی انحصاری و به قیمت چند کرسی در پالمانتا بورژوازی، انقلاب پرولتاریائی را فروخته و مدام هرگونه مبارزه انقلابی کارگران را خفه کرده‌اند. امروز این خائنین، ما را کمیسم لنینیسم را بدور انداخته‌اند. رهبر رویزونیست‌های اسپانیائی و قیبا نه اعلام داشته که لنینیسم کهنه شده و رهبر رویزونیست‌های فرانسوی خائنان مطروح ساخته که دیکتاتوری پرولتاریا را مانند دیکتاتوری فاشیستی می‌پندارند. حال این خیانکاران از نظر "له‌دوان" رویزونیست "پرچم سوسیالیسم" را به اهتزاز درآورده‌اند؟ مگر سوسیالیسم بدون انقلاب پرولتاریائی ممکن است؟ مگر لنین کبیر ما کتاب "دولت و انقلاب" را ننوشت تا بگوید پالمانتا ریمس خیانته به امر پرولتاریاست و سوسیالیسم تنها به انقلاب قهرآمیز سوسیالیستی ممکن است؟ پس چرا "له‌دوان" این حقایق را می‌پوشاند؟ زیرا او نیز یک رویزونیست مرتد است. او صحبت از نزدیک تر شدن انقلاب برائ رویزونیست‌ها می‌کند. رویزونیست‌ها می‌کنند، واقعا با بد پرسیدند: کدام پیروزی؟ و انقلاب چگونه نزدیک تر شده است؟ سالیان سال رویزونیست‌ها بر جنبش کارگری اروپا سیطره دارند و سالیان سال این جنبش را در محدود افکار رفرمیستی و پالمانتا - ریمستی مهار کرده‌اند و سالیان سال این جنبش را در چهار چوب سندیکا های ارتجاعی به بند کشیده و مانع از آن شده‌اند تا این جنبش، مسلح به سازمان طبقاتی خود گردد و به جنگ بورژوازی برود. آری مگر همین رویزونیست‌های فرانسوی نبودند که جنبش مه ۱۹۶۸ را محکوم کردند و کوشیدند تا در سازش با امپریالیست‌های فرانسوی آنرا خاموش سازند؟ آری مگر همین رویزونیست‌های ایتالیائی و اسپانیائی نیستند که معتقدند کشورهایشان با بد در چهارچوب پیمان امپریالیستی ناتویاتی می‌آیند؟ آری واقعبینان است که رویزونیست‌های اروپائی دشمنان طبقه کارگر اروپا بوده، از انقلاب پرولتاری و حشت داشته و با تمام قوا با مبارزات انقلابی مقابله می‌نمایند. آری واقعبینان

است که رویزونیست‌های اروپائی نه پرچم سوسیالیسم بلکه پرچم سرمایه‌داری و پالمانتا ریمس دست دارند و "له‌دوان" رویزونیست خود می‌بلد رفرمیسم و پالمانتا ریمس بورژوازی - کارگران اروپا می‌باشد، او خیانته را می‌پوشاند و بدین ترتیب فدیت خود را با انقلاب پرولتاریائی به نمایش می‌گذارد.

"له‌دوان" در ادامه ترهات رویزونیستی‌اش می‌گوید: "امپریالیسم به رهبری ایالات متحده از هیچ کوششی برای تدارک جنگ جهانی جدیدی فروگذار نکرده به روشی برای سرکوب جنبش - های انقلابی و پس گرفتن مواضع از دست رفته در هم کوبیدن جنبش‌های آزادیبخش ملی و جلوگیری از توسعه سوسیالیسم متوسل می‌شود." این واقعبینی است که امپریالیسم خونخوار آمریکا در راه اهداف توسعه طلبانه از هیچگونه جنابت و کشتار سرکوب و از هیچگونه غارتگری و جپاول دریغ نمی‌ورزد. اما این امر بخشی از حقیقت است بخش دیگری از حقیقت اینست که سوسیالیسم امپریالیسم نیز در رأس قطب آسیای سوئیگر امپریالیستی هیچ دست کمی از امپریالیسم آمریکا ندارد. مگر شوری از طریق صدور سرمایه و مبادله نابرابرین خلق‌های جهان را استعمار و غارت نمی‌کند؟ مگر شوری به افغانستان لشکرکشی نظامی امپریالیستی نکرد؟ مگر شوری در پی تدارک جنگ نیست و یکی از مهم - ترین سوداگران امپریالیستی اسلحه بشمار نمی‌آید؟ مگر شوری با امپریالیسم آمریکا رقابت امپریالیستی نمی‌کند و به همین منظور در کشورهای دیگر به ایجاد یگانهای نظامی امپریالیستی دست نمی‌زند؟ مگر شوری خلق ارتش را سرکوب نمی‌کند و با کمک تسلیحاتی به رژیم‌های مرتجع در سرکوب جنبش‌های کارگری و آزادیبخش شرکت ندارد؟ ... آری شوری نیز در صف دشمنان پرولتاریای بین‌المللی و خلق‌های جهان قرار دارد و "له‌دوان" این حقیقت را می‌پوشاند و این امری طبیعی است چرا که، و در رأس حزب ویتنام در کنار سوسیالیسم امپریالیسم شوری قرار دارد.

آری امروز در ویتنام که به قیمت شکنجه و کشتار میلیون‌ها زحمتکش و کمونیست از اسارت امپریالیسم با نگی رها شده، رویزونیست - نیست‌ها کاملاً کشته‌اند. این حقیقتی است که همه کارگران باید بدانند. خلق ویتنام در مبارزه علیه امپریالیسم و مرتجعین دلاوری‌ها و قهرمانی‌های بی‌شماری از خود نشان داد. او نشان داد که چگونه خلقی مصمم و تحت رهبری کمونیست‌ها می‌تواند بزرگترین ارتش‌های دنیا را شکست دهد. امپریالیستی را در هم شکند و آزادی را به کف آورد. این خلق درس‌گرا نیستی از مقاومت انقلابی به خلق‌های جهان داد. امپریالیسم رویزونیستی‌ها را با این همه دلاوری‌های قهرمانانه بلکه با مال کشته‌ها این همه دستاوردهای کرامت‌نقد می‌پوشاند و امروز این رویزونیست‌ها هستند که کاملاً پرویتنام می‌پوشاند. این حقیقتی است که همه کارگران باید بدانند!

تحریم اقتصادی "چه تاثیری بر واردات ایران از کشورهای امپریالیستی داشت؟!"

قیام شکوهمند ملت‌های ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ م. حیات تکلیف برپا داشت. دست‌های دجله‌خواران و امپریالیست‌های نوین بدلیل فقدان رهبری طبقه کارگر سرخوش انقلابی شده‌ها و سایرین بورژوازی توطئه و خرفه بورژوازی سرکشی با امپریالیسم به پیروی کاملی هتک‌های ایران منجر شد و از امپریالیسم ما شیون‌گرایان سرزاده‌های وابسته جلوگیری شد. تغییر رژیم به تبعیت از منجر شد و نمی‌توانست هم بشود و چنانچه آثار هتک‌ها شدت لازم برای این امور می‌باشد. در نتیجه بحران اقتصادی حاکم برجای مانده همچنان ادامه یافت و طبیعی بود که رژیم جمهوری اسلامی بخاطر تلاش در حفظ و تحکیم سرمایه‌داری وابسته موجب شدت یافتن این بحرانها گردد. یکی از آثار جنس بحرانی و استکی نیشنال اقتصاد کشور به همان امپریالیستی واردات و صادرات و کاهش واردات بود که در زمان حاکمیت دوساله جمهوری اسلامی بوقوع پیوسته و فاصله واردات و صادرات برآید. تبشیر شده است. علیرغم ادعاهای رژیم جمهوری اسلامی در حذف واردات "زائد" شاهد نیازی ز روز افزون بازارهای داخلی به کشورهای امپریالیستی هستیم. پس از اشغال "سفارت آمریکا" و مطرح شدن "محاصره اقتصادی" از طرف امپریالیست‌های غربی، رژیم جمهوری اسلامی بهانه‌های پیدا کرد که بحران اقتصادی حاکم را که تا پیشتر مستقیم سرگرانی، قحطی و تورم کم‌رنگ می‌گذاشت به این "محاصره" نسبت دهد و خود را از تیغ خشم نوده‌ها برهانند. اما واقعیت چیست؟ پس از خروج کابری "جاسوسان آمریکائی" و "اشغال سفارت"، امپریالیست‌های غربی برای تنبیه رژیم جمهوری اسلامی تصمیم به اعمال "تحریم اقتصادی" در مورد ایران گرفتند. این کشورها اعلام داشتند که بحران را در روئی، غذایی و پزشکی از فروش دیگر کالاها به ایران خودداری خواهند کرد. بدینال اعلام این "تحریم" با آگاهی‌های گوناگونی در روزنامه‌های کشورهای گوناگون و شدم که شرکت‌های مقیم دوسوی، اوبوئی، کویت و... آژانسی خود را برای تهیه کالاها می‌سورد (نیاز "بازرگانان" ایرانی از کشورهای اروپای غربی، آمریکا، کانادا و ژاپن اعلام میداشتند و چنین نمیشد. بیشتر واردکنندگان اقدام به خرید کالا از طریق واسطه‌ها و دلان مقیم شیخ نشینها... نمودند و تنها تغییر که حاصل شد کرائی کالاها بود که بخاطر کابری کالاها در شیخ نشینها و پرداخت حق دلالتی تعارضاتی به خریداران ایرانی تحمیل میشد و جو آبراهم مبلغونها صرف کننده ایرانی میکشیدند. علاوه بر این خرده‌ها، واردات مستقیم ایران از کشورهای امپریالیستی غربی نیز به تنهایی از این "تحریم اقتصادی" کاهش نیافت بلکه

افزایش قابل ملاحظه‌ای نیز پیدا نمود. طبق خبرگزاری پارس (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۶ بهمن ۵۹) صادرات فرانسه به ایران را در ۱۱ ماه سال ۱۹۸۰ (از دیماه ۵۸ تا آذرماه ۵۹) که صدالینه مقارن با تحریم اقتصادی گذاشتی است ۲۸۱۶ میلیون فرانک (حدود ۴۸۰ میلیون دلار) بود. در حالیکه در ۱۲ ماه سال ۷۹ برابر ۱۵۵۰ میلیون فرانک برآورد شده است. واردات ایران از انگلستان نیز در این مدت افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است و واردات ایران در سال ۱۹۸۰ از انگلستان برابر ۹۲۰ میلیون دلار (حدود ۶۵/۵ میلیارد دلار) بوده است که نسبت به سال قبل ۷۴ درصد افزایش نشان میدهد (میزان - ۲۷ بهمن ۵۹).

در مدت ذکر شده صادرات ایران به فرانسه نسبت به سال قبل از آن (۷۹) ۲۶ درصد کاهش داشته است. رژیم جمهوری اسلامی ادعا میکند که افزایش واردات از کشورهای غربی شامل محصولات بوده که "تحریم" نشده بودند اما آمار چه میگوید؟ طبق نوشته "جمهوری اسلامی (۱۶/۱۱/۵۹) صادرات مواد غذایی و کشاورزی... فرانسه به ایران در سال ۱۹۸۰ (۵۸ - ۵۹) نسبت به سال قبل (۷۹) ۲۳ درصد افزایش داشته است. اما مقایسه آمار کل صادرات فرانسه به ایران در این دو سال نشان میدهد که کل صادرات فرانسه به ایران در این مدت دوبرابر شده است یعنی به زبان دیگر در مقابل ۲۳ درصد افزایش صادرات کالاهای "تحریم" نشده فرانسه به ایران، کل صادرات فرانسه به ایران ۱۰۰ درصد افزایش پیدا کرده است!

ارقا مذکور شده در بالا دروغ بزرگ رژیم جمهوری اسلامی را در مورد "واقعیت" و "حقوقی تحریم اقتصادی" ادعائی نشان میدهد. ما در شماره - هلی گذشته بینکار را ارائه مدرک و اسناد نشان داده‌ایم که جمهوری اسلامی بویژه پس از شروع جنگ ارتجاعی کنونی مباردت به خرید تسلیحات از کشورهای امپریالیستی غربی نموده است و نیز در مقالات متعدد نشان داده‌ایم که در یکسال گذشته (پس از اشغال سفارت رژیم جمهوری اسلامی مبالغ هنگفتی اسلحه ایران، هند، آلمان غربی و آمریکا خریداری کرده است. آمار ترخیص کالاهای در کمالات بنا در جنوب (که کالاهای کشورهای امپریالیستی غربی را شامل میشود) نیز نسبت به سال گذشته نشان دهنده دوبرابر شدن میزان کالاهای وارداتی از سایر فوق‌الذکر میباشند چنانکه اشاره شد، بحران اقتصادی را شیبده سرمایه‌داری است و بویژه در کشورهای سرمایه‌داری وابسته شدت این بحران بمراتب بیشتر است و یکی از عوارض این بحران وابستگی بیشتر به اقتصاد امپریالیستی و افزایش

نسخه ۱۴ صفحه ۱۴ اطلاعیه
سال فعالیت در کمیته علمی الفتن، جندی قنبل با نظر موافق سفارت فلسطین در ایران، در درصد رفتن به خاور میانه و تماس با کمیته علمی وابسته به فتح در بیروت مشهودا خاره خروج از طرف ادا کرده‌ها ایران نیز به اعتبار نامه رسمی سفارت فلسطین به مقامات خاص هاسی - الحسن برای وی صادر گردید که گویا به هنگام رفتن به سفارت سوریه در تهران جهت اخذ ویزا توسط رژیم جمهوری اسلامی دستگیر و بازداشت شده است. تا آنجا که مربوط به سازمان میشود با بدگوشی که رفیق فاضل بعد از تمام به عنوان عضو لیگه بعنوان یک سمیات در کنار رفیق کسبی علمی اش در ارتباط حاشه‌ای با سازمان بوده و معرفی او بعنوان یک کادر اصلی سازمان دروغ توطئه آمیزی بشی نیست. به این ترتیب رژیم جمهوری اسلامی فقط می‌تواند زمان ما و افرادی نظیر رفیق محسن فاضل را بحرمها و مبارزه علیه امپریالیستها، صهیونیستها، سرمایه‌داران و بحرم مخالفت با ارتجاع جمهوری اسلامی متهم نماید. دروغهای وقیحانه‌ای نظیر "بینکار آمریکا" و "بیا همکار با آمریکا" فقط پوششی برای پوشاندن چهره پلید سرداران حکومت ولوت نمودن چهره درختان کمونیست‌هاست که هم اکنون مبارزه با امپریالیسم را از مبارزه با حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی جدا نمی‌دانند. آنها برای پوشاندن چهره خویش تا چاره ملوت نمودن چهره کمونیست‌ها هستند و این شیوه همه مرتجعین تاریخ بوده است.

در پایان ما به کارگران و زحمتکشان ایران به همه کمونیست‌ها و انقلابیون نسبت به جان رفیق محسن فاضل هشدار میدهیم. رژیم جمهوری اسلامی ایران در ادامه مقابل جوشش مبارز کارگران و زحمتکشان و در ادامه سرکوب و فشار علیه آنان از آنجا که بتدریج زوال اجتناب ناپذیر و تاریخی اش او را نگران نموده است. بیش از پیش وبه شکل وقیحانه تر و وحشیانه‌تری به سرکوب کمونیست‌ها، ترور مخالفین و تبلیغات زهرآگین علیه آنها دست زده و خواه هدر زدن کارگران و زحمتکشان ایران از همه توده‌های آگاه روزمنده ایران و از کلیه نیروهای انقلابی و کمونیستی می‌خواهیم که در مقابل توطئه‌های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی به افشای آن پرداخته و از شرافت انقلابی مبارزین نظیر رفیق محسن فاضل جدا ندهند و دفاع نمایند.

رژیم جمهوری اسلامی زنده باد! مقاومت دلاورانه کارگران و زحمتکشان ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم برقرار باد! جمهوری دمکراتیک خلق سازمان بینکار در راه آزادی طبقه کارگر ۵۹/۱۲/۷

واردات کالا از کشورهای امپریالیستی است و جمهوری اسلامی نیز نمیتوانست (و نمیتواند) از این قاعده عمومی مستثنی باشد.

یاد رفیق کبیر استالین را گرامی بداریم!

دولت تزاری مجلس موسان همگانی را نخواهد پذیرفت، دولت تزاری به خودکامگی خود پایان نخواهد داد - او این چنین ادامه خواهد داد! "قانون اساسی" ناقص و دم‌بریده "قابل قبول" و یک تسلیم موقتی است و چیزی جز وعده رباکارانه تزاریسم نمی باشد! ما بدون شک از هرگونه عقب نشینی تزاریسم و موقعیت مسامحه در تحقق امر سرنگونی تزاریسم استفاده خواهیم کرد. اما این حقیقت واضح و آشکار است که توده ها نمی توانند وعده های تزاریسم اطمینان داشته باشند. تکیه گاه فاسد اعتماد آنها فقط خودشان میباشد، آنها با یستی فقط به قدرت و توانائی خود متکی باشند، آزادی خلقها توسط خود آنها حاصل و فراهم میگردد. بنای آزادی فقط بوسیله دستان قدرت - مند خلقهای تحت ستم برپا میشود، حاصلخیزی زمین حکومت خلفها، فقط با خون سرخ ستمدیدگان میسر است! فقط آن زمان که توده های مسلح تحت رهبری پرولتاریا متشکل شوند و پرچم قیام عمومی را به اهتزاز در آورند، می توانند دولت تزاری متکی به سرسبزها را واژگون کنند. نه عبارات توغالی وسی معنای، نه تزیینات محتوای "خودمسلح سازی"، بلکه تسلیم واقعی و حقیقی و قیام مسلحانه! و این همان تلاش و پیشروی کنونی پرولتاریای سراسر روسیه می باشد.



استالین را دشمن خود میدانند. همه استالین مرتجعین میکوشند تا نام رفیق استالین را با توطئه سکوت و با کثیف ترین اتهامات ضد انقلابی بفراموشی سپارند. اما آیا میتوان مهر استالین که یکی از رهبران کبیر پرولتاریا و خلقهای جهان است را از قلبهای کارگران و زحمتکشان سراسر گیتی پاک کرد؟ نه، هرگز! ما رکیست لنینیستها که وفادار به انقلاب و سوسیالیسم میباشیم همیشه خاطر رفیق استالین را گرامی داشته و پرچم سرخ او را همچنان در اهتزاز نگاه خواهیم داشت. ما در سالروز گذشت رفیق استالین یک نوشته روزنده و راه طبقه کارگران تقدیم مینماییم:

این قیام بیرو زمیندانه است که دولت را مغلوب خواهد کرد. اما دولتهای شکست خورده و مغلوب شده اغلب دوباره برخاسته اند و ممکن است در مملکت ما نیز چنین شود. فردای پس از قیام، نیروها و عوامل ارتجاعی که هنگام وقوع قیام درکنجی لمدیده بودند از گورهای خود بیرون خزیده و کوشش خواهند کرد که دولت را مجدداً به روی کار آورند. این چنین است که دول مغلوب دوباره بیا میخیزند. توده ها البته با یستی از اقدامات این عوامل و نیروهای ساه جلوگیری بعمل آورند. آنها را منهدم سازند! اما برای انجام این امر، توده های مسلح بیروزی از قیام با یستی از بیروز جوان متشکل در ارتش انقلابی با پشتیبانی کامل از انقلاب سراسر استفاده از قیام را اقدامات عوامل مزدور و ارتجاعی جلوگیری بعمل آورند.

فقط آن زمان که توده های بیروز در ارتش انقلابی متشکل شدند قادر خواهند بود که به انهدام نیروها و عوامل ساه و مخفیگاه آنها بپردازند. فقط ارتش انقلابی است که به اقدامات حکومت موقت نیرومدهد. فقط حکومت موقت است که میتواند مجلس موسان عمومی که با یستی جمهوری دموکراتیک را برقرار سازد

در مارس ۱۹۵۳ رفیق کبیر ژوزف استالین درگذشت و با مرگ خود جهان زحمت و کار را در اندوه بزرگی فروبرد. رفیق استالین بعد از مرگ لنین بزرگ بمدت ۳۰ سال در رأس حزب بلشویک و کشور شوروی سوسیالیستی قرار داشت. و در طی این دوران در هدایت ساختمان سوسیالیسم نقش برجسته ای بعهده داشت. او با اتکا به تزلنینی ساختمان سوسیالیسم در یک کشور با اقتصاد سوسیالیستی آهستین حزب را در پیشرفت اقتصاد سوسیالیستی هدایت کرده و طی مبارزات سر سختانه ای خط مشی های ضد انقلابی و تسلیم طلبانه تر و تسکینی و یوکارین را درهم شکسته و نشان داد که لنینیسم بگانه خط مشی پرولتری در راه ساختمان سوسیالیسم بشمار می آید. در جنگ جهانی دوم رفیق استالین در هدایت مبارزات ضد فاشیستی سراسر گیتی و در شکست فاشیسم هیتلری نقش ارزنده ای ایفا نمود و نشان داد که امپریالیسم و فاشیسم قادر به درهم شکستن سوسیالیسم نمی باشند. استالین در رأس حزب بلشویک و فادار به انترناسیونالیسم پرولتری بود و با حمایت و پشتیبانی سوسیالیست پرولتاریای بین المللی و خلقهای رزمنده جهان نشان داد که پرچم را انقلاب و سوسیالیسم است.

آری نام رفیق استالین با تاریخ بیروزی - های سوسیالیسم و شکست بورژوازی عجیب است. نام رفیق استالین با تاریخ مبارزه طبقاتی پرولتاریا و انقلاب پرولتری گسره خورده است. استالین مظهر ساختمان سوسیالیسم شکست سرما به داری و فاشیسم است و به همین خاطر است که تمامی مرتجعین جهان کینه توزانه به او حمله میکنند. همه امپریالیستها، همه سرما به داران، همه دولتهای ارتجاعی، همه رویزیونیستها، همه تر و تسکینتها... بدرستی

★ به همه کارگران!

طوفان انقلاب می غرد! خلق های انقلابی روسیه مملو استوار برای برانداختن دولت تزاری بپا خاسته اند! پرچم های سرخ در اهتزازند، سنگرها بنا شده اند، طوفان توده های مسلح، موسسات دولتی را یکی پس از دیگری منهدم می کنند، فریادهای دلاورانه از همه جا شنیده می شود، امواج فروکش شده دوران رکود، بانک پر - جوش و خروش میشود، کشتی انقلاب تحت رهبری پرولتاریای روسیه با سرعت هر چه بیشتری دپای آزادی را می پیماید.

پرولتاریای روسیه خواستار چیست؟ و به کجا میرود؟

انهدام مومای تزاری و برقراری مجلس موسان - این است خواست پرولتاریا در حال حاضر پرولتاریا خواهان گرفتن امتیازات جزئی از دولت نیست، او خواهان انقاید "حکومت نظامی" و "شکنجه" در بعضی دهات و شهرها نیست، پرولتاریا در برابر این چنین خواسته های جزئی

حاضرنا بعد ارتش انقلابی و حکومت انقلابی موقت - تلاش کنونی پرولتاریا در جهت تحقق آرمانهایش میباشد.

این راهی است که انقلاب روسیه انتخاب کرده است. این مسیری است که پیروزی خلق را هدایت میکند و پرولتاریا خواهان آن است که کلیه نیروهای خلقی در این راه گام بردارند.

حکومت مطلقه تزاری سعی در مسدود کردن مسیر انقلاب توده ها دارد، او با کمک سبانه ای که دیروز انتشار دادخواست بازداشتن این جنبش عظیم را داد - امواج درباری پر جوش و خروش انقلاب بروشنی دولت تزاری را منهدم کرده و آنرا به زیاله دان تاریخ خواهد سپرد...

آنان که از مسیر پرولتاریا میگریزند - تنفرو حقارت بر آنان با د! آنان که در کمال پستی و زبونی و خواری به انقلاب خیانت می کنند شرم بر آنان که در چنین مسیری ره می سپرند! در حقیقت آنها با پستی تمام از حقیقت میترسند!

ما از حقیقت و انقلاب ترسی نداریم! بگذار رشتن در انقلاب هر چه شدید تر بفرود! بگذار طوفان انقلاب خشمگینانه تر طغیان کند! ساعت پیروزی نزدیک است!

و پس شعرهای پرولتاریای روسیه را با جرات بیشتری اعلام کنیم:

مرگ بردوای دولتی!
پیروز با د قیام مسلحانه!
پیروز با ارتش انقلابی!
پیروز با حکومت انقلابی موقت!
پیروز با مجلس موسان همگانی!
برقرار با جمهوری دموکراتیک!
پیروز با د پرولتاریا!
(استالین - کلیات آثار - جلد یکم)

بقیه از صفحه ۱۵ کمونیستها...
رفقای هوادار سا زمان چریکهای فدائشی خلق (اقلیت) و رفقای فدراسیون کارگران و دانشجویان ترکیه نیز قراشتند. این برنامه موفق ۵ ساعت بطول انجامید.

**بزرگداشت سالگرد
قیام بهمن در قم**

بهمن سبت بزرگداشت قیام مهرشکوه بهمن ۵۷ رفقای هوادار سا زمان در قم با فعالیتهای مستقل و نیز در همکاری با رفقای هوادار سا زمان "وزمندگان" با انتشار تراکت و پخش نشریه و... پیام خونین انقلاب را به میان توده های زحمتکش برده و با تبلیغ لزوم رهبری طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک و... دستاوردهای قیام را گرامی داشتند.

بقیه از صفحه ۱۵ لایحه...

قلمداد میکنند. و آنجا که بای با داران بمان کشیده میشود، این چنین آنها را تیرش میسما بد: "۱" لایحه کشیدن یک با سادار به روی مردم با توجه به شناختی که از با ساداران داریم چه چیزی را نشان میدهد؟ حزیک اشتباه و خطا؟! او بدین ترتیب با تطهیر اعمالین کشتار سرسیردگی خودو سهم بودنش در این جنایت را اثبات میکند.

مردم مبارز کاخک و کتاباد!

این واقعیکار دیگر ما هیت ضد مردمی و سرگوبکرانه رژیم جمهوری اسلامی و ازگانهایش را به نمایش گذارد، و نشان داد که در میان جناحها و دسته بندیهای رژیم خوب وجود ندارد، همگی خواهان سرگوب مردم و انقلابیون هستند بنا بر این از این پس با بدهرچه آکاها نه تر و

بقیه از صفحه ۶ ضریات...

کوبگران اموال چند منزل را غارت کردند و مردم را جمع کرده و از آنها خواستار تحویل اسلحه شدند. ولی با مقاومت روستائیان مواجه شده و ۸ نفر از آنها را دستگیر و با خود بردند طی این مدت دودسته از پیشمرگان کومه له (پل شهید جلال) که در منطقه بودند بطرف نیروهای دشمن حرکت کرده و در مسیر ستون به کمین شتافته بودند. در ساعت ۱۲ ظهر هنگامیکه ستون برای ادامه اعمال جنایتکارانه اش از زم روستاهای مجاور بود، به کمین پیشمرگان کومه له افتاد و زیر آتش سلاحهای سبک و سنگین آنها قرار گرفت دشمن که پس از ورود بدون درگیری خود بروستای "که رجو" انتظار چنین حمله برقی آسا و کوبنده ای را نداشت، سراسیمه و وحشت زده نیروهایش پراکنده شد و از پیشروی بازمانده و مجبور به عقب نشینی گردید. درگیری دوساعت ادامه داشت و طی آن تلفات زیادی به ارتشیان و جانشینان و با ساداران وارد آمد. در تمام طول مدت درگیری روستائیان رزمنده و زحمتکش فعالانه در سنگرها به پیشمرگان کمک میسرا نندند. در جریان عقب نشینی ستون یک زیل و یک جیب دشمن بدره سقوط کرد که در نتیجه آن عده ای کشته و زخمی شدند. از مجموع تلفات دشمن در این نبرد اطلاع دقیقی در دست نداریم. پیشمرگان بدون هیچ گونه آسیبی به پایگاههای خود بازمیگشتند (خبرنامه ۱۱۲ کومه له)

**ضمیمه تئوریک - سیاسی (۲)
منتشر شد**

پیکار

هار کیسیسم - نینیسیم و دیدگاه اپورتونیستی

"تشیکیات دوران گذار"

پیکار، دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۵۹، شماره ۹۶، ۱۱ اسفند ۱۳۵۹

پیکار، دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۵۹، شماره ۹۶، ۱۱ اسفند ۱۳۵۹

متحد تر مبارزات خود را پیش ببرند. در این راه تمامی نیروهای انقلابی و کمونیست های راستین دوشادوش شاکر حرکت خواهند کرد کمونیستها از برجسیها و تهمتیهای که مرتجعین بدانان میزنند با کی نداشتند و در راه منافع کارگران و زحمتشان از نشان رجان خود نیز دریغ نمی ورزند. اما آنچه را که بنا بداند نظر و برداشت اقدامات دوستان دروغین مردم میباشد. اینها که از وابستگی و حامیان پروپا قرص رژیم جنایتکار شاه میباشد. "بهنگام" اعمال ضد مردمی رژیم کنونی، خود را مدافع مردم میزنند. اما در حقیقت آنان مدافع رژیم حاکم می باشند.

با تمام قوا به افشای اعمال ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی بپردازیم! مبارزات خود را تنها با اتکا به خود و کمونیستهای راستین به پیش ببریم!

**توطئه تنگین ترور رفیق
مسئول کومه له در آشنویه
را محکوم می کنیم**

خاستن به خلق و مزدوران امپریالیسم و ارتجاع که از اجگری جنبش مقاومت خلقی قهرمان کرد و پیوند هر چه بیشتر انقلابیون کردستان با خلق کرد به وحشت افتادند، برای تا مین منافع ارتجاعی خود و ضرب زدن برجین انقلابی خلق کرد از هیچ جنایتی فروگسار نیستند. آنها دشمنی خود با نیروهای انقلابی در کردستان را به انگال مختلف عیان میکنند که از نمونه های اخیر آن، توطئه خاشانه ترور رفیق مسئول کومه له در آشنویه بود که توسط این مزدوران ترتیب داده شده بود.

روز ۱۶ بهمن مزدوری با سروری بسته، رفیق مسئول کومه له در آشنویه را از فاطمه چند متری به رگبار مسلسل میبندد اما خوشبختانه این توطئه ضد خلقی و خاشانه عملی نشده، رفیق مسئول کومه له با امانت یک گلوله زخمی میگردد و مزدور ترور رست با بغرامی گذارد.

این گونه توطئه های مذسوحانه که از جانب محافل ضد انقلابی طرح و برنامهریزی میشود، جز در خدمت حاکمیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و مزدوران امپریالیسم و سرگوب جنبش خلق قهرمان کرد نمی تواند باشد. ما ضمن محکوم کردن توطئه جنایتکارانه ترور رفیق مسئول کومه له در آشنویه، در مورد توطئه های ننگین و جنایتکارانه محافل مزدور و ضد انقلابی در جهت بشکست کشاندن جنبش خلق کرد برای تا مین منافع کثیف خودشان، به کمونیستها و نیروهای انقلابی و خلق قهرمان کرد هشدار می دهیم!

۱۷ اسفند روز بین المللی زنان کارگر و زحمتکش گرامی باد!

"هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نمی‌رسد." (لنین)

ستم و گناهانه بر زنان زحمتکش یکبار بخاطر زحمتکش بودن آنان وارد بگریختن بودن آنهاست. در جمهوری اسلامی نیز مانند همه جوامع سرمایه داری نه تنها زنان زحمتکش همای مردان زحمتکش سرکوب و استثماری می‌شوند، بلکه شخصیت انسانی زنان نیز دستخوش تحقیر قوانین قرون وسطایی است.

علیه امیریا لیسیم و سرما به داری است که... میتوانند به همه ستم‌های جا مع سرما به داری نسبت به همه زحمتکشان و نیز زنان با ستم بخشند. تنها در جا مع سوسا لیسیتی است که نه تنها دیگران زستم و استثماری رخصی نیست، بلکه زنان و مردان زحمتکش از حقوق مساوی برخوردار دارند. اگر در جا مع سرما به داری زنان از داشتن حقوق مساوی با مردان برخوردار نیستند اگر در سرما به داری نقش زنان تا سرحد ارضاء امیال جنسی یا شین آورده می‌شود و... در سوسا لیسیم زنان بدون ایجاد مانعی در ساختن

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



در ۱۷ اسفند ۷۳ سال پیش (۱۹۵۸ میلادی)، زنان کارگر نیوجرسی آمریکا برای بدست آوردن حقوق سیاسی برابر با مردان، دریافت مزد مساوی در برابر کار مساوی با مردان، بدست آوردن امتیازاتی اقتصادی و عمدتاً سیاسی دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات توسط پلیس سرکوبگر سرما به داری آمریکا بخون کشیده شدند. کارگرانی که در زمان جنبش کمونیست آن زمان (چندی بعد، این روزها به عنوان روز همبستگی زنان کارگر جهان اعلام کرد) زنان کارگر و زحمتکش و تمامی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران نیز خاطره مبارزات قهرمانانه زنان کارگر آمریکا بر علیه سرما به داری را در این روز در شرايطی گرامی میدارند که خود در جمهوری اسلامی شديداً زیر فشار ستم و گناهانه قرار دارند از یک طرف بخاطر زحمتکش بودن، استثماری و غارت میشوند و شیره جان نشان در کارخانه ها و مزارع و کارگاهها توسط سرما به داری و همه مفتخوران مکیده میشود و در مبارزه خود مانند مردان زحمتکش سرکوب میگردد از طرف دیگر ستم دیگر نیز بخاطر بودن بر آنها روا داشته میشود.

رژیم جمهوری اسلامی شخصیت انسانی زنان را تحقیر کرده و عملاً نصف ارزش مردان را برای وی قائل است. زن نیمی از ارزش را در مقایسه با مردان نمیرد. حق قضاوت را ندارد. حق انتخاب شغل به شیوه‌های گوناگون از او سلب میگردد. مزد زنان زحمتکش در مقابل کار مساوی با مردان از مردان زحمتکش کمتر است و سرما به داری با استثماری زنان، پول بیشتری به جیب میزندان حق طلاق با مردان است و زنان از حقوق مساوی در ارتباط با مسائل خانوادگی، اداره فرزند و... برخوردار نیستند. جمهوری اسلامی بعنوان یک دولت سرما به داری با وقاحت تمام ارزش انسانی زنان را که مانند مردان در تولید اجتماعی شرکت دارند - دور میندازد. مبارزات انقلابی جان میبازند، نفی کرده و بطرزی شرم آور آنها را تا سرحد انسانی برای بر آوردن "تیا جنسی" پاشین می‌آورد. در جمهوری اسلامی نه تنها یک مردمیتوانند با چندین ازدواج کنند بلکه با برسمیت شناختن "صیغه" در واقع فحش رسمی را داد - میزند و به شخصیت زنان توهین میکند اکنون در بسیاری از کارخانجات و ادارات

جامعه ای آزاد و در حرکت بسوی جامعه ای بدون طبقه همیای مردان شرکت دارند، زنان زحمتکش ایران برای رسیدن به چنین جامعه ای با سستی به نبرد خویش ابتدا برای تحقق جمهوری دمکراتیک خلق، بعنوان آن بلکائی برای تحقق سوسا لیسیم و تابیروزی نهائی هم - دوش با مردان زحمتکش ادا میدهند. "در جامعه ای که به زنان ستم روا داشته میشود، آزادی برای زحمتکشان وجود ندارد!" "آزادی زنان تنها با آزادی همه کارگران و زحمتکشان از قید و بند سرما به امکانپذیر است!" "تنها جامعه بی طبقه میتواند به ستم کاری نسبت به زنان خاتمه دهد!"

اینک نیز با بیای مردان به مبارزات خود ادامه میدهند زنان کارگر، زنان کرد، ترکمن و... دوش بدوش مردان برای نابودی سرما به داری و وابسته میرزند. علاوه بر شرکت فعالانه در مبارزات خونین با امیریا لیسیم و ارتجاع، زنان زحمتکش ایران برای بدست آوردن حقوق عادلانه برابر با مردان نیز به مبارزه خود ادامه میدهند و بر علیه تمامی ستم‌هایی که رژیم جمهوری اسلامی به آنها تحمیل کرده است بیباک خواهند. اما زنان زحمتکش ما با بدبختی ستم‌های بسیار با نیرددلورا نه آنها همدوش مردان زحمتکش بر

زنان بخاطر بودن، استخدام نمیشوند و تعداد زیادی نیز بیکار شده و با در خطر بیکاری قرار دارند. جمهوری اسلامی میکوشد تا زنان را مانند قرون وسطی در خانه محبوس کرده مانع شرکت فعال آنها در زندگی تولیدی و اجتماعی گردد. کارهای سنگین، شب کاری و... با کمترین دستمزد بعهده زنان کارگر گذاشته میشود. زنان زحمتکش ایران با بیای مردان در مبارزه خونین بر علیه شاه خشن شرکت داشتند و مدتها شهید در ۱۷ شهریور و... از خود بجای گذاشتند، زنان انقلابی دلوری که در زمان شاه شکنجه و تیرباران میشدند

بقیه از صفحه ۲۲ **لیبرالها...**

بورژوازی قرار دهند.

در شرایط حاضر لیبرالهای فریبکار رنگران
اوضاع هستند. کدام اوضاع؟! وضعی که حزب
جمهوری با سیاستهای آشکارا ارتجاعی و عقب-
مانده خود، نتواند از اداره سرما به داری وابسته
و جلوگیری از رشد جنبش است. کمونیستها و
انقلابیون صدیق از رشد انقلاب استقبال میکنند
اما مرتجعین و از آنجمله لیبرالها از رشد انقلاب
میهراسند. تاریخ مبارزه طبقاتی دوره اخیر
ایران شاهد این مدعاست. کارگران ما هرگز
فرا موش نکرده اند که در دوره آخر حیات تنگین
رژیم شاه مزدور لیبرالها با نام نگاری برای
"علیحضرت" شان شاه را از خطر انقلاب آگاه
میساختند و به او میگفتند بیکتا توری را تخفیف
بده تا ما هم شریک قدرت شویم و با کمک همدیگر
جنبش انقلابی توده ها را متوقف سازیم. آری
هیچکس این تاریخ زنده را فراموش نمیکند! و
امروز ما می بینیم که همان داستان تکسیر
میشود. امروز نیز لیبرالها به حزبها میگویند
"انحنا رطلسی" را کنار بگذارید تا متحدا
انقلاب را سرکوب کنیم. سحابی خا شن میگوید
ما در پی سقوط دولت نیستیم چرا که این امر
"هرگز با روحیه و طرز تفکر ما انطباق ندارد. ما
در این دیدار و قدر و مقدر جرح گوشتی
و حق خواهی و روشنگری و چاره اندیشی نسبت به
وضع آشفته خطرناک موجود وطن نظری نداریم.
سحابی در واقع میگوید ما حق لیبرالها
را میخواهیم تا با چاره اندیشی متحدا به خطر
انقلاب را دفع نمائیم. این است کنه صحبت این
لیبرال خا شن!

لیبرالهای خا شن سهم بیشتری از حزبهای خا شن می طلبند

لیبرالها که امروز در دستگاه دولتی در موضع
مسلط قرار دارند از حزبها "حق خود را می -
خواهند. لیبرالها بر آنند که در برابر کس -
حکومت جمهوری اسلامی که محصول سازش خا شنین
به خلق با امپریالیسم است، نقش قاطعی داشته -
اند. لیکن امروز ما لازم خود در قدرت سیاسی
برخوردا نیستند. با زرگان این خیانتکار کهنه
- کار میگوید: "ما ضمن آنکه مخالف و معترض
نسبت به خیلی خرابیها و خطاها و خلافها (ی حزبها)
هستیم و آنها را نقاط ضعف و زیان و بلکه تنگ ...
میدانیم ولی در اصل و اساس با انقلاب (منظور
سازش است) و نظا میکه خود را بجا دو استقرار آن
شریک بوده ایم مخالف و دشمن نیستیم ... آری
با زرگان ما با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی
با سیستم سرما به داری وابسته با امپریالیسم
با استمگری علیه خلق مخالف نیستند. چرا که
هستی لیبرالها (هما نگونه که حزبها) در گرو
وجود همین سیستم مردمی قرار دارد. بازگشت
جزو طبقه بورژوازی بوده و بورژوازی نمیتواند
با سرما به داری وابسته و رژیم مدافع آن مخالف
و دشمن باشد. آری با زرگان میگوید ما طرفدار

قانون اساسی ارتجاعی موجود هستیم و تضعیف و
تردید در آن واژگون کننده اساس نظام
خواهد شد. "و چرا که لیبرالها همانند حزبها
طرفدار این قانون اساسی نباشند. قانونی که
مالکیت سرما به داری را بر سمیت می شناسد،
قانونی که استثمای کارگران را حق سرما به دار
میداند، قانونی که هیچگونه اعتراضی علیه
حضور امپریالیستها و سرما به های چپا و لگراتان
ندارد، قانونی که جز فقر و ستم و استثمای
کارگران و سایر توده ها حق دیگری قائل نیست.
آری با زرگانها مدافع و پادار همین قانون
اساسی و ضد مردمی هستند. پس اختلاف در کجاست؟
لیبرالها مخالف "انحنا رطلسی" حزبها می -
باشند. چرا که این انحنا رطلسی، لیبرالها را در
اعمال سیاست خود محدود میسازد. لیبرالها می-
گویند با آزادی برای همه بورژوازی فرا هم
باشد. لیبرالها میگویند دنیا به "انحنا رطلسی
تک حزبی" داشت با بیداری توری کل طبقه
سرما به دارا عمل کرده. بزدی این دلال سازش
با امپریالیسم میگوید: "اشکال اساسی در ...
اختلاف دو بینش و نگرش از فلسفه سیاسی است.
یک بینش به جا مع با آزادی بر اساس موازین
اسلامی و قانون اساسی اعتقاد دارد، بینش دیگر
معتقد به اداره کشور بر اساس حکومت تک حزبی
است. "بزدی ادا می میدهد: "دولت سمبل و آلت
فعل یک جریان سیاسی حاکم است تا آن تفکر
سیاسی انحنا رطلبا نه تغییر پیدا نکند و تا آن
جریان اصلاح نشود، دولت مطرح نیست. این
دولت مجری نظرات و گرایشات همان جریانسی
است که معتقد به حکومت حزب واحد است."

بزدی به حزبها میگوید با بد بینشی اتخاذ
کرده که "به جا مع با آزادی" معتقد است. یعنی
جا مع ای که در آن همه بخشهای بورژوازی بتوانند
در ماشین دولتی سهم مساوی داشته باشند یعنی
جا مع ای که در آن لیبرالهای خا شن در کنار
حزبهای خا شن در "اداره کشور" به یک میزان
سهم میباشند. بزدی همانند همه لیبرالها آزادی
برای کارگران و سایر توده ها نمیخواهد اینان
آزادی برای بخشی از بورژوازی میخواهند.
اینان میگویند چرا از دیوتلوژیون فقط در
خدمت حزبها باشد؟ چرا نمایندگان لیبرال در
نطق قبل از دستور مجلس نباید از حقوقی برابر
حقوق حزبها برخوردار باشند؟ چرا در نما جمعه
فقط حزبها با بد حرف میزنند و نه لیبرالها؟ چرا
دولت رجائی وزیران خود را از میان لیبرالها
انتخاب نمیکند؟ چرا در پیشبرد ا مورقفا شی
لیبرالها را بازی نمیدهند؟ می بینید که خواست
- های لیبرالها چیست! لیبرالها میخواهند
همانند حزبهای مرتجع از حقوق برابر در
ارگانهای دولتی برخوردار باشند. بنا بر این
لیبرالها برای دمکراسی و آزادی کارگران و
سایر توده ها نمیتوانند و نمیخواهند مبارزه کنند
مگر لیبرالها در کنار حزبها با رها و با رها
جنبش کرد ستان را سرکوب نکرده اند؟ مگر
لیبرالها در کنار حزبها بد فعات بسایز کمونیستها

را در زندان شکنجه نکرده و اعدا منعموده اند؟ مگر
با رها و با رها قوای سرکوبگر رژیم سزا هرات
توده ها را بخون نکشیده اند و مگر لیبرالها و
حزبها این سرکوبها را تا شید نکرده اند؟ بسا
یکبار دیده اید که لیبرالها علیه سرکوب کارگران
و کمونیستها لب به اعتراض بکشند؟ هرگز و
هرگز! لیبرالهای مرتجع بنا بر ما هیت طبقاتی
خود موافق سرکوب خلق اند و در این جنابسات
با روه دست حزبهای مرتجع میباشند. آری همه
بخشهای هیات حاکمه دشمن انقلاب میباشند.
آری مسئله اصلی لیبرالها گرفتن "حق خود" از
حزبها میباشند.

لیبرالهای خیانتکار از انقلاب توده ها وحشت دارند

اما لیبرالها برای چه میخواهند موقعیت
خود را از دستگاه دولتی تقویت کنند؟ در پاسخ
به این سؤال باید گفت عامل اساسی طرح این
خواست وحشت از انقلاب توده ها است. لیبرالها
می بینند که جنبش توده ها همچنان اوج میگیرد
و حزبها لیاقت متوقف ساختن آن را ندارند.
بنا بر این خود میکوشند تا به شیوه خود بر انقلاب
مها زده و آنرا به انحراف بکشانند. آنها می -
دانند که در صورت وقوع انقلاب توده ها مرگ حسی
کل بورژوازی ایران ناگزیر خواهد بود و بنا بر
- این تلاش میکنند تا توطئه های خود را انقلاب
را سرکوب نمایند. آنها تلاش میکنند تا با برنامه
- های خاص خود به این هدف خدا نقلایی ناشل
آیند. بزدی خا شن میگوید: "ما این مشکلات را
میدانیم ما آنها را بدلیل این مشکلات میتوان از
طرح برنامه های اصولی و منطقی خودداری کرد؟
با آنکه با ندانم کارها و بی کفایتی ها بر دامنه
مشکلات افزود تا بجای که خدای نکرده به یک
فاجعه بزرگ و متلاشی شدن منجر گردد؟" او اضافه
میکند: "عدم نظم و سازماندهی در این مرحله از
انقلاب موجب تشدید بحرانهای اقتصادی، تشدید
تورم و ورگود و بیگاری و موجب بروز هرج و مرج و
نا امنی میگردد." (تاکید از ما است.)

می بینید لیبرالها همانند حزبها چگونه
از او جگری جنبش و انقلاب میهراسند لیبرالهای
خا شن به حزبهای خدا نقلایی ایراد میکنند که
شما نمیتوانید بحران را رفع کنید و جنبش را
بخوابانید. لیبرالهای خا شن میگویند اگر
"برنامه های اصولی" جهت بازسازی سیستم

سرما به داری وابسته و سرکوب انقلاب را ریشه
ندهیم "فاجعه بزرگ" بوقوع می پیوندد. آری
لیبرالهای خا شن همانند همه مرتجعین از
انقلاب وحشت داشته و آنرا "فاجعه هرج و مرج و
نا امنی" میخواهند و بر این است که انقلاب توده ها
برای همه سرما به داران و از جمله لیبرالها
فاجعه مرگ آوری خواهد بود. اینجا است که ما هیت
دغلاک را نه و مرتجعان لیبرالها آشکارا تر می -
گردد. اینجا است که روشن تر میشود که لیبرالها

بقیه در صفحه ۲۹

بقیه از صفحه ۲ سر مقاله...

حزب نمی دهد) و نه لیبرالها، قدرت و توان آن را دارند که با تکیه بر ابزارها و پاپه های توده ای موجود خود، دست به یک تعرض نظامی بر علیه جناح دیگر، که اکنون مهمترین ابزار هستی قدرت دولتی را در قبضه دارد، دست زنند.

چنین مجموعه ای از عوامل و عناصر، هیئت حاکمه را درین بستی از حل تضادهای درونی آن، گرفتار ساخته است، که هیچگونه چشم انداز روشنی در حل فاطح آن برای جناحها، ترسیم نمی کند. بیپرده نیست که هر یک از جناحها علیرغم پیچیدگی هائی که بر چهره یکدیگر میکشند، در پایان هر دو از درگیری، به تلاش های سترون خویش نومیدانه چشم میدوزند، و "خدا" را به شهادت بی طلبند!

تغییر تدریجی توازن توا در هیئت حاکمه به نفع حزب جمهوری، لیبرالها را به یک نیروی "اپوزیسیون" ارتجاعی در درون هیئت حاکم تبدیل کرد این تغییر توازن نیروها و شکل گیری تضاد در برابران در هیئت و تناسب جدید آن، باعث شکل گیری تناسب خاصی و سوبینی در قوای سیاسی و نیروها و احزاب در ایران گردیده است. تناسبی نوین هم در درون جبهه بورژوازی بطور کلی وهم در درون جنبش کارگری و انقلابی واقعیت این است که اپوزیسیون ارتجاعی بختیاری هم اکنون وقیل از آنکه بعنوان یک آلترنا تیو مستقل، همچون گذشته عرض اندام کند در یک طبقه تیره ای بطور بلا واسطه یا با واسطه، در اتحاد با جناح لیبرالهای درون هیئت حاکمه، جبهه متحدی در برابر جناح حزب بوجود آورده است، و بنی مدرار به "زعامت" و ناسبندگی خود برگزیده است. بنی مدره اکنون خواسته با نا خواسته به نقطه وحدتی در بخش وسیعی از اقشار بورژوازی که زنجیر آن از درون هیئت حاکم تا خارج از آن یعنی از بورژوازی لیبرال، تا بورژوازی بزرگ انحصاری کشیده میشود، تبدیل گشته است. این طیف به زعامت لیبرالها، با عوام فریبی تمام، به جستجوی متحدینی در درون جنبش کارگری و انقلابی گرایشی را به نفع خویش برانگیخته است و نیروهای سیاسی معینی را به چاکرانی خویش در درون جنبش کارگری و سرپل خود در درون جنبش انقلابی تبدیل کرده است، از رویزیونیست های ضد انقلابی سه جانی که به عنوان متحدین استوار و نوکران نقابدار این طیف گسترده بورژوازی لیبرال عمل میکنند، بگذاریم، سازمان مجاهدین، به عنوان یک نیروی بورژوا دمکرات، با انتخابیک سیاست لیبرالی در درون جنبش انقلابی به سرپسبیل نفوذی لیبرالها در درون جنبش دمکراتیک تبدیل شده اند.

در سوی دیگر، حزب جمهوری اسلامی، با تمام گرایشات درونی خویش رویزیونیست های توده ای و اکثریتی را در کنار خود دارد و هم اکنون آنها با تمام نیرو در جهت همراهی و یاری رساندن به این جریان ارتجاعی هستند.

این آرایش سیاسی نیروها در لحظه حاضر

که زنجیر و راهم نیروهای سیاسی را بتوعی تحت تاثیر خود قرار داده است، بدلیل خلطت خود، اهمیت سیاسی بین مهمی در جهت حرکت تضادها و سیراوضاع سیاسی جامعه، یافته است. این بنف بندی سیاسی، عملا و علیرغم تمام تنوع عاقتی که در نیروهای سیاسی جامعه وجود دارد، باعث شده است که آلترنا تیو، در برابر انقلاب و در مقابل بحران کنونی، خویش را نمایان سازد: آلترنا تیو لیبرالها، آلترنا تیو حزب جمهوری اسلامی، به مثابه دو آلترنا تیو ارتجاعی و ضد انقلابی، و آلترنا تیو انقلابی کمونیستی، که در مبارزه و نفوذی دو آلترنا تیو دیگر رشد و گسترش می یابد، در واقع هم اکنون نه دارنده های آلترنا تیو، از قبیل بختیاریها را می توان یک آلترنا تیو مستقل به حساب آورد. چرا که عملا هژمونی جناح لیبرالهای درون هیئت حاکمه را پذیرفته اند، و نه سازمان مجاهدین خلق را پذیرفته اند. و نه سازمان مجاهدین خلق به مثابه یک نیروی بورژوا - دمکرات مترقی، بدلیل خلطت خط مشی و سیاست خود، در شرایط کنونی و جایگاهی که در مناسبات سیاسی نیروها اشغال کرده است، آلترنا تیو مستقلی را ارائه میدهد. واقعیت نشان میدهد، که رهبران سازمان مجاهدین عملا توده ها را به مسلخ لیبرالها میکشاند و آلترنا تیو لیبرالی را در اوضاع کنونی تقویت می نماید. مجاهدین با اتخاذ سیاست و خط مشی ای که در مقابل تضادهای دو جناح رژیم در پیش گرفته اند، عملا از ارائه یک آلترنا تیو مستقل انقلابی بورژوا دمکراتیک و یا تقویت آلترنا تیو انقلابی و کمونیستی موجود، سر باز زده اند، و این سرنوشتی است که هم اکنون در پیش گرفته اند.

رویزیونیست های خروشچی نیز تمام تلاششان، در مطرح ساختن تقویت و تکامل گرایش و آلترنا تیوی است که در حزب جمهوری اسلامی، و جناح خمینی تجسم یافته است. اینان نیز هم اکنون آلترنا تیو مطلوب خود را به گونه ای مستقل، بلکه در تکامل گرایشات درونی موجود در حزب جمهوری اسلامی و همداستان آن، مطابق تمایلات و اهداف ضد انقلابی و بورژوازی خود مورد هدف قرار داده اند.

در برابر این دو آلترنا تیو ارتجاعی، به تمام عناصر و طیف های ناهمگون درونی آن، آلترنا تیو انقلابی قرار گرفته است که با نفوذی دو جناح ضد انقلابی، و با تکیه بر انرژی انقلابی توده ها، علیرغم همه ضعف ها و کاستی های خود در این مرحله، به مثابه یک قطب، یک گرایش معین سیاسی، در آرایش نیروها، مطرح و موجود است و با زتاب خود را در تشکلات مختلف، ل انقلابی و گرایشات مترقی و با لاقوه نهفته در نیروهای بورژوا دمکرات، جامعه بازمی یابد. این آلترنا تیو انقلابی بیان شده خط مشی ای است که پروولتاریا از موضع طبقاتی آنی و آتی خود را ارائه میدهد و نیروهای دمکرات اگر بخواهند در تحقق منافع و خواسته های دمکراتیک وفادار

باشند، با ایداز این آلترنا تیو انقلابی و پروولتاری پیروی و آنرا حمایت کنند. سیر تکامل گرایشات سیاسی در جامعه، به حول این سه آلترنا تیو، تکامل و تغییر میابد و سرانجام با زدودن تمام تضادها و طیفهای ناسبیتی موجود، به شکل آشکار و روشن، آن ها را مادیست می بخشند.

قطب ارتجاعی اول، یعنی حزب جمهوری اسلامی و متحدین رویزیونیست آن با درپیش گرفتن یک سیاست آشکار "ناسبیا هی" در جامعه و با ناسبگیری تمام، علیرغم اینکه اکنون به نیروی عمده سرکوب در قدرت سیاسی تبدیل شده است، بیش از پیش در نزد توده ها افشا گردیده و به سرانگشاید انفرادی در میان توده های مردم، در غلطیده است. حزب جمهوری در پروسه حرکت خود هر چه بیشتر در سراسر انفرادی فرود میآید و به شیوه های خشن تر و عریانی تری در سرکوب جنبش و نه تنها جنبش که در نزاع با جناح رقیب لیبرال خود، دست می یازد. حزب جمهوری اسلامی، یک حزب و رتگشته برای بورژوازی است که دیگر در نزد توده ها "جیزی" برای عرضه ندارد و کوس رسواشی سران منفور شد در هر گوشه ای بعد از درآمده و جایشی برای عوام فریبی این حزب ارتجاعی در پیش توده ها باقی نمانده است. اما آلترنا تیو لیبرالها چنین نیست. آلترنا تیو لیبرالها، هم اکنون قدرت و توان خود را نه تنها از نیروی سرمایه، بلکه همچنین از نیروی توده توده های وسیع نسبت به لیبرالیسم ضد انقلابی میگیرند. توده های که علیرغم سیرا اعتلاشی مبارزه شان در دام چنین توهمی گرفتار آمده اند، و این همان ویژگی فعلی اوضاع جنبش توده ها از لحاظ ذهنی است.

ویژگی اساسی اعتلا عینی جنبش در شرایط کنونی، در این است که توده ها توهمات وسیع توده هائست به نیروهای سیاسی اپوزیسیون درون هیئت حاکمه، یعنی لیبرالها، و تعاملی متحدینش در خارج از حکومت می باشد. سیر تکامل تضادها و منازعات میان دو جناح، زمین عینی این توهمات را فراهم آورده است. اگر تا دیروز، عوام فریبی های "فدا مهربا لیستی" جناح حزب، مدت زمانی توده ها را در توهم نسبت به خلط "فدا مهربا لیستی" این جناح باقی میگذاشت، (و آزادی گروگانها را میتوان نقطه پابانی برای این توهم به حساب آورد)، اکنون که کوس رسواشی حزب جمهوری و مبارزه به اصطلاح فدا مهربا لیستی آن در هر گوشه و کراانه ای به صدا درآمده است، و در پی آمد تغییر توازن نیروها در هیئت حاکمه به نفع حزب و به زیبان لیبرالها، این لیبرالهای ضد انقلابی هستند که اکنون با عوام فریبی های "آزادخواهان" - شان، در موضع مطلوب هیئت حاکمه، به نقطه توهمی در ذهن توده ها تبدیل شده اند. واقعیت این است که بورژوازی لیبرال در ایران، هم

میتینگ روز پنجشنبه لیبرالهای ضد انقلابی را محکوم می کنیم!

کارگران مبارز، هم میهنان انقلابی!

با ردیگر لیبرالهای خیانت پیشه، ایمن متحدان امپریالیسم، ومدافعین سر سخت سرمایه تلاش میکنند با سوار شدن بر امواج جنسیت توده، که حاکمیت ارتجاعی بورژوازی را هدف قرار داده است، مبارزات توده های ستمدیده ایران را به وسیله ای برای کسب مقاصد انقلابی خویش بدل سازند و چهره خود را پشت ما مک عوام - قریبانه "آزادخواهی" پنهان سازند!

اما توده های ستمدیده خلق، چهره واقعی آنها را شناخته و لیبرالها را نیز در کشتار و سرکوب کارگران زحمتکش و خلقهای ایران در حفظ و بازسازی سیستم زخم خورده سرمایه داری وابسته و سازش با امپریالیسم در تشدید فلاکت و فقر و گران برای توده ها، با جناح حزب جمهوری اسلامی شریک دیده و بدترستی اختلافات و تضادهای دو جناح رژیم رانه بر سر منافع توده ها، بلکه ناشی از تلاش برای کسب سهم بیشتر در قدرت میدانند.

کارگران، زحمتکشان و توده های انقلابی!

با تحریم میتینگ ضد انقلابی لیبرالها، با گسترش مبارزات انقلابی خود علیه بورژوازی حاکم و همدستان رویز بونیست غاش آن، انقلاب را ادا مدهیم!

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد بیگارتوده ها
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۹/۱۲/۵

کردن ما هیت رژیم حاکم و هدف اساسی انقلاب، اهمیت و جایگاه بسزائی میابد. بدون مبارز کردن ذهنیت کارگران و زحمتکشان با این ایده های اساسی انقلابی، هیچ سخنی از قدرتند با بی و رشد آلترناتیو انقلابی کمونیستی ورها شدن آن از سمومات لیبرالی و خرده بورژوازی نمی توان به میان آورد. وظیفه خطر کمونیست - ها، به مثابه پیشاهنگان آگاه پرولتاریا، مخضات خویش را در شرایط کنونی، این چنین بازمی یابد. تنها با ایفای این نقش است که می توان جنبش توده ای را در مسیر سنگلاخی که در پیش دارد، به سلامت هدایت نمود و انقلاب را در مسیر پیروز مندان به جریان انداخت. زنده باد دوسویالیسم! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

انقلابی کمونیستی است، که شرط اصلی، هدایت صحیح جنبش خلق و تکامل انقلاب ایران، در مسیر مطلوب پرولتاریا است. آنچه که به ایمن آلترناتیو عینیت بخشیده و رشد و گسترش آنرا موجب میشود حرکت پر سر و صدا، اما خالی از مضمون کمونیست های جدا از طبقه کارگر و توده های زحمتکش، بلکه از طریق شکل و آگاهیهی بخشیدن به طبقه کارگر و رهبریش در عرصه مبارزه دموکراتیک، بدون آنکه لحظه ای از وظایف سوسیالیستی اش غافل باشد، امکان پذیر است. توهمنده ها، نسبت به لیبرالها، در شرایط کنونی جنبه دیگری تا کتیک کمونیستها را در هیئت کار افشاگرانه وسیع بر علیه سمومات لیبرالی در درون جنبش خلق و جنبش کارگری روشن میسازد. خطت اساسی این کار افشاگرانه جز در ایمن نیست که تصویر صحیحی از جایگاه واقعی بورژوازی لیبرال، در مناسبات اساسی طبقات و آرایش قوای سیاسی، در جامعه ایران، به مثابه بخشی از ارتجاع طبقه کارگر و طبقه مسلک در ذهن طبقه کارگر و توده ها، بوجود آید. جایی که چه توسط لیبرالها، بعنوان ارتجاع ایدئولوژیک و چه بوسیله دموکرات های متزلزلی - سمون مجاهدین وسیع در میان توده ها اشتهایا بد انقلاب ایران، در مسیر خود هدفی جز سرنگونی ما شین دولتی بورژوازی ندارد. اما آنجیزی را که لیبرالها و متحدین سیاسی دموکراتش در صدد انجام آتند، عبارت است از سرنگونی یک جناح از هیئت حاکمه (هدفی که مجاهدین دنبال میکنند) و یا حذف آن از حکومت (هدف لیبرالها) تحقق چنین هدفی، به معنی دست بردن - هیئت حاکمه، و با برجا ماندن دستگاه دولتی بورژوازی حاکم و لاجرم تسلط بورژوازی به مثابه طبقه مسلط در جامعه است. و این چیزی جز رفز میسم نیست. اگر رویز بونیست های غرو شجفی با حمله به جناح لیبرالها و تطهیر جناح حزب، دستگاه دولتی بورژوازی را از خطر درهم شکستن توسط انقلاب، می رها نند، مجاهدین به تبعیت از لیبرالها، عملا همین کار را، با تطهیر جناح لیبرالها، انجام میدهند. هر دو یکسان عمل میکنند و این عمل چیزی جز رفز میسم نیست. هر چند که یکی از موضع یک بورژوا دموکرات نا - بیگیر و متزلزل، و دیگری از موضع یک دارودسته رویز بونیستی ضد انقلابی، عمل هر دو، به حفظ دستگاه دولت و پنهان ماندن آن از پیش چشم توده ها، و تبدیل هدف سرنگونی این دستگاه دولت، به هدف سرنگونی یا حذف یک جناح حکومت و یا حتی در سه ترین حالت به جایگزینی عناصر و ترکیب جدیدی در حکومت برپا به همان دستگاه دولت، می انجامد و نه چیز دیگر. درست بر همین اساس است که در تاکتیک کمونیست ها برجسته کردن هدف اساسی انقلاب و ضرورت سرنگونی بورژوازی و درهم شکستن ما شین دولتی کهنه، رابطه درونی اجزای مختلف حکومت و ما هیت واقعی تضادهای آنان، نقش رفز میسم و لیبرالیسم ضد انقلابی در مخدوش

اکنون نه تنها در هیئت ارتجاع طبقه کارگر، بلکه همچنین در هیئت ارتجاع ایدئولوژیک نیز، در صحنه سیاسی ایران، ایفای نقش میکند. و ایمن نقش دوگانه همان ویژگی مهمی است که چهره خاصی به آلترناتیو لیبرالی در جامعه میبخشد. بورژوازی لیبرال، به مثابه قشری از طبقه بورژوازی در ایران، به مثابه طبقه مسلط و حاکم در ارتجاع درونی با افشاردیگر بورژوازی و بویژه، حزب جمهوری اسلامی جزئی از نیروی سرکوب کننده انقلاب، یعنی بورژوازی حاکم است که در کلیت خویش، در برابر انقلاب قرار داشته و مانع اصلی تکامل انقلاب و جامعه را تشکیل میدهد. و این همان نقش است که آنرا به مثابه ارتجاع طبقه کارگر در صحنه سیاسی ایران موجودیت بخشیده است و انقلاب ایران مستقیما سرنگونی کل بورژوازی و بورژوازی لیبرال را به مثابه جزئی از آن در دستور خود قرار داده است. از سوی دیگر، بورژوازی لیبرال، به مثابه نیروی - لیبرالیسم میان بوسیده ارتجاعی، تلاش دارد که با ابوزیمن نمائی، بطور وسیعی سمومات ایدئولوژیک و سیاسی ضد انقلابی خود را، با سوء استفاده از تمایلات دموکراتیک توده ها، در میان مردم نفوذ و اشتهایا دهد. و میکوشد، تا انرژی انقلابی توده ها را از جهت گیری به سمت سرنگونی کل نظام سیاسی موجود، به حذف یک جناح معین و به قدرت رساندن خود، منحرف نماید. و با چنین نقشی سازش میان انقلاب، و نظام سیاسی ایران بوجود آورد. در ایفای این وظیفه، بورژوازی لیبرال بعنوان یک ارتجاع ایدئولوژیک ظهور میکند. بورژوازی لیبرال، به مثابه ارتجاع ایدئولوژیک میکوشد، بورژوازی لیبرال به مثابه ارتجاع طبقه کارگر را به مثابه جزئی از طبقه مسلط حاکم، از گزند تعرض توده ها در امان دارد، و بدین ترتیب به ایفای نقش دوگانه خویش میپردازد. با چنین نقشی است که می توان به اهمیت خطر آلترناتیو لیبرالی و در همین رابطه نقش انحرافی آن نیروهای بورژوا دموکراتی (چون مجاهدین) که عملا به سرپل انتقالی ایمن لیبرالیسم ضد انقلابی به میان توده ها، تبدیل شده اند، پی برد. با چنین تصویری از واقع عینی و ذهنی جنبش، اکنون میتوان، مهمترین جنبه - های اساسی تاکتیک کمونیست ها را به مثابه محور و اساس آلترناتیو انقلابی، و در شرایط حاضر توضیح داد.

سیرا اعتلای عینی جنبش توده ها به مثابه فاکتور اصلی تعیین تاکتیک کمونیست ها را به اتخاذ یک تاکتیک تعرضی با مختصات - متناسب با سطح تکامل و دامنه این اعتلاست، سوق میدهد. این تاکتیک میباید در همه عرصه - ها آنچنان ظهور یابد که اعتلای انقلابی توده ها را در مسیر فرار رسیدن به یک انقلاب تمام عیار، هدایت نماید. آنچه که در مرکز این تاکتیک قرار میگیرد، همانا رشد و تقویت آلترناتیو

لیبرالهای صد انقلابی ونلاشی دیگر برای سرکوب انقلاب

هفته قبل تعرض آشکار لیبرالها علیه حزبها بود. در هفته گذشته چهار رتن! نما بیندکان برجسته لیبرالهای خاشر در تعرض علیه حزبهای خاشر پنجشنبه ۷ اسفند را اعلام سخنرانی کردند و بدین ترتیب کوشیدند تا یکبار دیگر سر جنبش توده ها سوار شده و یکبار دیگر با ما نور خود ضربه ای جدید بر قبیان حزبیشان وارد سازند. بیایم اعلام این سخنرانی حزبها را فلک کبر میخواند. اما کار اساسی جهت جلوگیری از سخنرانی نمی توانند انجام دهند آنها فقط از اینجا سخنرانی لیبرالها در دانه نشگاه ما نعت بعمل میآورند. اما خمینی به حمایت از حزبها به لیبرالها هشتاد و نهمین گامی که اوگیری جنبش را می بیند و میکوشد تا بورژوازی، تحت رهبری حزب، علیه جنبش توده ها متحدی بیمانند، زیر فشار لیبرالها می پذیرد که سخنرانی صورت گیرد و خطاب به ساداران و ما مورین دولتی و در عین حال بطور غیر مستقیم به حزبها میگوید:

"کما نیکه بخوا هندا اختال کنند در هر امری از ما مورچه در سخنرانی ها شای که از طرف شخصیت میشود و در اجتماعات مطابق قانونی که با ما اجازه و سرکوب در اجتماعات حاصل میشود با ما شای ما مواظب باشید." (دوشنبه ۴ اسفند).

اما خمینی در همان حال با لحن تهدید آمیز به لیبرالها میگوید:

"در گفتار شما، در نوشته های شما، اگر چه چنانچه خدای نخواسته یک تفرقه ای ایجاد شود یک سرکوب بخوا هندا ز دشمنان بخيال خودتان از رقیبهای خودتان بکنید و این موجب بشود که دلسردی برای ارتش حاصل بشود، دلسردی برای سپاه ساداران، دلسردی برای پاسانان و شهربانانی حاصل بشود و یک قتلها شای واقع شود به واسطه همین دلسردی، شما ها شریک هستید در آن قتل." (همانجا).

بدین ترتیب خمینی به لیبرالها میگوید نباید بر قبیان خود بنیاد بزنند و بدینصورت "بالائیها" تفرقه بیندازند. آری خمینی نگران است که در شرایط درگیریهای دو جناح "انحزام" بورژوازی از زمین بیرون رود و کل رژیم حاکم در سرکوب انقلاب نتوان ترک کرده و به همین خاطر به لیبرالها میگوید نباید اعتدال را بگیرد. بدینحال این کشمکشهاست که با لایحه لیبرالها به خمینی پاسخ میدهند که ما نیز برای نجات رژیم

یادداشتهای سیاسی هفته

سرما به داری حاکم تلاش میکنیم. و به وحدت بورژوازی اعتقاد داریم و سخنرانی ما نیز اگر چه مخالف با "انحزام" رطلیمی های حزب است اما در باره مسائل و مشکلات کشور "با معنایی دیگر در باره چگونگی به بند کشیدن و سرکوب جنبش توده ها و ارائه راه حل مناسبتری جهت اداره سرما به داری و وابسته به امیرالایسم میباید.

لیبرالهای خانن و هدف آنان از برگزاری سخنرانی

همانطور که میداند جنبش اوگیری نشده و اعتلا شای کا، گران و توده ها همچنان موانع را پس میزند و موج او رطلومی بند، کارگران و توده های هر چه بیشتری بر ما مان تجربه دوساله خود نیز فعالیت آگاهانه کمونیستها و انقلابیون درمی یابند که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نیز مانند رژیم ارتجاعی پهلوی هرگز نمیتواند و نمیخواهد کوچکترین نیازهای آنان را پاسخ گوید و سرکوب بیشتر و فقر و فلاکت گسترده تر! ارتجاع دیگر ندارد و به همین دلیل زحمتکشان جامعه ما به مبارزات خود ادامه داده و در پی انقلاب میباشند. بیرواض است که بحران فزاینده سرما به داری وابسته و شدت گیری بازم بیشتر توده های درون هیات حاکمه و گسختگی آن شرایط مناسبتری را جهت وسعت یافتن مبارزات توده ای بوجود میآورد. در بیشتر این انقلابی توده های هر چه بیشتری از حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی که اینک اهرمهای اساسی قدرت را در دست دارد کنده میشوند. اما در شرایط فقدان حزب کمونیست و آلترنا شونیرومند کمونیستی بخش مهمی از این توده های کنده شده، به طرف لیبرالهای چنانستکار و فریبکار متمایل میگردد. این تمایل نه بخاطر اشتراک منافع توده ها با لیبرالهاست چرا که کارگران و توده های محروم به لحاظ طبقاتی در تقاضای آشتی ناپذیر با کل هیات حاکمه و از جمله لیبرالها قرار دارند. این تمایل اساسا ناشی از ضعف کمونیستها و فقدان آگاهی انقلابی در میان توده ها است و به همین خاطر لیبرالهای خاشر با تمام قوا میکوشند تا با کشتن توده های نا آگاه بسوی خود، جنبش آنان را وجه المانع با بخش دیگر بقیه در صفحه ۲۸



تروریک
کمونیست
در زندان!

روز ۱۷ بهمن ما در میتینگ سازمان جریکهای فدائیی خلق (قلیبند) که بدست پاسداران جهل و سرما به بخون کشیده شد، یک کارگر کمونیست رفیق فدائیی جها نگیر قلععه میآند و آب، دستگیر شد. تلاش خانواده رفیق بجای تیرسدن است. اینک پس از روز معلوم شد که جناحتکاران رژیم جمهوری اسلامی، او را در زندان ترور کرده اند. خبرها شای حاکی از این است که جسد رفیق را همراه با چند جسد دیگر در باره (خرم سابق) کشف کرده اند.

رفیق شهید جها نگیر قلععه میآند و آب از فعالین جنبش کارگری بود و در مبارزات خانه کارگری بطور خلاق شرکت میکرد. شهادت رفیق جها نگیر، گواهی است بر پایداری کمونیستها در راه مبارزه علیه امیرالایسم و ارتجاع و در راه رها شای طبقه کارگر تا آخرین قطره خون.

رفیق جها نگیر قلععه میآند و آب در کنار شهادت رفیق کمونیستی و انقلابی برای همیشه در قلب زحمتکشان ما زنده است. با داورا با ادامه مبارزه با یکدیگر میباید.

گرامی باد یاد دکتر محمد مصدق

در سالگرد درگذشت او (۱۴ اسفند ۱۳۳۶)



مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست